



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

پارہٴ علیا بنی اہل بیت حصہ نمبر پہلے حصہ نمبر نمبر ۱۰

# ولایت

شرط قبولی اعمال



﴿جلد اول﴾

محمد امینی گلستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ولایت شرط قبولی اعمال

نویسنده:

محمد امینی گلستانی

ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	ولایت شرط قبولی اعمال جلد ۱
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۵	فهرست موضوعات
۲۴	مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب
۳۰	تالیفات چاپ شده از مؤلف
۳۵	کتاب های آماده چاپ و در دست تألیف
۵۷	در اخبار اهل سنت چند آیه در قرآن کریم در باره
۵۷	اشاره
۵۷	۱- ۲۰۰ آیه
۵۸	۲- بیش از ۳۰۰ آیه
۶۳	۳- یک چهارم قرآن
۶۷	۴- یک سوم قرآن
۶۸	تعدادی از آیات نازل در باره علی علیه السلام از نظر
۶۸	اشاره
۶۹	۱- آیه تبلیغ:
۷۹	۲- آیه اکمال دین
۸۳	۳- آیه سأل سائل بعذاب واقع
۸۵	۴- آیه ولایت:
۸۵	اشاره
۸۹	شأن نزول آیه ولایت در کتب اهل سنت
۹۶	اسناد نزول آیه ی ولایت در مورد حضرت امیر در
۱۰۴	۵- سؤال از ولایت

- ۶- آیه هدايت ..... ۱۰۷
- ۷- آیه سجده نکردن به اصنام ..... ۱۱۰
- ۸- آیه سؤال از نعمت ..... ۱۱۰
- ۹- آیه اولی الأمر ..... ۱۱۱
- ۱۰- آیه حیل المتین ..... ۱۱۶
- ۱۱- آیه مباحله ..... ۱۱۷
- تعدادی از اخبار و روایات اهل سنت در باره ولایت ..... ۱۲۹
- اشاره ..... ۱۲۹
- ۱- علی جانشین و وارث من است ..... ۱۳۴
- ۲- انگشتر به دست راست کن ..... ۱۳۵
- ۳- شما را شاهد می گیرم ..... ۱۳۵
- ۴- تو بعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین ..... ۱۳۶
- ۵- علی با قرآن است ..... ۱۳۷
- ۶- او را محور حق معرفی نمود ..... ۱۳۷
- ۷- جدا کننده بین حق و باطل است. ..... ۱۳۸
- ۸- خلافت علی علیه السلام ..... ۱۳۹
- ۹- عدم قبول ایمان جز با قبول ولایت او ..... ۱۳۹
- ۱۰- همچون مشک خشک گردد ..... ۱۴۱
- ۱۱- بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید ..... ۱۴۲
- ۱۲- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر اکرم (ص) ..... ۱۴۳
- ۱۳- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران ..... ۱۴۴
- ۱۴- حدیث منزلت و شباهت به هارون علیه السلام ..... ۱۴۶
- ۱۵- حق همیشه با علی است ..... ۱۴۹
- ۱۶- علی با قرآن و قرآن با علی علیه السلام ..... ۱۵۰
- ۱۷- علم علی (علیه السلام) ..... ۱۵۲
- ۱۹- آیا بعد از شما ما چنین خواهیم شد؟ ..... ۱۵۵

- ۲۰- ریش تو با خضاب سرخ خواهد شد ..... ۱۵۶
- ۲۱- بامرگ جاهلیت مردگان ..... ۱۵۷
- ۲۲- در فتنه ها علی را بگیرید ..... ۱۵۹
- ۲۳- مودت علی واجب است ..... ۱۶۰
- ۲۴- اظهار عمر بن خطاب در باره علی علیه السلام ..... ۱۶۱
- ۲۵- دو وزنه سنگین ..... ۱۶۲
- ۲۶- اعتراض مرد همدانی به عمرو عاص ..... ۱۶۳
- ۲۷- مانند کشتی نوح است، ..... ۱۶۴
- ۲۸- اگر دریاها مرکب و جنگلها قلم شوند ..... ۱۶۵
- ۲۹- فضائل بی شمار علی علیه السلام ..... ۱۶۶
- ۳۰- استغفار فرشتگان بر نویسندگان فضائل علی ..... ۱۶۷
- ۳۱- تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن ..... ۱۶۸
- ۳۲- علی علیه السلام امیر و سر مؤمنان ..... ۱۶۸
- ۳۳- فضائل فراوان علی علیه السلام ..... ۱۶۹
- ۳۴- حدیث طیر مشوی ..... ۱۷۰
- ۳۵- محبت و علاقه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (ع) ..... ۱۷۴
- ۳۶- اطاعت از علی (علیه السلام) ..... ۱۷۶
- ۳۷- براستی او مولا و سرپرست شماست ..... ۱۷۷
- ۳۸- تو با علی حرکت کن ..... ۱۷۹
- ۳۹- محبوب مرا بخوانید ..... ۱۸۰
- ۴۰- علی نسبت به من مانند سر است ..... ۱۸۱
- ۴۱- عبور از صراط با جواز ولایت ..... ۱۸۲
- چند روایت در باره دوستی آن حضرت ..... ۱۸۳
- ۱- ای علی، تو را جز مؤمن دوست نمی دارد ..... ۱۸۳
- ۲- ترا دوست نمی دارد مگر مؤمن ..... ۱۸۴
- ۳- منافق علی را، دوست نمی دارد ..... ۱۸۵

- ۴- معیار شناخت منافقین ..... ۱۸۶
- ۵- من با هر کس با شما بجنگد در جنگم ..... ۱۸۷
- ۶- هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود شهید ..... ۱۸۸
- ۷- محبت علی واجب است ..... ۱۹۰
- روایاتی از شیعه در باره ولایت و حبّ اهل بیت علیهم ..... ۱۹۲
- اشاره ..... ۱۹۲
- علی را کسی جز خدا و نبی(صلی الله علیه و آله) نشناختند ..... ۱۹۳
- (علی با انبیاء در باطن و بامن در ظاهر) ..... ۱۹۴
- ۱- این علی برادر و وصی و وزیر من است ..... ۱۹۹
- ۲- او صدیق اکبر است ..... ۲۰۰
- ۳- علی جدا کننده میان حق و باطل ..... ۲۰۰
- ۴- برادرت علی را به خلافت راضی شدم ..... ۲۰۲
- ۵- علی را برای او برگزیدم، ..... ۲۰۲
- ۶- ای علی، تو وصی و جانشین منی ..... ۲۰۴
- ۷- خلیفه و حجّت خدا ..... ۲۰۶
- ۸- ای علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی ..... ۲۰۶
- ۹- کسی را بالاتر از علی شمردن کفرست ..... ۲۰۸
- ۱۰- نبوت مرا انکار کرده ..... ۲۰۸
- ۱۱- نزدیکست از دنیا بروم ..... ۲۰۹
- ۱۲- دو وزنه سنگین ..... ۲۰۹
- ۱۳- مانند کشتی نوح است، ..... ۲۱۰
- ۱۴- ولایت سبب قبولی نماز است ؟ ..... ۲۱۲
- ۱۵- عملی برای او، بالا نمی رود ..... ۲۱۲
- ۱۶- ولایت با تقوی ..... ۲۱۳
- ۱۷- اگر بنده ای در روز قیامت عمل هفتاد پیغمبر را ..... ۲۱۴
- ۱۸- نخستین چیزی که پرسیده خواهد شد ..... ۲۱۴



- ۱۹-ایمان بنده ای قبول نشود مگر باقبول ولایت او ..... ۲۱۵
- ۲۰-عمل منکر ولایت قبول نمی شود ..... ۲۱۶
- ۲۱-خدا عمل کسی را نمی پذیرد تا از حبّ علی ..... ۲۱۷
- ۲۲-شک در علی کفر به خداست ..... ۲۱۷
- ۲۳-آگاه باش اگر مردی ..... ۲۱۸
- ۲۴-اسماء ائمه علیهم السلام ..... ۲۱۹
- ۲۵-نظر کردن به روی علی عبادت است. .... ۲۲۸
- ۲۶-ولایت علی(علیه السلام) و بعثت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۲۹
- ۲۷-ولایت علی(علیه السلام) و بعثت پیامبران ..... ۲۳۰
- ۲۸-ولایت علی علیه السلام قلعه آمن خدا ..... ۲۳۲
- ۲۹-انکار فضایل علی (علیه السلام) کفر به خداست ..... ۲۳۳
- انتظار فرج هم؛ شرط قبولی اعمال است. .... ۲۵۰
- اشاره ..... ۲۵۰
- روایتی درباره ایام غیبت و دعا در آن. .... ۲۵۴
- رستگاران از ۷۳ ملت ..... ۲۶۱
- اشعاری چند در باره مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام ..... ۲۷۰
- مناجات ..... ۲۷۴
- گزیده ای از اشعار ولایت در معراج ..... ۲۷۶
- منابع کتاب: ..... ۲۹۴
- درباره مرکز ..... ۳۳۰

## ولایت شرط قبولی اعمال جلد 1

### مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی گلستانی، محمد، 1317 -

عنوان و نام پدیدآور: ولایت شرط قبولی اعمال [کتاب] / محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر: قم: سپهر آذین، 1395 .

مشخصات ظاهری: 2ج

شابک: 100000 ریال: 6-27-6920-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق -- اثبات خلافت

موضوع: \*Proof of caliphate -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661

موضوع: ولایت

موضوع: \*Sainthood

رده بندی کنگره: BP223/54/الف816 و 81395

رده بندی دیویی: 297/452

شماره کتابشناسی ملی: 4245896

ص: 1

اشاره



ولایت شرط قبولی اعمال

محمد امینی گلستانی

ص: 3



نام: ولایت شرط قبولی اعمال

مؤلف: محمد امینی گلستانی

ناشر: سپهر آذین

نوبت و تاریخ چاپ: اول، تابستان 1395

تیراژ: 2000

قیمت: 10000 تومان

تلفن مؤلف: همراه (09123793915)

شابک: 978-600-6920-27-6

حقوق طبع شرعاً، قانوناً، اخلاقاً، مخصوص مؤلف است.

ص: 5

## فهرست موضوعات

شرط قبولی اعمال 1

محمد امینی گلستانی 1

فهرست موضوعات 5

مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب 14

تالیفات چاپ شده از مؤلف. 20

کتاب های آماده چاپ و در دست تألیف 25

ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرط 29

قبولی اعمال است 29

لازم به ذکر است 30

در اخبار اهل سنت چند آیه در قرآن کریم 47

در باره امیر مؤمنان علیه السلام نازل شده 47

است. 47

1-200 آیه 47

2-بیش از 300 آیه. 48

3-یک چهارم قرآن 53

4-یک سوم قرآن 57

ص:6

تعدادی از آیات نازلہ در بارہ 58

علی علیہ السلام از نظر اہل سنت 58

1- آیہ تبلیغ: 59

2- آیہ اکمال دین 69

3- آیہ سأل سائل بعذاب واقع 73

4- آیہ ولایت: 75

شأن نزول آیہ ولایت در کتب اہل سنت 79

اسناد نزول آیہ ی ولایت در مورد حضرت 86

امیر در کتب اہل سنت 86

5- سؤال از ولایت 94

6- آیہ ہدایت 97

7- آیہ سجده نکردن بہ اصنام 100

8- آیہ سؤال از نعمت 100

9- آیہ اولی الأمر 101

10 آیہ جبل المتین 106

11- آیہ مباہلہ 107

ص: 7



جالب ترین آیه ای که خود بزرگان اهل سنت، 107

تعدادی از اخبار و روایات اهل سنت 119

در باره ولایت علی علیه السلام 119

ولایت و امامت علی (علیه السلام) 123

1- علی جانشین و وارث من است 124

2- انگشتر به دست راست کن 125

3- شما را شاهد می گیرم 125

4- تو بعد از من رهبر و سرپرست 126

تمام مؤمنین هستی 126

5- علی با قرآن است 127

6- او را محور حق معرفی نمود 127

7- جدا کننده بین حق و باطل است. 128

8- خلافت علی علیه السلام 129

9- عدم قبول ایمان جز با قبول ولایت او 129

10- همچون مشک خشک گردد 131

11- بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید 132

12- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر 133

اکرم (صلی الله علیه و آله) 133

13- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران 134

14- حدیث منزلت و شباهت 136

به هارون علیه السلام 136

15- حق همیشه با علی است 139

16- علی با قرآن و قرآن با علی 140

علیه السلام 140

17- علم علی (علیه السلام) 142

19- آیا بعد از شما ما چنین خواهیم شد؟ 145

20- ریش تو با خضاب سرخ خواهد شد 146

21- بامرگ جاهلیت مردگان 147

22- در فتنه ها علی را بگیرد 149

23- مودت علی واجب است 150

24- اظهار عمر بن خطاب در باره علی 151

25- دو وزنه سنگین 152

ص: 9

- 26- اعتراض مرد همدانی به عمروعاص 153
- 27- مانند کشتی نوح است، 154
- 28- اگر دریاها مرگب و جنگلها قلم شوند 155
- 29- فضائل بی‌شمار علی علیه السلام 156
- 30- استغفار فرشتگان بر نویسندگان 157
- فضائل علی علیه السلام 157
- 31- تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن 158
- 32- علی علیه السلام امیر و سر مؤمنان 158
- 33- فضائل فراوان علی علیه السلام 159
- 34- حدیث طیر مشوی 160
- 35- محبت و علاقه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به 164
- علی (علیه السلام) 164
- 36- اطاعت از علی (علیه السلام) 166
- 37- براستی او مولا و سرپرست شماست 167
- 38- تو با علی حرکت کن 169
- 39- محبوب مرا بخوانید 170

40- علی نسبت به من مانند سر است 171

41- عبور از صراط با جواز ولایت 172

چند روایت در باره دوستی آن حضرت. 173

1- ای علی، تو را جز مؤمن دوست 173

نمی دارد 173

2- ترا دوست نمی دارد مگر مؤمن 174

3- منافق علی را، دوست نمی دارد 175

4- معیار شناخت منافقین 176

5- من با هر کس با شما بجنگد در جنگم 177

6- هر کس بر محبت آل محمد از دنیا 178

برود شهید مرده. 178

7- محبت علی واجب است 180

روایاتی از شیعه در باره ولایت و حبّ 182

اهلبیت علیهم السلام 182

علی را کسی جز خدا و نبی (صلی الله علیه و آله) نشناختند 183

(علی با انبیاء در باطن و بامن در ظاهر) 184

ص: 11

- 1- این علی برادر و وصی و وزیر من است 189
- 2- او صدیق اکبر است 190
- 3- علی جدا کننده میان حق و باطل 190
- 4- برادرت علی را به خلافت راضی شدم 192
- 5- علی را برای او برگزیدم، 192
- 6- ای علی، تو وصی و جانشین منی 194
- 7- خلیفه و حجّت خدا 196
- 8- ای علی تو برادر و وارث و وصی و 196
- خلیفه منی 196
- 9- کسی را بالاتر از علی شمردن کفرست 198
- 10- نبوت مرا انکار کرده 198
- 11- نزدیکست از دنیا بروم 199
- 12- دو وزنه سنگین 199
- 13- مانند کشتی نوح است، 200
- 14- ولایت سبب قبولی نماز است ؟ 202
- 15- عملی برای او، بالا نمی رود. 202

16- ولایت با تقوی 203

17- اگر بنده ای در روز قیامت عمل هفتاد 204

پیغمبر را بیاورد 204

18- نخستین چیزی که پرسیده 204

خواهد شد 204

19- ایمان بنده ای قبول نشود مگر 205

باقبول ولایت او 205

20- عمل منکر ولایت قبول نمی شود 206

21- خدا عمل کسی را نمی پذیرد تا از 207

حبّ علی سؤال کند 207

22- شک در علی کفر به خداست 207

23- آگاه باش اگر مردی 208

24- اسماء ائمه علیهم السلام 209

25- نظر کردن به روی علی عبادت است. 218

26- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر 219

اکرم (صلی الله علیه و آله) 219

ص: 13

27- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران 220

28- ولایت علی علیه السلام قلعه امن خدا 222

29- انکار فضایل علی (علیه السلام) کفر به خداست 223

انتظار فرج هم؛ شرط قبولی اعمال است. 240

روایتی درباره ایام غیبت و دعا در آن. 244

پرسش: عدم قبولی اعمال کسی که به ولایت اعتقاد 247

پاسخ: این سؤال را قبلاً توضیح دادم مضافاً بر آن اگر 247

رستگاران از 73 ملت 251

اشعاری چند در باره مولا امیر مؤمنان علی 260

علیه السلام 260

مناجات 264

گزیده ای از اشعار ولایت در معراج 266

منابع کتاب: 283

ص: 14

## مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب

نام: محمد

نام خانوادگی: امینی گلستانی

شش 15

فرزند: حاج سردار مرحوم

کشور: ایران

استان: اردبیل.

تخصص: فلسفه و فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.

تالیفات (22).

تحصیلات (خارج فقه و اصول و فلسفه).

استادان معروف (21 نفر).

در سال 1329 شمسی از زادگاهم روستای گلستان در 30 کیلومتری اردبیل به مدرسه علمیه ملا ابراهیم اردبیل وارد و پس از گذراندن دوره مقدماتی صرف و نحو و منطق از استاد سید مسلم خلخالی و شیخ سعید اصغری و غیرهما.

ص: 15



در سال 1331 به حوزه علمیه قم وارد شده و نزد اساتید آنجا (آقایان شیخ عبدالکریم ملائی و سید جواد خطیبی و میرزا احمد پایانی و مسلم ملکوتی و میرزا محسن دوزدو زانی و غیرهم) استفاده نمودم، و در نیمه دوم سال 1334 به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا (آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و شیخ مجتبی لنگرانی و عارف بزرگ شیخ محمد علی سرابی و آقای تسوجی و سید اسدالله مدنی آذرشهری و غیرهم دروس فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و غیره)، استفاده نمودم. و در تاریخ 1340 از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل با صبیبه آیت الله حاج شیخ علی عرفانی از شاگردان علامه محمدحسین نائینی و هم دوره آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم ازدواج کرده و به مدت یازده سال در آن شهر که آن وقت یک روستای کوچک بیش نبود اقامت نمودم. در طول این مدت مشغول کارهای تبلیغی و علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشتم.

1 - مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت 800 متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات و فضای باز مسجد 1400 متر.

2 - احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.

4 - تأسیس صندوق های خیریه بنام حضرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از 17 صندوق شروع و فعلاً بیشتر مناطق استان اردبیل را فراگرفته است.

در سال 1351 شمسی از سرعین به اردبیل مهاجرت نموده و مقیم گشتم و در خلال مدت 14 سال اقامت در اردبیل به کارهای روحانیت و تبلیغات اسلامی و 11 سال سرپرستی حجاج بیت الله الحرام را ادامه دادم.

در سال 1357 شمسی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و در بحبوحه انقلاب اسلامی در نازی آباد ساکن شدم و پس از

پیروزی انقلاب. در سال 1359 به اردبیل برگشته مشغول کارهای روحانیت خود شده و به تدریس و تفسیر قرآن مجید اشتغال داشتم. تا اینکه در سال 1365 دوباره به تهران برگشته و در خانه خیابان دانشگاه جنگ ساکن گشته و مشغول تبلیغ و تفسیر و کارهای مربوط به روحانیت شدم. تا این که در سال 1375 از تهران به قم هجرت نموده و در بلوارامین خانه پشت صدا و سیما ساکن شدم.

در سال 1375 شمسی در اردبیل زلزله ویرانگر به وقوع پیوست که در اثر آن تعداد یک صد و یازده روستا را از 25 درصد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرستاد.

در آن سال یک روز بعد از زلزله از خود را از قم همراه پسر حسین به گلستان (زادگاهم) رساندم 77 نفر زن و مرد و کوچک و بزرگ، زیر آوار را با کمک مردم، بیرون می آوردند و به قریه نیار نزدیک اردبیل برده و غسل داده و کفن کرده می آوردند و من نماز میت خوانده دفن می کردیم و من در برف

(آغلار ساوالان) را سروده و نام از دست رفتگان را در شعر گنجانده و به یادگار گذاشتم.

در سال 1381 بنا به دعوت بزرگان سرعین جهت تبلیغ ماه مبارک رمضان، به آنجا رفته و با دیدن وضع مسجد امام زمان علیه السلام که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و تقویت و توسعه داده و تعداد چهار باب مغازه برای هزینه مسجد، و ایجاد گنبد و مناره ها و کاشیکاری های آن را انجام دادم.

در این سفر باز به کارهای امور خیر شروع و ادامه دادم از جمله.

1 - مسجد مجلل باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام به مساحت 1500 متر با متعلقات آن که در سال 1382 تا سال 1392 ادامه پیدا کرد، و الآن مورد استفاده مردم محل و ده ها هزار مسافر شهر توریستی می باشد و در نظر است که تأسیس حوزه علمیه و درمانگاه عمومی و 15 باب مغازه برای

هزینه های مسجد را شروع نمایم انشاء الله.

2- در زادگاهم روستای گلستان، که در اثر زلزله دو مسجد آنجا خراب شده بود، مسجد امیرالمومنین علیه السلام را بنا و تأسیس نموده و به پایان رساندم.

3- در سال 1382 مسجد مجلل در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های یورتچی اردبیل احداث و در سال 1384 تقریباً به اتمام رسید و مورد استفاده قرار گرفت.

4- احداث غسل خانه های متعدد در روستاهای اطراف سرعین.

5- با حصارکشی قبرستان سرعین که در وسط شهر، زیر پای حیوانات و مورد تجاوز ساکنین دور و بر قبرستان بود، محافظت نمودم.

در دوران سکونت جدید قم مشغول تألیفات متعدد گشته که تعدادی از آنها را از نظر خوانندگان عزیز می گذرانم.

ص:20

## تالیفات چاپ شده از مؤلف.

1- سرچشمه حیات - وزیر ی یک جلد 402 صفحه.

در این کتاب مطالب ارزنده علمی و دینی و فلسفی و طبی، درباره آب و آفرینش مخلوقات از آن از نظر قرآن و روایات و کلمات بزرگان فن که مورد استقبال دانشمندان و محققان داخل و خارج کشور قرار گرفت که در مدت کوتاه 4 مرتبه چاپ شد و فعلاً کمیاب می باشد.

2- سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دو جلد ضخیم وزیر ی 1283 صفحه در باره کیفیت کشورداری و مدیریت آن حضرت کشوری به وسعت کره زمین را از نظر فرهنگی و قضائی و اقتصادی و نظامی و اجتماعی و هزاران مطالب نو و متنوع در این مورد که امتیازش را به انتشارات مسجد مقدس جمکران، واگذار و آن را چاپ و نشر می کند.

3- از مباحله تا عاشورا - در یک جلد وزیر ی 684 صفحه در باره مباحله رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با نصارای نجران و سر انجام

ص: 21

تسلیم آنها و مقایسه آن جریان با سرگذشت پنج تن آل عبا علیهم السلام و عدم تسلیم مسلمانان نماهای دشت کربلا به امام حسین علیه السلام فرزند آن حضرت و شهید کردن آن امام را با مظلومیت تمام. این کتاب حاوی مطالب جالب و مفید فراوان می باشد.

4- والدین دو فرشته جهان آفرینش - در یک جلد وزیری در 320 صفحه در باره حقوق متقابل والدین و اولاد در برابر هم از نظر آیات و اخبار و گفتار بزرگان و مطالب فراوان در این مورد.

5- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی - وزیری 276 صفحه. کتابیست تحقیقی و تحلیلی درباره ازدواج جوانان عزیز و راهنمایی آنها در انتخاب همسر و کیفیت زندگی مادام العمر، از منظر آیات و اخبار و... که در واقع مکمل کتاب والدین دو فرشته جهان آفرینش می باشد.

6- کتاب مهم اسلام فراتر از زمان - درباره پاسخ به کسانی است که ایراد نموده و اشکال می گیرند، دین اسلام

ص: 22

چگونه می تواند تا دامنه قیامت، دنیای رو به ترقی روزانه را اداره نماید و اساساً رهبران این دین چه جایگاهی از علم و دانش داشتند که مدیریت جهان را تا آخر دنیا به دست گیرند.

در این کتاب قسمت مهمی از پیشگوئیهای بزرگان اسلام آورده شده است (مانند فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل: یا کمیل بن زیاد هاهنا موضع قبرک ثم أشار بیده المبارکه یمیناً و شمالاً و قال ستبني من هاهنا و هاهنا دور و قصور ما من بیت فی ذلک الزمان الا و فیه شیطاناً اریل).

کلمه اریل لغت انگلیسی است که به گیرنده و آنتن اریال گویند، حضرت 1400 سال پیش نه انگلیسی بود و نه از صنعت آنتن اثری این بیان را داشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سیأتی: زمان علی اُمّتی یُخربون قباب الأئمّه بالبناديقه زودی می آید زمانی بر امت من، قبه (و گنبد)های قبرهای امامان را با بندق ها (یعنی با نارنجک یا بمب) ویران سازند!!

دقت بفرمائید این کلام در زمانی گفته شده است که نه امامی شهید شده و نه در جائی مدفون شده بود و نه از گنبد حررها و



اختراع بمب خبری بود که پس از قرن‌ها در سامرا و قبلاً نیز در بقیع اتفاق افتاد یا روایت در مورد ازدواج همجنسها یتزوج الرجال بالرجال و یتزوج النساء بالنساء، و روایت لعن الله المتشبهین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال در باره تغییر جنسیت دهندگان و صدها امثال این روایتها، در 688 صفحه وزیری. پیشگویی های آیات و روایات، از بزرگان دین در باره پیشرفت علوم آیندگان و اوضاع حیرت انگیز جهان، این کتاب در نوع خود منحصر به فرد و حاوی مطالب نو آوری زیاد می باشد.

7- آغلار ساولان- سبلان گریان یا سبلان می گرید: رقعی 50 صفحه. با زبان آذری در باره زلزله سال 1375 استان اردبیل و تخریب 111 بخش و روستا از 25 در صد تا صد در صد که یکی از آنها روستای گلستان زادگاه مؤلف و کشته شدن و زیر آوار ماندن 77 نفر از نزدیکان نسبی و سببی او و بیان نام تک تک آنها.

8- 111 پرسش و پاسخ در بار امام زمان عجل الله تعالی فرجه

الشریف -رقعی در 295 صفحه سوال و جواب های متنوع در طول سال های تبلیغی مؤلف در شهر توریستی و بیلاقی سرعین اردبیل و بیان مطالب نو .

9- فلسفه قیام و عدم قیام امامان -در 198 صفحه جیبی در باره این که چرا بعضی از آن بزرگواران قیام و اکثرشان قعود نمودند و اساسا قیامی از آنها وجود داشت یا برایشان تحمیل نمودند و مطالب متنوع و مفید دیگر.

10 -گلستان سخنوران شامل 110 مجلس سخنرانی مذهبی در دو جلد وزیری 1511 صفحه چکیده ای از تبلیغات متنوع مؤلف.

11 -ولایت شرط قبولی اعمال در باره ولایت امیر مؤمنان و اولاد طاهرینش علیهم السلام و آیات و روایا مربوط به آن از سنتی و شیعه، درج گردیده.

ص:25

## کتاب های آماده چاپ و در دست تألیف

- 1- آیا و چرا - درباره زیر سؤال بردن برادران اهل سنت و علمای آنان و آوردن دلایل فراوان از کتاب های معتبر خود آنان در باره امیر مؤمنان و فاطمه زهراء علیهماالسلام و به زیر سؤال بردن آنها در عمل نکردن به این دلایلها و اسناد خودشان.
- 2- 600 مجلس سخنرانی مذهبی از منبرهای 55 ساله مؤلف و بیان مطالب متنوع دینی و اسناد و روایات فراوان در هر مقوله، که سخنرانان مذهبی و منبری های محترم را از مراجعه به کتاب های متفرقه و جمع آوری مطالب برای بیان در سخنرانی هایشان. بی نیاز می سازد در 12 جلد و در دست تنظیم و آماده سازیست و بخواست خدا، بتدریج به چاپ خواهد رسید.
- 3- رحمت واسعه - در باره رحمت عالمگیر و فراگیر خدای متعال و آوردن آیات و روایات متنوع و جریان های توبه کنندگان و شمول غفران الهی در باره آنها. این کتاب امید دهنده گناهکاران و دور ساختن آنان از یأس و نومیدی و جذب دور شدگان از خدا را به سوی پروردگار بخشنده و مهربان.

4- شب - کتابیست در باره برکات و فضایل و امتیازات شب و اینکه شب مردان خدا روز جهان افروز است و شب خود از مورد توجه بزرگان عالم و خلوتگه راز و نیاز آنان با معبودشان و مطالب فراوان در این موارد.

5- عتبات قرآن - در باره این که چرا خداوند متعال بعضی از انبیاء علیهم السلام را، مورد عتاب قرار داده و آیا این عتاب ها با عصمت آنها منافات دارد؟ مانند (عفا الله عنک لم اذنت لهم) یا مسئله چیز دیگر است.

6- خاطرات زندگی یا سرگذشت تلخ و شیرین من - این نوشته حاوی شرح حال دوران زندگی از بدو تولد تا امروز 1393/11/30 که به 400 صفحه رسیده است و هنوز هم خلاصه و امهات اوضاع و زوایای زندگی اش را می نویسند.

7- دعای عرشیان بفرشیان - درباره استغفار فرشتگان و حاملان عرش خدا برای بنی آدم به استناد آیه 7 سوره غافر و سایر آیات، نزدیک به اتمام .

8- نشانه هائی از او - کتابیست در باره آیات بیان کننده

ص: 27

نشانه های خدا شناسی و روایات پیرامون آن.

9- مرزهای زندگی -از دید آیات و روایات و سیره پیشوایان.

10 -مرزخوراکی ها و نوشیدنی ها -از منظر آیات و احادیث و پزشکی.

11 -نوادر -روایات و سرگذشت ها و نوادر جریان های گوناگون به صورت کَشکول.

12 - شیطان: علت وجودی او و پرسش و پاسخهایی درباره وی.

13 -متفرقات مطالب گلچینی شده از کتاب های فراوان گوناگون.

14- 114 مقالات و یاد داشتهای من در اینترنت که در پایگاه اندیشوران حوزه (نور) پخش می گردد و ادامه دارد.

15 -شرح دعاهای روزانه ماه رمضان

16 -هیچکدام از مادران 14 معصوم، بیوه نبودند.

این کتاب در اصل پاسخ به آنان که غیر از عایشه 17 ساله

ص:28

هنگام ازدواج را 7 ساله قلمداد نموده و می گویند تنها عایشه زن باکره رسول خدا بود در حالی که زن اول آن حضرت (خدیجه کبری 25 ساله و باکره بود) و بیان مدارک قوی این گفتار.

که از طرف حوزه قم هر روز در اینترنت، پخش شد.

و چندین کتاب دیگر ناتمام و در دست تألیف و مقاله های زیاد.

ص:29

ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرط قبولی اعمال است

در باره قبولی اعمال و شروط آن، در کتاب های تحقیقی و فقهی و اخلاقی، نظریه ها و تحقیقات زیاد، ابراز گردیده که ما در این مختصر، به چکیده آنها و نتیجه تحقیق و پژوهش خود را، به عنوان عقیده خود، بیان می نمایم.

البته در روایات زیاد شرط قبولی اعمال را به مناسبت هائی، چند چیز معرفی نموده است، مانند: ولایت، انتظار فرج، نماز، صله ارحام، خدمت به خلق گناه نکردن و دل پاک و نورانی داشتن و اهل تقوا بودن و حضور قلب داشتن، و غیره.

در مورد هر تک تک اینها، تشویق ها و پاداش های زیاد، و وعده های فراوان داده شده است. مخصوصا درباره نماز

ص:30

اهمیت فوق العاده داده شده، اما از آیات و روایات استفاده می شود که ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم السّلام شرط اصلی و بقیه بالطبع است.

پس اگر کسی ولایت علی و اولاد علی علیهم السّلام را، نپذیرد تمام عمرش را روزها روزه بدارد و شبها تا صبح عبادت نماید، برایش کوچکترین اثر و نفعی نخواهد داشت.

حتی قبولی نماز که (نشانه عبودیت و اخلاص به معبود و رکن دین است)، به پذیرفتن ولایت، بستگی دارد.

پس تا نماز قبول نشود، سایر اعمال قبول نخواهد شد و خود نماز هم قبول نمی شود تا ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و اولاد او را، قبول نمایند.

لازم به ذکر است که در اینجا، این

سؤال: پیش می آید: پس عدالت خدا کجاست کسی طول

ص: 31



عمرش را نماز خوانده و روزه گرفته و بانپذیرفتن (ولایت) به همه آنها خط بطلان کشیده شود؟! در

پاسخ: می گوئیم مردم در این مورد دو گروهند،

1- می دانند ولایت و امامتی هست و خداوند دستور داده باید به آن ایمان داشته باشند ولی با این امر مخالفت می کنند و در برابر خواست خدا می ایستند. در این صورت اعمال عبادی او و اعمالی که برای خداوند انجام می دهند طبق آیات و احادیث فراوان، مورد قبول واقع نمی شود، چون اینها در برابر خداوند گردن فرازی کرده و لجاجت می کنند و تسلیم دستور پروردگار نمی شوند، پس اعمال اینان مورد قبول نخواهد شد چون اطاعت باید طبق گفته خدا باشد نه دلخواهی.

2- نمی دانند ولایت و امامتی هست و خداوند به پذیرش آن دستور داده، در اینصورت آنها جاهل غیر مقصرنند که در این صورت ازین جهت عقابی متوجه آنها نخواهد شد.

شهید مطهری (ره) در این باره می گوید: افرادی که ذاتاً و به

واسطه قصور فهم و یا به علل دیگر در شرایطی به سر می برند که مصداق منکر و یا مقصیر به شمار نمی روند، آنان در ردیف منکران و مخالفان نیستند. ائمه اطهار بسیاری از مردم را از این طبقه می دانند. این گونه افراد دارای استضعاف و قصور هستند و امید عفو الهی درباره آنان می رود. همان طوری که ممکن است منشأ استضعاف، عدم امکان تغییر محیط باشد، ممکن است این جهت باشد که ذهن انسان متوجه حقیقت نشده باشد و به این سبب از حقیقت محروم مانده باشد. (مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 1، ص 320 به بعد، ناشر صدرا).

چیزی که باعث تعجب و تأثر گردیده این است که با ذکر این همه فضیلت و کمال برای آن حضرت، چگونه شد که نزدیک به یک قرن در عالم اسلام، سب و لعن آن بزرگوار امر رایج و جاری روزگار گردید؟!

چگونه آن همه سفارش پیامبر درباره علی علیه السلام را به بازی گرفتند؟!

چطور ننگ نافرمانی از خدا و رسولش را پذیرفتند؟!

چرا منکر برتری و حقانیت او شدند؟!

چرا دیگرانی را که از فضیلت و کمال بی بهره بودند، بر بهترین مردان ترجیح دادند؟!

چرا به ندای فطرت خویش این چنین پاسخ دادند و اینگونه به داوری نشستند؟!

چرا و چرا و ده ها چراهای دیگر ....

تاریخ از مظلومیت علی علیه السلام چه بگوید؟ همان بهتر که از شرم سر به زیر افکند! بشریت از سکوت در برابر جسارت هایی که بر او روا داشتند، چگونه دفاع کند؟ بگذار تاوان این سکوت و آن جسارت ها را پردازد....

اینک از پس قرون و اعصار، و از میان ظلمت ها و سیاهی ها، این پرتو فضایل علی علیه السلام است که همچنان می تابد و روشنگری می نماید.

این نوشته مختصر، نمونه ای است از هزاران پرتوی پرفروغ برتری های مولا علی علیه السلام، برگرفته از قرآن و سنت پیامبر

اکرم صلی الله علیه وآله و برگزیده از کتاب های دانشمندان مکتب خلفا. باشد که با ذکر این دلایل و اسناد، شاید فردی توفیق یافتن حق و حقیقت را پیدا کرده و سر به آستان ملکوتی آن مظلوم جهان بشریت سائیده و با قبول ولایت او، تمام اعمال حسنه خود را بیمه نماید.

توجه: داشته باشید در کل عبادات و اعمال عبادی، مسئله فقهی دو گونه است، یکی صحّت و دومی قبولی آنها.

مثلا کسی نماز را با شرایطش بجا آورده صحیح است و نیازی به قضا کردن ندارد.

و یا اگر کسی با وجود خواندن نماز با شرایط، اهل گناه باشد و بر آن اصرار نماید (مانند غیبت و شرب خمر و زنا و منع زکات و بد اخلاقی در خانواده (زن یا مرد) و با عصبانیت به پدر و مادر نگاه کردن و مانند آنها) و از آن توبه نکند، این گناهان موجب عدم قبولی نماز می گردد هر چند از نظر شرعی نمازش صحیح باشد.

ص: 35

اما قبول هم هست یانه، برابر روایات وارده فراوان، (می داند ولایتی هست) تا ولایت را نپذیرد ابدا قبول درگاه ربوبیت نخواهد شد.

واما کسانی که از پیروانان مکتب خلفا، آیات و احادیث نبوی پیرامون فضایل و مناقب حضرت علی علیه السلام، را بیان می کنند و در این باره کتاب می نویسند، تا ولایت آن حضرت را، قبول ننمایند، این کارها برایش نفعی نخواهد داشت، زیرا:

اصل پذیرفتن است نه بیان تو خالی.

چرا؟:

زیرا: خود خدای متعال، بنده مخلصش علی علیه السلام را، در این جایگاه قرار داده است که حتی خود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با اینکه 23 سال، شب و روز به زحمات طاقت فرسای رسالت و نبوت، تحمل کرد و کشتی اسلام را باموفقیت به ساحل نجات رساند اما از نظر درگاه الهی هنوز قبولی این همه زحمات وابسته به ابلاغ ولایت و امامت علی علیه السلام به امت بود.

ص:36

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُمْكًا مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ  
(67) مائده : 67

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت (در باره ولایت علی) بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن عظمت و زحمات کمر شکن و با آن شرایط سخت که حتی فرمود: «ما أودى نبیّ مثل ما أودیت» هیچ پیغمبری مانند من اذیت نکشید، (این جمله حتی حضرت نوح با 950 سال نبوت و رسالت را نیز شامل می شود) و یقیناً اغراق نگفته و بزرگ نمائی هم نکرده، اما قبولی تمام اینهارا منوط به ابلاغ ولایت علی علیه السلام قرار داد و بس.

حواسمان جمع باشد ما در هر مرحله ای از ایمان و عمل

ص: 37

باشیم، به گرد پای رسول خدا نمی رسیم، با او در برابر تکلیف ابلاغ، (ولایت) اینگونه برخورد و سختگیری می شود، وای به حال آنان که شب و روز در عبادت و روزه هستند اما ولایت علی و اولاد علی علیهم السلام را قبول ندارند!!!.

اگر کسی از کتابهای روایی متعدد و فراوان علما و دانشمندان، برادران اهل سنت که در فضائل اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله خاصه درباره امیر مؤمنان علیه السلام نوشته و تألیف کرده اند، اطلاعی داشته باشد، در صحت این ادعا و اعتقاد ما، از نظر اهل سنت نیز، کوچکترین شک و تردید، بخود راه نمی دهد و می فهمد مسئله تقریباً اجماعیست مگر عده قلیلی که یا از روی کم اطلاعی و یا خدای نکرده، از روی دشمنی و جهالت و تعصب و لجاجت و عناد و نادانی، نوشته های آن بزرگان خود را نیز رد کند و نپذیرد.

در این نوشتار، تعدادی از نظرهای بزرگان اهل سنت و نوشته هایشان را در باره ولایت می آورم که لطفاً با دیده بی طرفی و منصفانه، در آنها دقت کرده و خود قضاوت نمایند، و

در طول مطالعه هیچوقت یک مطلب را فراموش نشود که حد اقل یک قرن (100) سال تمام تا زمان عمر بن عبدالعزیز اموی بنا به دستور خلیفه اول و دوم (ابوبکر و عمر) کسی قدرت نوشتن حدیث و گفتن (قال رسول الله) را نداشت کتک می خورد و تبعید می گشت و از حقوق خود محروم می ماند، مانند عبدالله بن مسعود صحابی و مانند او، تا اینکه در زمان عمر بن عبدالعزیز نوشتن و نقل احادیث آزاد شد، ولی چه فایده اصحاب همنشین رسول خدا صلی الله علیه و آله از بین رفته و در زیر خاک آرمیده و فضائل شنیده شده از رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره مظلوم تاریخ «علی» را با خود برده و در زیر خروارها خاک مدفون گردیده بودند.

زیبا گفته خلیل بن احمد وقتی از او درباره فضائل علی علیه السلام پرسش شد: «کیف أصف رجلاً کتم أعمادیه محاسنه حسداً و أحبائه خوفاً و ما بین الکلمتین ملأ الخائفین؛ (روضه المتقین، ج 13، ص 265).



چگونه می توانم مردی را توصیف کنم که دشمنانش از روی حسادت و دوستانش از ترس (دشمنان) محاسن او را پنهان نمودند، در بین این دو رفتار، شرق و غرب عالم محامدش را فراگرفته است.

خلیل بن احمد بالاتر از این را هم گفته است. از او پرسیدند:

«مَا الدَّلِيلُ عَلَى أَفْضَلِ لِمِيهِ عَلِيٌّ؟؛ دلیل افضل بودن علی علیه السلام چیست؟». پاسخ داد: «إِحْتِيَاجُ الْكُلِّ إِلَيْهِ فِي الْكُلِّ، وَاسْتِغْنَاؤُهُ مِنَ الْكُلِّ فِي الْكُلِّ، دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْكُلِّ؛ احتیاج همه به او در تمام امور، و بی نیاز بودن او از همه در تمام امور، دلیل بر آن است که او از همه افضل و برتر است». (ر.ک: ترتیب کتاب العین، ص 28).

فراموش نکنیم هنوز هم که هنوزست که پس از گذشت بیش از چهارده قرن از آن زمان، باز آن روش ادامه دارد و گویندگان فضایل آن حضرت را، از بین می برند، برای نمونه به چند جریان توجه نمایند.

1- ذهبی یکی از علمای بزرگ اهل سنت در کتابش

ص: 40

(تذکره الحفاظ) در ترجمه حافظ ابن سقا عبداللّه بن محمد واسطی می نویسد: او (حدیث طیر) را املاء کرد شنونده ها به سوی او جهیدند و او را بلند کردند و محل نشستش را شستند.

(کتاب دلائل الصّدق شیخ محمد حسن مظفّر ج 1 ص 33 بنقل از آن).

2- ابن خلکان در کتاب «وفیات الاعیان» در ترجمه نسائی احمد بن شعیب صاحب کتاب «السّنن» یکی از صحاح ششگانه اهل سنّت، می نویسد. او به دمشق رفت و از او در باره معاویه و فضایلش پرسیدند؟ گفت: لأعرف له فضیله الا (لأشبع اللّهُ بطنه) من فضیلتی برای او نمی دانم مگر (فرمایش رسول خداکه درباره او فرمود:) خدا شکم او را سیر نکند.

باشنیدن این جواب نسائی را گرفتند و بیضتیش را آنقدر مالیدند و انداختند روی شینزار و از دنیا رفت. کتاب دلائل الصّدق شیخ محمد حسن مظفّر ج 1 ص 33 بنقل از آن.

حافظ ابونعیم اصفهانی می گوید: لَمَّا داسوه بدمشق مات

ص: 41

بسبب ذالک الدوس وقتی خُصیه هایش را مالیدند بخاطر این فشار مرد.

البته مشهور است که نسائی به خاطر کتاب آخرشان (الخصائص فی فضل علی بن ابی طالب کرم الله وجهه) بقتل رسیده است. برخی از تألیفات ایشان: سنن نسائی، الخصائص فی فضل علی بن ابی طالب کرم الله وجهه، مسند امام علی کرم الله وجهه و...

حال بعد از چند قرن بسبب نقل یک روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره معاویه، او را با چنین شکنجه ای کشتند!! اگر در باره خلفای اول می گفت چه می شد و چکارش می کردند.

3- ابن حجر در کتاب «تهذیب التّهذیب» در ترجمه نصر بن علی بن صهبان از عبدالله بن أحمد بن حنبل می نویسد. وقتی که نصر این حدیث را نقل کرد که رسول خدادست حسن و حسین را گرفت و فرمود: «من أحبّ هذین و أباهما و أمّهما، کان فی درجتی یوم القیامه» هرکس مرا و این دو و پدر و

ص: 42

مادرشان را، دوست را دوست بدارد، در روز قیامت در درجه من خواهد بود.

متوکل دستور داد هزار تازیانه به او بزنند تا اینکه جعفر بن عبدالواحد (وزیر یا یکی از بزرگان) که یکی از اهل سنت است، وساطت کرد، رهایش کردند. کتاب دلائل الصدق شیخ محمد حسن مظفر ج 1 ص 34 بنقل از آن.

4- باز ابن حجر در ترجمه ابی الازهر احمد بن الازهر نیشابوری نقل می کند.

وقتی که ابوالازهر از رزاق از معمر از زهری از عبدالله (بن احمد المتوکل) از ابن عباس روایت کرد، قال «نظر النبي صلی الله علیه و آله الی علی علیه السلام فقال: أنت سيّد في الدنيا سيّد في الآخرة» الحديث. رسول خدا به علی نگاه کرد و فرمود: تو آقائی در دنیا و سروری در آخرت...

این گفته را به یحیی بن معین (وزیر) خبر دادند در میان مردم فریاد برداشت و گفت: این دروغ گوی نیشابوری کیست

ص: 43

که این حدیث را از عبدالرزاق نقل کرده است.

أبوالزهر بلند شد و گفت: منم، یحیی لبخند زد و گفت، تو کذاب نیستی گناه گردن دیگر است. (کتاب دلائل الصّدق شیخ محمد حسن مظفر ج 1 ص 34 بنقل از آن).

تمه حدیث فوق از فضائل مشهور و مسلم بین سنی و شیعه است که فرمود: من أحبک فقد أحببني و من أبغضک فقد أبغضني و حبيب الله و بغیضک بغیض الله. هر کس ترا دوست دارد مرا دوست داشته و هر کس به تو بغض داشته به من بغض ورزیده، دوست تو دوست خداست و دشمن تو دشمن خداست. اگر بقیه روایت را ادامه می داد چه میشد؟!.

کتاب دلائل الصّدق شیخ محمد حسن مظفر ج 1 ص 34.

البته از این قضایا در تاریخ فراوان است، مخصوصاً در تاریخ های اخیر با تکفیر شیعیان و دوستان علی علیه السلام را در شرق عربستان و عراق و سوریه و لبنان و یمن و نیجریه و . و .

چقدر قتل عام نموده و می نمایند.

که آوردن بیش ازین، ما را از مقصد دور می سازد، اگر این

ص:44

نوشتار با دقت بررسی شود تمام مسائل برای ما روشن می شود.

با این همه سختگیری ها و شکنجه و تبعید و زندانی کردن قرن‌ها، و تأویل آیات نازل در باره مولا، باز همه کتابها و سینه ها، پر از فضایل و مناقب اوست، چون خدا با اوست و یار او. البته باید این را بدانیم که،

أَوَّلًا... أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ. یونس آیه 35 آیا آن کسی که به سوی حق هدایت می کند سزاوارتر است پیروی شود، یا آنکه خود راه یافته نیست و راه را نمی یابد مگر آنکه راهنمایی و هدایت گردد؟ پس شما را چه می شود؟ (که حقیقتی به این روشنی را در نمی یابید)، چگونه داوری می کنید؟

و ثانیاً، اهل البیت ادری بما فی البیت اهل خانه به زوایا و محتویات خانه از دیگران بلد ترند، اهل خانه ای که قرآن به آن نازل شده، مقصد و منظور آیات و زوایا و ظاهر و باطن، آن را

ص: 45

خوب می دانند.

و ثالثاً دقت در گفتار و اظهار نظرهای بزرگان اهل سنت که گوشه ای و نمونه هائی از آنها را در این مختصر می آورم، و مرحوم علامه امینی رضوان الله علیه یازده جلد کتاب وزین «الغدیر» را فقط درباره جریان غدیر خم، از کتابهای بزرگان خود اهل سنت گرد آورده و ما را به حق و حقیقت، راهنمایی کرده و به مقصد می رساند و من الله التوفیق و علیه التکلان .

ابتداء تعداد آیات نازل در قرآن کریم را در باره امیر مؤمنان علی علیه السلام از نظر دانشمندان و محققان برادران اهل سنت و سپس اخبار و احادیث از صحاح سته و کتابها و نوشته های آن بزرگان را با اسنادش می آورم و در نهایت به عقیده اهل تشیع در این مورد را متعرض می شوم و قضاوت را به عهده خوانندگان عزیز و منصف می گذارم.

بعضی از بزرگان کتابهائی را از قسمتی از متن آیات نازل شده در حق امیرالمومنین علیه السلام را گرد آورده اند، مانند.

1- کتاب «دلایل الصدق» مرحوم علامه شیخ حسن مظفر

ص: 46

(ره) که در ردّ وهابیت در سه جلد نوشته شده است که، دو جلد آخر این کتاب اختصاص دارد به آیات و احادیثی که در حق امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.

اخیرا هم این کتاب را موسسه آل البیت علیهم السلام در قم چاپ کرده است.

2- کتاب «ما نزل فی علیّ فی القرآن» در دو جلد توسط حضرت آیت الله شیرازی نوشته شده و تمام آیاتی را که در حق امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است.

این دو کتاب در سایت های مختلف اینترنتی هم موجود است؛ مخصوصا کتاب دلائل الصّدق.

3- ابوالقاسم حسکانی کتابی به نام «شواهد التنزیل»، 200 آیه یا بیشتر جمع کرده است و کتابهای دیگر.

4- نهج الحق و کشف الصّدق: علامه حلّی.

5- غایه المرام: و جز اینها که زیاد است.



## در اخبار اهل سنت چند آیه در قرآن کریم در باره

### اشاره

امیر مؤمنان علیه السلام نازل شده است.

1- 200 آیه

2- سیصد آیه بلکه بیشتر.

3- یک چهارم قرآن

4- یک سوم قرآن

و اقوال دیگر که به نمونه هائی از روایات و اظهار نظرها در این باره توجه نمائید.

### 1- 200 آیه

قاضی ابوالقاسم حسکانی در کتاب «شواهد التنزیل»، 200 آیه یا بیشتر جمع کرده است که درباره حضرت علی علیه السلام

ص: 48

نازل و یا تفسیر شده است.

ر. ک: آیات ولایت در قرآن، آیه الله مکارم شیرازی

## 2- بیش از 300 آیه.

عبدالله بن عباس: از اصحاب و پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و از شاگردان برتر امام علی علیه السلام که تفسیر قرآن را از ایشان فراگرفته و فضل و دانش ایشان نزد شیعه و سنی از جایگاه برجسته و خاصی برخوردار است. معتقد است که 300 آیه در مورد امام علی علیه السلام نازل شده است

بسیاری از علمای شیعه و سنی نیز این گفته او را در کتاب های خود آورده اند که ما به چند مورد آن از طریق اهل سنت، اشاره می کنیم.

قال ابن عباس: نزلت فی علی أكثر من ثلاثمائة آیه فی مدحه.

بیش از سیصد آیه از قرآن کریم، در ستایش از علی علیه السلام

ص: 49

نازل شده است .

تاریخ الخلفاء ، ص 172، و السیره النبویّه ، زینی دحلان بهامش السیره الحلیّیه ، ج 2، ص 11 و الصواعق المحرّقه ، ص 125 ط . چاپ  
المحمدیّه و ص 76 ط. المیمنه بمصر .

زینی دحلان مفتی مکّه مکرمه و متوفای 1305 هجری قمری در کتاب (السیره النبویه)، جلد 2، صفحه 11 از ابن عباس نقل می کند:

نزلت فی علی أكثر من ثلاثمائه آیه فی مدحه. بیش از 300 آیه در مدح علی نازل شده است. الصواعق المحرّقه، چاپ محمدیه مصر، ص  
125 و چاپ میمنه مصر، ص 76 -تاریخ الخلفاء، ص 172

ابن عساکر ، از علمای بزرگ اهل سنت در تاریخ دمشق می نویسد :

عن ابن عباس ، قال : «نزلت فی علیّ ثلاثمائه آیه .» ابن عباس می گوید : 300 آیه از قرآن کریم در باره علی علیه السلام نازل شده است .

تاریخ مدینه دمشق ، ج 42 ، ص 364، تاریخ الخلفاء سیوطی، ص 171 -

ص:50

الصواعق المحرقة ابن حجر مکی، ص 196

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد می نویسد :

عن ابن عباس قال : نزلت فی علی ثلاثمائة آیه . تاریخ بغداد ، ج 6 ، ص 221 .

سیوطی از بزرگترین علمای تاریخ اهل سنت نیز می نویسد

عن ابن عباس قال : نزلت فی علی ثلاثمائة آیه .

تاریخ الخلفاء ، ص 171 ، الصواعق المحرقة ، ص 196 .

ابن حجر هیشمی در کتاب الصواعق المحرقة که آن را در رد عقائد شیعه نوشته است ، در این باره می نویسد :

وروی سعید بن جبیر ، عن ابن عباس ، قال : ما نزل فی أحد من کتاب اللّٰه ما نزل فی علی . در قرآن در باره هیچکس به اندازه علی ، آیه نازل نشده است .

الصواعق المحرقة ، ص 76 ، الباب التاسع ، الفصل الثالث .

باز ابن حجر هیشمی در جای دیگر و نیز سیوطی در تاریخ الخلفاء می نویسند :

ص: 51

آنکه ما نزل فی أحد من کتاب اللّٰه کما نزل فی علی. در حق هیچ کسی، به اندازه علی علیه السلام، در قرآن نازل نشده است. تاریخ الخلفاء، ص 171، و الصواعق المحرقة، ص 127.

حاکم نیشابوری از استوانه های علمی اهل سنت در مستدرک الصحیحین نقل می کند از احمد بن حنبل رئیس حنبلی مذهب که می گوید:

ما جاء لأحد من أصحاب رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله من الفضائل ما جاء لعلی بن أبی طالب رضی اللّٰه عنه. فضائلی که در حق علی بن أبی طالب خدا را راضی باشد؛ آمده، در حق هیچ یک از اصحاب پیامبر صلی اللّٰه علیه و سلم نیامده است. (مستدرک الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج 3، ص 107).

ابن جوزی در مناقب احمد بن حنبل می گوید:

ما لأحد من الصحابه من الفضائل بالأسانید الصحاح مثل ما لعلی رضی اللّٰه عنه.

آن همه فضائلی که با سند های صحیح در حق علی خدا را راضی باشد؛ آمده، در حق هیچ یک از صحابه نیامده است.

ص: 52

مناقب احمد بن حنبل، ص 163- تهذيب التهذيب لابن حجر العسقلانی، ج 7، ص 298 ج الإصابه، ج 4، ص 464- شواهد التنزيل للحاكم الحسكاني، ج 1، ص 27- الإستيعاب لابن عبد البر، ج 3، ص 51

الاستيعاب ج 2 / 664 می نویسد: احمد بن حنبل و اسماعيل بن اسحاق قاضی اظهار داشته اند،

احادیثی که به «سند حسن» درباره فضائل حضرت مولا علی علیه السلام روایت شده است، درباره هیچیک از صحابه، روایت نشده است.

و احمد بن شعيب بن علی نسائی همین موضوع را هم متذکر شده است.

و نیز در فتح الباری (8/ 71) متذکر شده اند و به سند مزبور، علاوه بر احمد حنبل و اسماعيل بن اسحاق و نسائی، ابو علی نیشابوری را اضافه کرده اند.

مستدرک الصحیحین ج 3 / 701 از «محمد بن منصور طوسی» روایت کرده است که از «احمد بن حنبل» شنیدم، می

ص: 53

گفت: فضائلی که برای علی علیه السلام شمارش شده به اندازه ای است که، برای هیچیک از صحابه پیغمبر، آنچنان فضائلی، ذکر نشده است.

همچنین قول دیگری را (شبلنجی) به ابن عباس نسبت داده که در کتاب (نورالابصار) صفحه 73 آمده است ابن عباس معتقد بود آن مقدار از قرآن که درباره علی علیه السلام نازل شده درباره هیچکس نازل نشده است.

ابن عباس در این روایات یک کمیت حداقلی قائل بوده که همان 300 آیه است .

ولی تعدادی از علمای شیعه و سنی تا 350 آیه را در باره علی علیه السلام برشمرده اند.

### 3- یک چهارم قرآن

سیوطی از بزرگترین علمای تاریخ اهل سنت نیز می نویسد

بسیاری از علمای اهل سنت نقل کرده اند که

ص:54

یک چهارم قرآن در حق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است .

حاکم حسکانی از بزرگان اهل سنت می نویسد :

عن الاصبغ بن نباته ، عن علی قال : نزل القرآن أربعه أرباع :

ربع فینا ، وربع فی عدونا ، وربع حلال و حرام وربع فرائض و أحكام ولنا کرائم القرآن .

اصبغ بن نباته از امیر مومنان نقل کرد که فرمودند: قرآن چهار قسمت نازل شد . یک چهارم در مورد ما ، یک چهارم در مورد دشمنان ما ، یک چهارم در مورد حلال و حرام و یک چهارم در مورد واجبات و احکام ؛ و آیات شاخص قرآن در مورد ماست . شواهد التنزیل ، ج 1 ، ص 59 و ص 62 و تاریخ الیعقوبی ، ج 2 ، ص 136 و ینایع الموده ، ج 1 ، ص 377.

غیاث الدین بن همام (متوفای 942 ق ) می گوید: حافظ ابوبکر بن احمد بن موسی بن مردویه با سند خود از علی - کرم الله وجهه - نیز این حدیث را نقل کرده است . (خواند میر ، غیاث الدین

ص: 55



بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر، ج 2، ص 13، تهران، خیام، چاپ چهارم، 1380 ش).

ابن مغزلی شافعی (متوفای 483 ق) با سند خود از ابن عباس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چن بن نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به یاران خود) فرمود: «از چه در شگفتید! قرآن چهار بخش است: یک چهارم به طور خاص درباره ما اهل بیت، یک چهارم درباره دشمنان ما، یک چهارم حلال و حرام و یک چهارم فرایض و احکام. به خدا سوگند آیات برجسته قرآن درباره علی علیه السلام نازل شده است». ابن مغزلی، علی بن محمد، مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 270 ج 271، بیروت، دار الأضواء، چاپ سوم، 1424 ق.

روایات شیعیان نیز در این مورد فراوان است از جمله.

مرحوم کلینی رضوان الله تعالی علیه از دانشمندان شیعه نیز در کتاب اصول کافی در روایتی که سند آن صحیح است،

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: انّ القرآن نزل أربعة أرباع، ربع

ص: 56

حلال و ربع حرام، و ربع سنن و احکام و ربع خبر ما کان قبلکم و نبأ ما یکون بعدکم و فصل ما بینکم. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 2، ص 627، ح 4. به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمود:

قرآن بر چهار قسمت نازل شده است: یک چهارم درباره حلال و یک چهارم درباره حرام، یک چهارم درباره سنتها و احکام، یک چهارم درباره اخبار آنان که قبل از شما بوده اند و آنان که بعد از شما خواهند آمد و حلّ و فصل مسائل جاری شما.

عن ابی الجارود، قال سمعت أبا جعفر علیه السلام يقول: نزل القرآن علی اربعة أرباع، ربع فینا و ربع فی عدونا، و ربع فرائض و احکام، و ربع سنن و امثال، و لنا کرائم القرآن. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (معروف به تفسیر عیاشی)، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، 1/9؛ مجلسی، محمد باقر،

ص: 57

#### 4- یک سوم قرآن

عن اصبغ بن نباته، قال سمعت أمير المؤمنين عليه السلام يقول: نزل القرآن أثلاثاً، ثلث فينا وفي عدونا، وثلث سنن و امثال، و ثلث فرائض و احكام. «1 اصبغ بن نباته گفت از امير مؤمنان عليه السلام شنيدم: قرآن در سه زمينه نازل شده است: يك سوم درباره ما و دشمنان ما، يك سوم درباره سنتها و امثال و امثال و يك سوم درباره فرائض و احكام. (كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، به تصحيح على اكبر غفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 2/627).

اہل سنت

قبلاً گفتیم: بنا بنقل مفسرین و مورخین عامہ و خاصہ (بیش از سیصد آیه) در بارہ ولایت علی علیہ السلام و فضائل و مناقب آنحضرت در قرآن کریم آمدہ است کہ نقل ہمہ آنها از عہدہ این مختصر خارج است لذا ما در اینجا فقط چند مورد از کتب معتبرہ خود اہل سنت در بارہ (ولایت و امامت و زعامت) آن حضرت را می آوریم کہ جای چون و چرا برای آنان باقی نماند.

البتہ دلالت این آیات با توجہ بہ احادیث بسیار زیاد کہ از رسول گرامی اسلام در شأن نزول این آیات وارد شدہ، (متواتر) است.

ص: 59

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ . ای رسول، آنچه را که از سوی خدا به تو نازل شده است به مردم برسان، که اگر چنین نکنی رسالت خدا را انجام نداده ای. و خداوند تو را از (آسیب) مردم حفظ می نماید و مسلماً گروه کافران را هدایت نمی کند. مانده / 67

آیه فوق در حجه الوداع چند مرتبه تا «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» نازل شد ولی رسول خدا صلی الله علیه وآله از اعلان آن بیم داشت. نگران دسیسه و توطئه از سوی گروهی از دور و برش بود. از این رو تا جایی که توانست اعلان آن را به تأخیر افکند.

تا هیجدهم ماه ذیحجه سال دهم هجری بود که پیامبر آخرین مراحل آیین حج ابراهیمی را به مردم آموزش داد.

سر انجام جبرئیل همراه با فرمانی بسیار مهم از جانب خداوند فرود آمد، و این ترس را به امنیت تبدیل نمود.

خداوند در پایان فرمان برای آسودگی خاطر رسولش مژده می دهد که نگران مباش، «وَاللَّهُ يَعْصِي مِمْكَ مِنَ النَّاسِ» خدایت تو را از آسیب دشمنان محفوظ می دارد.

خداوند متعال پیامبرش را با شدت هر چه تمامتر امر فرمود، که رسالت خود را که ولایت علی علیه السلام بود، ابلاغ نماید و نگذارد فرصت (جمع شدن مردم که از اکناف و بلاد مختلف گرد آمده اند) از دست برود، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلهبه دنبال نزول این آیه، دیگر درنگ را جایز ندانست. فرمان توقف داد. توقفگاه در همان سرزمین جُحفه و در کنار برکه ای به نام خُم بود، چهار راهی که مردم در آنجا پراکنده شده هرکس به سوی موطن خویش رهسپار خواهد شد.

رسول خدا صلی الله علیه وآله سه روز منتظر ماند تا آنها که پیشاپیش می رفتند، باز گردند و آنها که از پس می آمدند، خود

را به توقفگاه برسانند. جماعت انبوهی از مسلمانان متجاوز از یکصد هزار نفر جمع شدند. رسول خدا بر فراز بلندی که از جهاز شتران ساخته شده بود، رفت و در برابر مردم ایستاد تا آن پیام مهم را به سمع و نظر همه برساند. این پیام به نام «آیه تبلیغ» مشهور شد.

تلخیص از تفاسیر مختلف اهل سنت خاصه الدر المنثور ذیل آیه تبلیغ.

جریان غدیر در سال آخر عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در حجه الوداع اتفاق افتاد و آن حضرت، با بیان اَلَسْتُ اَوْلٰی بِكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: بَلٰی. قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً، فَهَذَا عَلٰی مَوْلَاً، اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنْ وَاٰلِهِ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ اَيَا مَنْ بِه شَمَا از جاننات اولى تر نيستم؟ عرض کردند: بله. فرمود:

هرکس من به او ولایت دارم و مولای اویم، این علی علیه السلام مولای اوست. خداوندا، هرکس که او را مولای خود بداند و دوست دارش باشد دوستش بدار، و هر کس با او دشمنی ورزد دشمنش باش». (خصائص نسائی، ص 101؛ المعجم الكبير طبرانی، ج 1،؟)

ص: 62

به امامت و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام تصریح کرد و رسالت خود را ابلاغ نمود.

این واقعه توسط عده ی زیادی (110 نفر) از صحابه مانند ابوسعید خدری، زیدین ارقم، جابر بن عبدالله انصاری، ابن عباس، براء بن عازب، حدیفه، ابوهریره، ابن مسعود و عامر بن لیلی، از آن جمله اند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و همچنین از 84 نفر از تابعین و 36 نفر از دانشمندان و مؤلفین، نقل شده است. علامه امینی با مدارک و دلایل محکم از منابع معروف اسلامی (اهل سنت و شیعه)، در کتاب شریف «الغدیر» تمامی این نقل ها را آورده است.

ابوسعید خدری که از اصحاب معروف رسول خداست می گوید:

نُزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ »



علی رسول اللہ یوم غدیر خم فی علی بن ابیطالب. آیہ یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ... روز غدیر خم درباره اعلان جانشینی علی بن ابیطالب بر پیامبر نازل شد.

ابو اسحق ثعلبی در تفسیر خود و طبری در کتاب الولایه و ابن صباغ مالکی و همچنین دیگران نوشته اند که آیہ تبلیغ یعنی آیہ 67 سوره مائده یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ... در باره علی علیه السلام نازل شد و رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ دست علی را گرفت و فرمود: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم و ال من والاه.... شواهد التنزیل جلد 1 ص 189 فصول المهمه ص 27.

ابن مسعود، صحابی بزرگ رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہمی گوید:

كُنَّا نَقْرَأُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ - أَنْ عَلَيَّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

ص: 64

در زمان رسول خدا این آیه را ما اینچنین می خواندیم:

«ای رسول، آنچه را که از جانب خدا بر تو نازل شده است، که علی همانا مولا و سرپرست مؤمنان است، به دیگران ابلاغ کن، اگر این کار را نکنی رسالت خدا را به انجام نرسانده ای و خداوند تو را از آسیب مردم حفظ می کند.»

بعضی از غرض ورزان می گویند: پیامبر می خواسته تنها اعلان نماید که علی علیه السلام را دوست بدارید! لَوْ أَرَادَ الْخِلَافَةَ، لَقَالَ: عَلِي خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي؛ اگر مقصود رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خلافت بود، قطعاً می فرمود: علی علیه السلام خلیفه و جانشین من است.

اینان «مولی» را به معنای دوست گرفته اند نه ولایت و سرپرست.

در پاسخ این ها می گوئیم: این همه تشریفات آسمانی و زمینی تنها برای اعلان محبت و دوستی علی علیه السلام در آن صحرای سوزان و توقف طولانی سه روزه در آنجا، نزد

ص: 65

خردمندان ناپسند و بیهوده است، مسلماً پیامبر از چنین کاری منزّه و مُبرّا است. رسول خدا بارها پیش از این به بهانه های مختلف و در موارد گوناگون، امر دوستی و محبت نسبت به علی علیه السلام را سفارش نموده بود و دیگر نیازی به چنین تشریفات و یا دلهره و نگرانی از مردم را نداشت.

وانگهی، اعلان محبت علی علیه السلام چه ترسی داشت تا پیامبر از آن بترسد و هراس داشته باشد و از سوی خداوند تأمین امنیت شود.

در ضمن برای آنکه کسی مانند این کینه توزان و مغرضان گمان نکند مولا یا ولی در عبارت به معنی دوست می باشد، پیامبر عبارت پیشین را فرمود که: أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ یعنی آن گونه که من از سوی خداوند اُولی بنفس مؤمنینم، علی اُولی بنفس آنهاست.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ. بارالها، دوستدار هرکه او را دوست بدارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن شمارد. در سنن

ابن ماجه 1/43، صحيح مسلم 15/180، المستدرک علی الصحیحین 3/118 این بیان آمده است.

اتفاقاً همین کلمه خلافت، که علی علیه السلام جانشین بعد از من است، را در کتاب های اهل تسنن از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده اند: «لَا يَنْبَغِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي... أَنْتَ وَلِيٌّ فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛ روا نیست که من از دنیا بروم و تو جانشین من نباشی تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن بعد از من هستی»؛

مسند احمد، ج 1، ص 331؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 13؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 120؛ السنن الکبری، ج 1، ص 113.

یا در حدیث (یوم الدار و حدیث منزلت) أنت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی) و احادیث فراوان دیگر همین جمله و معنا، آمده است ولی کو گوش شنوا یا وجدان سالم!!!

ماجرای غدیر و حدیث مربوط به آن در میان عامه از

ص: 67

وثاقت و اعتبار بسیار بالایی برخوردار است و در میان شیعه هم قطعی و مسلم است که چنین حادثه ای رخ داده است.

گواهان غدیر

روزی علی علیه السلام در میدان شهر کوفه با مردم، به احتجاج برخاست. حضرت در مقابل آنها ایستاد و فرمود:

شما را به خدا سوگند می دهم که هر کس در غدیر خم از پیامبر به گوش خود درباره من چیزی شنیده است برخیزد و گواهی دهد.

سی تن از اصحاب برخاستند که دوازده تن از آنها بدری بودند. یعنی از کسانی بودند که در جنگ بدر در رکاب رسول خدا حضور داشتند، و با مشرکان می جنگیدند. آنها گفتند: ما در روز غدیر خم دیدیم، رسول خدا پس از ادای فریضه نماز، در برابر دیدگان همه قرار گرفت و خطبه خواند و فرمود:

أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ آیا من از همه مؤمنان نسبت به خودشان برتر نیستم؟ یا اینگونه فرمود: أَتَعْلَمُونَ أُنِّي أُولَىٰ

ص: 68

بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ آیا می دانید که من از همه مؤمنان نسبت به خودشان برتر هستم؟ یعنی پیامبر حتی نسبت به جان مؤمنان تولیت دارد. همه پاسخ دادند: آری ای رسول خدا.

چرا که قبل از آن خطاب قرآن را به مؤمنان شنیده بودند که:

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. احزاب/6

از این رو همه اقرار نمودند که ولایت پیامبر نسبت به مؤمنان از ولایت آنها نسبت به خودشان برتر است.

پس از گرفتن این اقرار، پیامبر دست علی را گرفت و بلند نمود و فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. این جمله به گونه دیگری هم نقل شده است:

فهذا وليّ منّ أنا مولاؤه. این (علی) ولی کسی است که من مولای اویم.

ولی در میان آن جماعت، سه نفر به این ماجرا گواهی

ندادند. یکی از آن افراد، انس بن مالک بود. او گفت: من پیر شده ام و فراموشی بر من عارض گشته است.

حضرت علی علیه السلام آنها را نفرین کرد و درباره انس هم فرمود:

اگر دروغ می گویی، خداوند تو را به پیسی و برص مبتلا سازد بطوری که عمامه ات آن را نپوشاند.

انس از جای برنخاست مگر آنکه لکه های سپیدی بر پوست بدنش ظاهر شد و دچار پیسی گردید. مسند احمد بن حنبل 4/370.

## 2- آیه اکمال دین

... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا... (مائده / 3) امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد.

ص: 70

بعد از آنکه پیامبر امر مهم ابلاغ ولایت را به انجام رساند، و ارکان دین را با استمرار بخشیدن نبوت به وسیله امامت و ولایت، محکم و استوار ساخت، آیه اکمال دین نازل شد. و مشخص ساخت که، کمال دین اسلام، با ولایت و کمال هر یک از مسلمانها، با قبول ولایت امیر مؤمنان علیه السلام می باشد.

روایات زیر بیانگر این حادثه هستند: تفسیر الدر المنثور ج3 ص19.

ابو سعید خُدَری می گوید:

لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ، هَبَطَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ بَهْدِهِ الْإِيه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» وقتی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم، علی را به جانشینی خود برگزید و ولایت و سرپرستی او را بر مسلمانان اعلام فرمود، جبرئیل این آیه را به پیغمبر آورد:

«امروز دین شما را کامل کردم...»

ابو هریره نقل می کند:

لَمَّا كَانَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ وَهُوَ يَوْمٌ ثَمَانِي عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ

ص: 71



قال النَّبِيُّ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتُ مَوْلَاهُ» فَأَنْزَلَ اللَّهُ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» وقتی روز غدیر خم - که هجدهم ذی الحجّه بود - فرا رسید پیامبر فرمود: هر کس که من مولا و سرپرست اویم، علی هم مولا و سرپرست اوست. آنگاه خداوند این آیه را نازل فرمود که: امروز دین شما را کامل کردم....

راوی نقل می کند رسول خدا صلی الله علیه وآله پس از اعلان جانشینی علی علیه السلام به مردم دستور داد: سَلِّمُوا عَلَيَّ عَلَيَّ بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ. بر علی با عنوان امیر مؤمنان سلام دهید.

پس از آن رسول خدا بانگ تکبیر بر آورد و فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ أَكْمَالِ الدِّينِ وَاتِّمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ بَعْدِي.

تفسیر الدر المنثور ذیل آیه اکمال.

اللَّهُ أَكْبَرُ، بر کامل کردن دین و تمام نمودن نعمت و برخشنودی پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابیطالب پس از من.

در اهمیت امر جانشینی پیامبر همین بس که خداوند، فرمان اکیدی مبنی بر ابلاغ آن به مردم صادر فرموده است. چرا که استمرار نبوت یا به تعبیر قرآن «اکمال دین و اتمام نعمت» جز با امر ولایت امکان پذیر نیست. از این رو عقل و درایت، صحّت سند روایات را تقویت می کند.

خطیب بغدادی (در تاریخ بغداد ج 6 ص 290).

بسند خود از ابی هریره روایت کرده که گفت: هر کس روز هجدهم ذی الحجّه را روزه بگیرد ثواب شصت ماه روزه را برایش می نویسد و این روز غدیر خم است که رسول خدا صلی الله علیه وآله دست علی بن ابیطالب را گرفت و فرمود: آیا من ولی مؤمنین نبودم؟ گفتند: بله یا رسول الله فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست، پس عمر بن خطاب گفت:

بَخِّ لَكَ يَا عَلِيُّ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَا كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنِهِمْ بَارِكُ بَادٍ وَ مَبَارِكُ بَادٍ بَرْتَوَايَ عَلِيُّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ كَمَا مَوْلَايَ مِنْ وَ مَوْلَايَ هَرِ  
مرد مؤمن وزن مؤمنه شدی. پس خدای تعالی این

ص: 73

آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ... ) را فرستاد

نتیجه: با در نظر گرفتن معنا و مفهوم دو آیه تبلیغ و اکمال دین، و روایات و گفتارها در باره آن دو، کاملاً روشن می شود، با ابلاغ ولایت و تأکید به رساندن آن، دین تکمیل شد و اسلام به کمال رسید والسلام.

پس عمل هیچ کسی بدون قبول ولایت علی علیه السلام مقبول درگاه الهی نخواهد بود چون کمال دین با قبول ولایت است.

### 3- آیه سأل سائل بعذاب واقع

(سوره معارج آیه 1.)

سؤال کننده ای سؤال کرد عذابی را که واقع شد.

ثعلبی و ابن صباغ و دیگران نوشته اند که چون در روز 18 ذیحجه رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بجانشینی خود منصوب نموده و فرمود: من كنت مولاه فهذا علی مولاه.

ص: 74

حارث بن نعمان پس از شنیدن این خبر خدمت آنحضرت آمد و گفت ما را بشهادت یگانگی خدا و نبوت خود از جانب خدا امر کردی قبول نمودیم و سپس به نماز و زکوه و حج و جهاد و روزه دستور دادی پذیرفتیم به اینها قناعت نکردی در آخر کار این جوان را که پسر عمومی تست بولایت نصب کردی آیا این کار از جانب تست یا بدستور خدا است؟ رسول اکرم فرمود:

قسم بخدائی که جز او خدائی نیست که این امر بدستور خدا است حارث بن نعمان در حالیکه بسوی ناقه خود میرفت گفت خدایا اگر این مطلب صحیح است بر ما از آسمان سنگ بفرست یا بعدابی دردناک معذب گردان هنوز بناقه اش نرسیده بود که سنگی از آسمان بر سرش افتاد و فوراً هلاکش نمود آنگاه این آیه نازل شد که سأل سائل بعداب واقع فصول المهمه ص 26 کفایه الخصام ص 488.

پس اگر منظور تبلیغ دوستی بود، حارث بن نعمان اعتراض نمی کرد، بلکه به زعامت و ولایت علی جوان، معترض شد و

ص: 75

#### 4- آیه ولایت:

#### اشاره

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ . وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ . مائده / 55-56 سر پرست و ولیّ شما فقط خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که، نماز بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می پردازند. و هرکس ولایت خدا و رسول او و این مؤمنان را بپذیرد - او از حزب خداست - البته حزب خدا پیروز است.

در این آیه، ولایت حضرت علیعلیه السلام در ردیف ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده شد.

از کلمه حصر «انّما» به معنی (فقط) در ابتدای آیه چنین مشخص می شود که ولایت و زعامت و سرپرستی منحصر است به خدا و رسول و مؤمنانی که در حال رکوع نماز، صدقه

بپردازند. و البته هیچکس هم جز علی بن ابیطالب علیه السلامین ویژگی را پیدا نکرد. هر چند در آیه این مفهوم بلفظ جمع آمده است (الَّذِينَ آمَنُوا...) امّا شأن نزول آیه تنها درباره یک نفر بود آنهاهم مظلوم تاریخ، امیر مؤمنان «علی» است. صلوات الله و سلامه علیه و علی اولاده الطّیّین لظّاهرین.

(در این زمینه به توضیحات مربوط به آیه مباحله که می آید، مراجعه شود).

سیوطی: از دانشمندان اهل سنت در تفسیر «الدر المنثور» در ذیل این آیه از ابن عباس نقل می کند که: علی علیه السلام در حال رکوع نماز بود که سائلی تقاضای کمک کرد و آن حضرت انگشترش را به او صدقه داد، پیامبر صلی الله علیه و آله از سائل پرسید: چه کسی این انگشتر را به تو صدقه داد؟ سائل به حضرت علی علیه السلام اشاره کرد و گفت: آن مرد که در حال رکوع است، در این هنگام این آیه نازل شد. الدر المنثور، ج 2، ص 293.

ص: 77

همچنین از دانشمندان اهل سنت، واحدی در اسباب النزول، ص 148. و زمخشری در تفسیر کشاف، ج 1، ص 649.

این روایت را نقل کرده و تصریح کرده اند که آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است.

فخر رازی در تفسیر خود از عبداللّه بن سلام نقل می کند، هنگامی که این آیه نازل شد، من به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم که با چشم خود دیدم که علی علیه السلام انگشترش را در حال رکوع به نیازمندی صدقه داد به همین دلیل ما ولایت او را می پذیریم! وی همچنین روایت دیگری نظیر همین روایت را از ابوذر در شأن نزول این آیه نقل می کند. تفسیر فخر رازی، ج 12، ص 26.

طبری نیز در تفسیر خود روایات متعددی در ذیل این آیه و شأن نزول آن نقل می کند که اکثر آنها می گویند: درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. (تفسیر طبری، ج 6، ص 186).

ص: 78

مرحوم علامه امینی (ره) در کتاب «الغدیر»، نزول این آیه درباره حضرت علی را با روایاتی از حدود بیست کتاب معتبر از کتاب های اهل سنت، با ذکر دقیق مدارک و منابع آن، نقل کرده است. (الغدیر، ج 2، ص 52 و 53).

پس کلمه «ولی» در آیه به معنی ولایت و زعیم و صاحب اختیار و سرپرست است نه دوست و یاور، زیرا در غیر اینصورت با کلمه (انما و حصر) در آیه سازگاری نخواهد داشت، برای اینکه یاوران اهل ایمان منحصر به همین سه گروه نیست، اهل ایمان، دوستان و یاوران دیگری نیز دارند.

مانند: ملائکه و یا مؤمنانی که دارای این نشانه هم نیستند و یا حتی افرادی غیر مسلمان همچون نجاشی که وی نیز مسیحی بود و مسلمانان را پناه داد. خداوند در سوره ممتحنه آیه 8، دوستی مسلمانان را با کافران بی آزار، نهی نکرده است.

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

ص: 79



ازینرو، لازم است کلمه « ولیّ » را حتی در آیات قبل و بعد از آیه ولایت، آیات 51 و 57 سوره مائده، به معنای زعیّم و سر پرست در نظر گرفت نه دوستی.

بسیاری از مفسران و محدثان نیز گفته اند که این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است.

### **شأن نزول آیه ولایت در کتب اهل سنت**

برای اثبات نزول آیه ولایت در مورد حضرت علی از کتب اهل سنت، علاوه بر مدارک بالا، به اسنادذیل توجه فرمائید.

قاضی عضد الدین ایجی (متوفای 756ه) در کتاب الموافقه از مهم ترین کتاب های عقائدی اهل سنت به شمار می رود، در باره آیه ی ولایت نقل می کند:

وأجمع أئمة التفسیر أنّ المراد علی .

تمام پیشوایان تفسیر اجماع دارند بر این که این آیه در باره

ص: 80

امام علی علیه السلام نازل شده است .

الإیجی ، عضد الدین عبد الرحمن بن أحمد الوفاء: 756هـ، کتاب المواقف، ج 3، ص 601، دار النشر: دار الجیل - لبنان - بیروت - 1417هـ - 1997م، الطبعه: الأولى، تحقیق: عبدالرحمن عمیره.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای آنکه راهنما و هدایتگر پس از خود را هم معرفی کرده باشد، درگفتاری می فرماید:

مَنْ يَرِيدُ أَنْ يُحْيِيَ حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَوْتِي وَيَسْكُنَ جَنَّةَ الْخُلَدِ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ لَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ هُدَى وَلَنْ يُدْخِلَكُمْ فِي ضَلَالَةٍ.

المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 139.

هر کس که می خواهد آنگونه که من زندگی کردم زندگی کند و آنگونه که من می میرم، بمیرد، و در بهشت برینی که خدای من آن را وعده داده است، جای گزیند، باید ولایت علی را بپذیرد. چرا که او هرگز شما را از راه هدایت برون نمی برد و به گمراهی وارد نمی سازد.

ص: 81

در صحاح و سنن شش گانه اهل سنت نیز روایات متعدد در این مورد آمده است؛ به طور کلی از این روایات استفاده می شود که منظور از آیه فوق علی علیه السلام است.

تفسیر «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور» تألیف جلال الدین السیوطی که از بزرگان تفسیر نزد اهل سنت است.

وأخرج الطبرانی فی الأوسط وابن مردویه عن عمار بن یاسر قال: وقف بعلى سائل وهو راکع فی صلاه تطوُّع، فنزع خاتمه فأعطاه السائل، فأتی رسول الله صلى الله عليه وسلم فاعلمه ذلك، فنزلت علی النبی صلى الله عليه وسلم هذه الآیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» فقراً رسول الله صلى الله عليه وسلم علی أصحابه، ثم قال: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. مضمون حدیث آن است که روزی سائلی نزد حضرت امیر آمد و حضرت در حال رکوع نماز مستحبی بودند حضرت در همان حال دست خود را به سوی

ص: 82

سائل بردند و انگشتر را به او بخشیدند، رسول خدا آمدند و از این موضوع آگاه شدند و به ایشان نازل شد «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» 67 سوره مائده فقط ولی امر شما (حاکم شما) خداست و رسولش و کسانی که ایمان آوردند کسانی که نماز می خوانند و صدقه می دهند در حالی که در رکوعند، و بعد از آنکه برای صحابه این آیه را خواندند، سپس فرمودند:

من كنت مولاة فعلى مولاة، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه) هر کس من مولای اویم علی مولای اوست خدایا دوست بدار کسی که او را بدارد می دارد و دشمن دار کسی که او را دشمن می دارد.

(آیه ولایت در شواهد التنزیل ج: 1 ص: 224 و ص: 225 حاکم حسکانی).

و منهم جابر بن عبد الله الأنصاری

حدثنا الحاكم أبو عبد الله الحافظ غير مره قال أخبرنا أبو بكر

ص: 83

محمد بن جعفر بن یزید الأدمی القاری ببغداد قال حدثنا أحمد بن موسى بن یزید الشطوی حدثنا إبراهيم بن إبراهيم هو أبو إسحاق الكوفي قال حدثنا إبراهيم بن الحسن التغلبي قال حدثنا يحيى بن يعلى، عن عبید الله بن موسى، عن أبي الزبير عن جابر قال جاء عبد الله بن سلام و أناس معه يشكون إلى رسول الله صلى الله عليه و آله فساله هل أعطاك أحد شيئاً قال نعم مررت برجل يصلى فأعطاني خاتمه قال اذهب فأرهم فيه مسكيناً فأتينا (به) النبي صلى الله عليه و آله فساله هل أعطاك أحد شيئاً قال نعم مررت برجل يصلى فأعطاني خاتمه قال اذهب فأرهم إياه (قال جابر) فانطلقنا وعلينا قائم يصلى قال هو هذا فرجعنا و قد نزلت هذه الآية إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ الْإِيه .

عموم مفسرين و محدثين مانند فخر رازی و نیشابوری و زمخشری و دیگران از ابن عباس و ابوذر و سایرین نقل کرده اند که روزی سائلی در مسجد از مردم سؤال نمود و کسی چیزی به او نداد، علی علیه السلام که مشغول نماز و در حال رکوع بود با

انگشت دست راست اشاره بسائل نمود و سائل متوجه شد و آمد انگشتر را از دست او خارج نمود و آیه إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ سوره مانده آیه 55.

اگر چه مؤمنین را بصیغه جمع آورده که در حال رکوع صدقه میدهند ولی در خارج مصداق واقعی آن منحصر بفرد بوده او هم علی علیه السلام میباشد.

بعضی هم گفته اند چون ائمه دیگر و اولاد معصومین علی علیه السلام نیز دارای مقام ولایت میباشند لذا بصیغه جمع قید شده است.

در آنحال رسول اکرم صلی الله علیه و آله از سائل پرسید آیا کسی بتو چیزی داد؟ سائل ضمن اشاره بعلی علیه السلام عرض کرد این انگشتر را او بمن داد. (کفایه الطالب ص 250 مناقب خوارزمی ص 178 تفسیر طبری جلد 6 ص 165 تفسیر رازی جلد 3 ص 431 و کتب دیگر).

ص: 85

علمای اهل سنت با اینکه به نزول این آیه در باره ولایت علی علیه السلام اقرار دارند اما بعضی از آنها مانند ابن حجر و غیره در اینجا طفره رفته مانند آیه تبلیغ، میگویند کلمه ولی بمعنی دوست و ناصر است نه بمعنی اولی بتصرف در صورتیکه قبلاً گفتیم از ظاهر و سیاق کلام کاملاً معلوم است که ولیّ در آیه، بمعنی زعیّم و صاحب اختیار است زیرا آیه شریفه با «اتّما» که افاده حصر میکند شروع شده است یعنی صاحب اختیار و اولی بتصرف شما فقط خدا و رسول او و کسی است که در حال رکوع صدقه داده است اگر ولی بمعنی دوست باشد انحصار آن بخدا و رسول او و شخص راکعی که صدقه داده است بی معنی و دور از منطق خواهد بود چون در اینصورت مؤمنین جز خدا و رسول و علی علیه السلام دوست دیگری نخواهند داشت در حالیکه مؤمنین همه دوست و ناصر یکدیگرند و دوستی چیزی نیست که خداوند آنرا در انحصار خود و اولیانش قرار دهد، در این مورد حسان بن ثابت

حضرت امیر علیه السلام را مدح کرده و چنین گوید:

فأنت الذي أعطيت اذ كنت راععا

فدتك نفوس القوم يا خير راعع

فأنزل فيك الله خير ولاية

و بينها في محكمات الشرايع

كشفت الغمه ص 88.

تو آن کسی هستی موقعی که در رکوع بودی بخشش نمودی

پس جانهای مردم فدای تو باد ای بهترین رکوع کننده

خداوند هم در شأن تو بهترین ولایت را نازل کرد

و آنرا در قرآن کریم ضمن شرایع محکم دین بیان فرمود

معلوم و واضح است که مقصود از بهترین ولایت همان زعامت و رهبری است نه یاری و دوستی و معانی دیگر.

**اسناد نزول آیه ی ولایت در مورد حضرت امیر در**

کتب اهل سنت

ص: 87



برای اینکه مطلب بیش ازین به طول نیانجامد فهرستی از اسناد آیه ولایت در باره علی علیه السلام را از کتاب «تجلی امامت در آیه ی ولایت» آقای محمّد رضا کریمی استخراج شده است را، می آوریم.

1. تفسیر در المنثور / تالیف جلال الدین سیوطی / جلد 2 / صفحه 519 / چاپ دار الکتب علمیّه بیروت
2. تفسیر غرائب قرآن / تالیف نظام الدین نیشابوری / جلد 2 / صفحه 5 و 6 / چاپ دار الکتب علمیّه بیروت
3. تفسیر فتح البیان / تالیف صدیق حسن قنوجی / جلد 2 / صفحه 383 / چاپ دار الکتب علمیّه بیروت
4. حاشیه الصّاوی بر تفسیر جلالین / تالیف الصّاوی / جلد 1 / صفحه 291 / چاپ دارالتجاریّه الکبری مصر
5. تفسیر انوار التنزیل / تالیف قاضی ناصر الدّین بیضاوی / جلد 2 / صفحه 156 / چاپ دار الصادر بیروت
6. حاشیه شهاب علی تفسیر البیضاوی / تالیف قاضی شهاب الدین خفاجی

7. تفسير كشاف و البيان / تاليف ثلعي / جلد 4 / صفحه 80 / چاپ دار احياء التراث العربي بيروت

8. اسباب النزول / تاليف واحدي نيشابوري / صفحه 133 / چاپ دار العلميه بيروت

9. المعجم الكبير / تاليف طبراني / جلد 7 صفحه 130 / حديث 6228

10. لباب النقول / تاليف سيوطي در حاشيه تفسير جلالين / صفحه 213

11. احكام القرآن / تاليف جصاص / جلد 2 / صفحه 557 / چاپ دار الكتاب علميه بيروت

12. مناقب عليّ ابن ابي طالب / تاليف ابن مغازلي شافعي / صفحه 311

13. كفايه الطالب / تاليف كنجي شافعي / صفحه 228، 250 و 251 / چاپ نجف اشرف

14. ذخاير العقبي / تاليف محب الدين طبري شافعي / صفحه 88 و 102 / چاپ مصر

15. تاريخ مدينه دمشق / تاليف ابن عساكر / جلد 2 / صفحه 357 / چاپ

16. ترجمه الامام علیّ ابن ابیطالب من تاریخ دمشق / جلد 2 / صفحه 409 / چاپ بیروت

17. الفصول المهمّه / تالیف ابن صبّاح مالکی / صفحه 108 و 123

18. فتح القدير / تالیف شوکانی / جلد 2 / صفحه 53

19. التّهسیل / تالیف کلبی / جلد 1 / صفحه 181

20. تفسیر کشاف / تالیف جار الله زمخشری / جلد 1 / صفحه 649 / چاپ 4 جلدی مصر ، افست نشر البلاغه

جریان عبدالله بن سلام

عبد الله بن سلام از دانشمندان یهودی بود که با تنی چند از دیگر یهودیان، مسلمان شده بود. یک روز او و یارانش نزدیک نماز ظهر به حضور پیامبر رسیدند و با آن حضرت به گفتگو نشستند. آنها به پیامبر گفتند:

فاصله خانه های ما از مدینه دور است، و ما در میان

ص: 90

یهودیان، بی سرپرست و بی پناهییم. آنها از اینکه ما مسلمان شده ایم و شما را تصدیق کرده ایم، ناراحت هستند و با ما دشمنی می ورزند، و سوگند یاد کرده اند که با ما قطع رابطه کنند. اکنون به وجود شما پشت گرمیم، و به زیارت شما دلخوشیم. اما نمی دانیم پس از شما چه کنیم؟ حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) در زمان حیاتش، یوشع بن نون را به عنوان جانشین خویش معرفی کرد، تا مردم بدانند پس از او به چه کسی مراجعه کنند و به وجود چه فردی دلگرم باشند.

اکنون شما چه کسی را به عنوان جانشین پس از خود معرفی می فرمایید؟ در این هنگام، امین وحی جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و عرض کرد:

سرپرست و ولی شما تنها خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که نماز بر پا می دارند و در حال رکوع صدقه می دهند.

این پاسخ برای عبد الله و همراهان او واضح و روشن نبود.

چه کسانی بر پا دارنده نمازند؟ چه کسانی در حال رکوع زکات

هم می پردازند، تا ولی و سرپرست ما پس از پیامبر باشند؟ اینجاست که پیامبر باید مصداق روشنی را از این کلام بیان فرماید. از طرفی وقت ادای فریضه ظهر فرا رسیده بود. پیامبر از جا برخاست و همراه با عبدالله و یارانش به سمت مسجد آمدند.

از آن سو در مسجد هم حادثه مهمی رخ داده بود. حضرت علی علیه السلام پیش از شروع نماز ظهر، مشغول خواندن نماز نافله بود، که فقیری به مسجد آمد، و از کسانی که در مسجد بودند تقاضای کمک کرد. هیچکس حاجت او را برآورده نساخت. ناگاه متوجه شد فردی در حال رکوع نماز با دست اشاره می کند. شتابان به سوی او رفت و تقاضای خود را تکرار کرد. علی علیه السلام در همان حال رکوع، انگشتی خود را که هزار دینار ارزش داشت، از انگشت خویش بیرون آورد و به آن مرد فقیر بخشید. آن انگشت را پیش تر، نجاشی پادشاه حبشه به پیامبر هدیه داده بود و پیامبر هم آن را به علی علیه السلام

بخشیده بود. وقتی پیامبر و همراهانش به مسجد رسیدند مرد فقیر را دیدند که با خوشحالی بسیار در حال خروج از مسجد است.

پیامبر از او پرسید: آیا کسی چیزی به تو بخشیده است؟

مرد فقیر عرض کرد: آری یا رسول الله آن مرد که در حال نماز است این انگشتر را به من بخشید.

آنگاه پیامبر آیه ای را که لحظاتی پیش بر او نازل شده بود، و از این حادثه خبر می داد، بر عبدالله بن سلام و همه مسلمانانی که در مسجد حاضر بودند، تلاوت فرمود.

و سپس افزود: «علی بن ابیطالب وَلِيكُمْ بَعْدِي» یعنی پس از من علی بن ابیطالب ولی شماست.

پس از آن عبد الله و همراهانش که مطلوب خود را یافته بودند، به ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام شهادت دادند.

آنگاه امین وحی بار دیگر بر پیامبر نازل گشت و بشارتی برای مؤمنان به ارمغان آورد که:

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ .

دانشمندان پیرو مکتب خلفا ضمن اشاره به ماجرای عبد الله بن سلام در کتب معتبر خود، (تفسیر فخر رازی ذیل آیه ولایت).

نقل دیگری از ابوذر، صحابی رسول خدا نیز آورده اند. او نیز پس از بیان داستان انگشتی،

می گوید: پیامبر دست به دعا برداشت و عرض کرد:

خداوندا، برادرم موسی علیه السلام از تو اینچنین درخواست نمود که:

«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي، وَ اجْعَلْ لِي وَزيراً مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَ اشْرِكْهُ فِي أَمْرِي»

پروردگارا، سینه ام بگشای، و کارم را آسان گردان، و گره از زبانم باز کن تا سخنم را دریابند، و برای من وزیری از خاندانم تعیین فرما، هارون برادرم را برای این کار قرار ده، تا پشتم به او

ص: 94

گرم و استوار باشد، و در کارم وی را شریک گردان، آنگاه به او وحی کردی که ما بازوانت را به برادرت نیرومند می سازیم و برایتان قدرتی قرار می دهیم تا با شما برابری نکنند.

پروردگارا اینک من محمد پیامبر تو و حبیب تو هستم. تو نیز سینه ام را بگشای و کارم را آسان گردان و «علی» از خاندان مرا وزیر من قرار ده تا پشتم به او استوار گردد.

ابوذر می گوید: از پس این دعا بود که جبرئیل از سوی خداوند نازل شد و گفت:

ای محمد بخوان **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...**

تفسیر فخر رازی ذیل یه ولایت

### 5- سؤال از ولایت

وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ . صفات / 24

« آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند .

ص: 95



ابو سعید خدری از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل میکند که آنچه مورد سؤال خواهد بود ولایت علی بن ابیطالب است شواهد التنزیل جلد 1 ص 107 صواعق المحرقة ص 89.

در کتاب ینابیع الموده از ثمامه بن عبدالله بن انس از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اذا کان یوم القیامه و نصب الصّراط علی جهنّم لم یجز علیہ الا من کان معہ جواز فیہ ولایه علیّ بن ابیطالب و ذالک قوله تعالی و قفوهّم انّهم مسؤلون عن ولایه علیّ. (دلائق الصدق ج 2 ص 151 بنقل از آن کتاب). وقتی که روز قیامت شد و پل صراط به روی جهنم نصب گردید هیچ کس از آن نمی گذرد، مگر کسی که با خود جوازی که در آن ولایت علی بن ابیطالب بوده باشد و اینست فرمایش خدایتعالی و قفوهّم انّهم مسؤلون.

باز در ینابیع الموده از حموینی باسندش از علی از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اذا نصب الصراط لم یجز عنه أحد الا من کانت معہ برائۀ بولایه علی بن ابی طالب (دلائق الصدق ج 2

ص: 96

زمانی که پل صراط نصب گردید از آن احدی عبور نمی کند مگر کسی که با او جواز برائی به ولایت علی بن ابی طالب بوده باشد.

(برای اطلاع از مشروح این روایت به آدرس فوق مراجعه نمائید).

الصواعق المحرقة می گوید: چهارمین آیه که در شأن علی بن ابیطالب نازل شد آیه «وَقَفُّوهُمْ إِنِّيهِمْ مَسْئُولُونَ» است، می گوید:

دیلمی از ابن سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را خواند و فرمود: مسئول از ولایت علی علیه السلام هستید، آنگاه می گوید: مقصود واحدی هم که در تفسیر این آیه گفته: روایت شده که مورد سؤال، ولایت علی و اهل بیت علیهم السلام هستند، همین روایت است چون خدای تعالی به پیغمبر خود می فرماید: تا به خلق اعلام کند:

که در برابر تبلیغ رسالت به غیر از مودت اقریبای او مزدی نمی

خواهد و معنای این آیه است که ایشان را می پرسند آیا اهل بیت پیغمبر را آنطور که می بایستی دوست داشتید یا نه؟ و آنطور که رسول خداصلی الله علیه و آله درباره شان سفارش کرده بود عمل کردید یا خیر، بلکه در عوض حق آنان را ضایع نموده از احقاقش مضایقه نمودید؟!.

## 6- آیه هدایت

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ، إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ . رعد7-

کافران می گویند چرا نشانه ای آشکار - که به چشم سر ببینیم - بر او فرود نمی آید؟ (ای پیامبر به آنان بگو): که من فقط بیم دهنده هستم و هر گروهی، هدایت کننده ای دارد.

کافران برای آنکه پیامبر را تکذیب کنند، به بهانه های گوناگون می کوشیدند دعوت او را به خداشناسی بی ثمر

سازند. از جمله آنکه تقاضاهای عجیب و غریبی از پیامبر می کردند. مثلاً انتظار داشتند فرشته ای از آسمان فرود آید و نامه ای آسمانی به پیامبر دهد، به طوری که آنان با چشمهای ناپاک خود حقایق آن را ببینند و بخوانند، و بارها از اینگونه خواسته ها ابراز کرده بودند. اما خداوند در آیاتی چند، این تقاضاهای فریبکارانه را ردّ کرد و به پیامبر فرمود:

توقف باید به آنان تذکر دهی و ایشان را از آخرت بیم دهی و وظیفه ای بیش از این در قبال خواسته های آنان نداری.

بعد از توهم، هر قوم و گروهی برای خود راهنما و هدایتگری دارد و راه تو را ادامه می دهد.

و از این رو است که علی علیه السلام فرمود:

رَسُولُ اللَّهِ الْمُنْذِرُ وَأَنَا الْهَادِي. المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 139. پیامبر همان بیم دهنده است و من هدایت کننده.

زیرا او دیده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی دست بر سینه خود گذارد و فرمود:

ص: 99

أنا المُنذِرُ یعنی من بیم دهنده هستم آنگاه دست بر شانه علی نهاد و فرمود:

أنت الهادی یا علی، بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي. تفسیر کبیر فخر رازی ذیل یہ 7 سوره رعد. ای علی تویی هادی امت، و به تو راه یافتگان پس از من هدایت می یابند.

در مورد آیه انما انت منذر و لكل قوم هاد سوره رعد آیه 7.

از طریق اهل سنت هفت حدیث نقل شده است که مقصود از منذر پیغمبر صلی الله علیه و آله و از هادی علی علیه السلام میباشد از جمله مالکی در فصول المهمه مینویسد که چون آیه مزبور نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انا المنذر و علی الهادی و بک یا علی یهتدی المهتدون. یعنی من انذار کننده ام و علی هدایت کننده و بوسیله تو یا علی هدایت یافتگان هدایت می یابند (فصول المهمه ص 122).

ص: 100

## 7- آیه سجده نکردن به اصنام

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ سورة ابراهيم آیه 35.

زمانیکه ابراهیم (بدرگاه خدای تعالی دعا کرد) و گفت پروردگارا این شهر را (مکه) محل امن قرار بده و من و فرزندانم را از بت پرستی دور گردان.

ابن مغزلی و شافعی بسند خود از عبد الله بن مسعود نقل میکنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دعای ابراهیم که عرض کرد پروردگارا من و فرزندانم را از بت پرستی دور گردان بمن و علی منتهی شد که هیچیک از ما هرگز به بت سجده نکردیم در نتیجه خداوند مرانبی و علی را وصی قرار داد (مناقب ابن مغزلی ص 276).

## 8- آیه سؤال از نعمت

ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ سورة تکاثر آیه 8.

ص: 101

آنگاه در آنروز از نعمتها پرسیده شوند.

ابو نعیم و حاکم حسکانی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرمود مقصود از نعیم در این آیه ولایتامیر المؤمنین و ماہستیم که از آن پرسیده خواهد شد غایه المرام باب 48 شواهد التنزیل جلد 2 ص 368.

## 9- آیه اولی الامر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا. نساء/59

ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا اطاعت کنید و نیز از رسول و صاحبان امر (دین) خود اطاعت ورزید. پس اگر در چیزی نزاع کردید، (داوری) آن را به خدا و رسول وانهید، (البته) اگر به خدا و جهان آخرت ایمان دارید. این (کار برای شما) بهتر است و سرانجام نیکوتری دارد.

ص: 102

شیخ سلیمان بلخی و دیگران نوشته اند که این آیه در باره امیر المؤمنین نازل شده و منظور از اولی الامر ائمه علیهم السلام از اهل بیت اند. ینابیع الموده ص 114 شواهد التنزیل جلد 1 ص 149 غایه المرام باب 58.

مثلاً «حاکم حسکانی» حنفی نیشابوری) مفسر معروف اهل سنت (در ذیل این آیه پنج حدیث نقل کرده که در همه آنها عنوان «اولی الامر» بر علی علیه السلام تطبیق شده است.

شواهد التنزیل، ج 1، ص 148 تا 151.

در تفسیر «البحر المحیط» نوشته «ابوحیان اندلسی مغربی» در میان اقوالی که درباره (اولی الامر) نقل کرده از مقاتل و میمون و کلبی (سه نفر از مفسران) نقل می کند که منظور از آن، ائمه اهل بیت علیهم السلام هستند. بحر المحیط، ج 3، ص 278.

«ابوبکر بن مؤمن شیرازی» (از علمای اهل سنت) در رساله «اعتقاد» از ابن عباس نقل می کند که آیه فوق درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. احقاق الحق، ج 3، ص 425.

ص: 103



گفتنی است که اولوالامر همانند رسول خدا صلی الله علیه وآله می بایست از هر گونه خطا و اشتباهی مصون باشند. چرا که خداوند مردم را به پیروی و اطاعت از ایشان امر کرده است، و در جایی دیگر پیروی از فرد گنهکار و خطاکار را نهی نموده است. امر به انجام چیزی و نهی از همان چیز هیچگاه با یکدیگر جمع نمی شود. بنابراین فرمان خداوند مبنی بر اطاعت از اولوالامر حاکی از عصمت آنهاست. در غیر اینصورت، اطاعت از آنها سبب گمراهی پیروان می گردد و امر هدایت مختل می شود. که البته خداوند هیچگاه مردم را به اطاعت از فردی خطاکار و غیر معصوم که در حقیقت پیروی از شیطان است. فرمان نمی دهد.

فخر رازی مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر خود به همین مطلب نیز اشاره نموده است. در برخی دیگر از منابع معتبر پیروان مکتب خلفا از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که مراد از اولوالامر در این آیه تنها امیر مؤمنان علیه السلام

و امامان از فرزندان او می باشند. ینابیع الموده ج 1 ص 342 تا ص 351-فرائد السمطین ج 1 ص 341 حدیث 250.

بیان تعابیر کلی از طرف خدا (اولو الامر، اذن واعیه، خیر البریه، الذین آمنوا الذین...) و سپس تعیین مصداق آن توسط پیامبر، این مهم را می فهماند که برای درک معانی و تعیین مصادیق آیات قرآن، تنها ظاهر آنها کافی نیست، بلکه وجود مبین و مفسّری همچون پیامبر و یا فردی هم سنخ او را می طلبد.

از سوی دیگر در این آیه شریفه با سبک و سیاق واحد و عدم تکرار لفظ (اطیعوا)، اطاعت خدا و رسول و اولی الامر واجب شده است و از این جهت اولی الامر معصوم است (و الا دستور به اطاعت از آنها به نحو اطلاق معنی نداشت) همانطوریکه خدا و پیامبرش معصومند. و طبق آنچه در روایات آمده، معصومین منحصر در امامان شیعه اند.

غیر از این آیات که به صورت مختصر ذکر شد، آیات

ص: 105

دیگری نظیر: آیه صادقین: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ توبه، 119. در روایات بیان شده است که: منظور از صادقین حضرت علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند. ینابیع الموده ص 115 و شواهد التنزیل ج 1 ص 262)

اهل سنت هر رئیس و زعیمی را که نسبت بمسلمین ریاست داشته باشد را، اولو الامر گویند و اطاعت او را بموجب این آیه واجب میدانند ولی این قول بهیچوجه صحیح نمیباشد زیرا در اینصورت باید اطاعت معاویه و یزید و عبد الملک و متوکل عباسی و تیمور لنگ و چنگیز خان و امثال آنها که ستمگر و فاسق بودند بر مردم واجب باشد در صورتیکه آیات دیگری هست که خداوند از اطاعت چنین اشخاصی نهی فرموده است چنانکه فرماید: وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ، الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ سوره شعراء آیه 151 152.

امر اسراف کنندگان را که در روی زمین فساد نموده و

اصلاح نمی کنند اطاعت نکنید.

بنا بر این اطاعت آن اولوا الامری واجب است که پاک و معصوم بوده و دستورات وی همان اوامر و نواهی خدا و پیغمبر باشد و چنین کسانی جز علی علیه السلام و یازده فرزندش که جانشینان پیغمبر اکرم اند کس دیگری نمی تواند باشد چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انا و علی و الحسن و الحسین و تسعه من ولد الحسین مطهرون معصومون (ینابیع الموده ص 445). یعنی من و علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین پاک و معصوم هستیم.

## 10 آیه جبل المتین

و اعتصموا بجبل الله جميعا سورة آل عمران آیه 103.

و همگی بریسمان خدا چنگ زنید.

صاحب کتاب مناقب الفاخره از عبد الله بن عباس روایت

ص: 107

کرده است که ما در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم عربی آمد و عرض کرد یا رسول الله شنیدم که می فرمودی:

اعتصموا بحبل الله حبل خدا کدام است که باو تمسک جوئیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر دست علی علیه السلام زد و فرمود: باین شخص تمسک جوئید که این حبل المتین است. (کفایه الخصام ص 343).

## 11- آیه مباحله

جالب ترین آیه ای که خود بزرگان اهل سنت، آن را قوی ترین و با فضیلت ترین و مهمترین آیه در حق امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و حسنین علیهما السلام می دانند، آیه مباحله است:

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ . فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا

ص: 108

جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ . آل عمران  
60-61 /

گروهی از نصاری نجران در مدینه خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و در باره موضوعات متفرقه و خلقت حضرت عیسی علیه السلام از آنجناب مطالبی پرسیدند و چون در مباحثه راه مغالطه می پیمودند آیه فوق (مباهله) نازل شد

بدینطریق رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنها را بمباهله دعوت فرمود و فردای آنروز (روز 24 ذی الحجه سال نهم هجرت) نصارا با علمای خود بیرون آمده و اسقف نصارا بدانها گفت:

اگر محمد صلی الله علیه و آله با نزدیکان و اقوامش بیاید مباهله نکنید (زیرا اگر او بر حق نباشد نزدیکانش را در معرض نفرین و بلا نمی آورد) و اگر با اصحاب و مسلمین بیاید مباهله کنید در آنحال پیغمبر اکرم با علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام حاضر شد اسقف پرسید اینها کیستند؟ گفتند: آن جوان پسر عم و

داماد اوست و آن زن یگانه دختر مورد علاقه اوست و آندو کودک هم نواده های او هستند. اسقف گفت بخدا سوگند من چهره هائی می بینم که اگر از خدا بخواهند کوهها را از جا میکنند خوبست از مباحله خود داری کنیید و با او مصالحه نمائید لذا گفتند یا ابا القاسم ما مباحله نمی کنیم و حاضر بمصالحه هستیم حضرت نیز پذیرفت.

زمخشری می گوید:

وفیه دلیل لا شیء اقوی منه علی فضل أصحاب الکساء علیهم السلام. در آن دلیل است که قوی تر از آن در فضیلت اصحاب کساء علیهم السلام (پنج تن آل عبا) نیست.

الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأفاویل للزمخشری، ج 1، ص 434

در کتاب صحیح مسلم - که عزیزان اهل سنت معتقدند صحیح مسلم و صحیح بخاری، صحیح ترین کتب بعد از قرآن هستند و تمام روایات این کتب را قبول دارند آمده است:

ولما نزلت هذه الآیه، فقل: تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ، دعا

ص: 110

رسول الله صلى الله عليه وسلم عليا وفاطمه وحسنا وحسينا، فقال: اللهم هؤلاء أهلي.

وقتی آیه مباهله نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و سلم، علی و فاطمه و حسن و حسین را صدا کرد و گفت: خدایا! اینها اهل بیت من هستند.

صحیح مسلم، ج 7، ص 120، حدیث 6373 - مسند احمد، ج 1، ص 185 - مستدرک الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج 3، ص 150

ابن کثیر دمشقی سلفی - که هوای وهابیت دارد و وهابی ها، تفسیر ابن کثیر را در حدّ صحیح بخاری و صحیح مسلم قبول دارند در تفسیر خودش از جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند:

أنفسنا: رسول الله صلى الله عليه وسلم و علي بن أبي طالب،

و أبناءنا: الحسن و الحسين، و نساءنا: فاطمه.

مراد از أنفسنا، رسول الله صلى الله عليه وسلم و علی بن ابی طالب هستند و مراد از أبناءنا، حسن و حسین هستند و مراد از

ص: 111



نساءنا، فاطمه است.

تفسیر ابن کثیر، ج 1، ص 379، چاپ انتشارات دار المعرفه بیروت - الدر المنثور للسيوطی، ج 2، ص 39 - فتح القدير للشوكاني، ج 1، ص 348

خداوند در این آیه، علی بن ابی طالب علیه السلام را نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است. یعنی دیگر نمی شود بالاتر از این درباره امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفت که امیرالمؤمنین علیه السلام جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نازل منزله نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

ابن ابی الحدید و ابن مغزلی و دیگران نوشته اند که منظور از ابائنا حسنین و مقصود از نساتنا فاطمه و منظور از انفسنا علی علیه السلام میباشد مناقب ابن مغزلی ص 263 کفایه الخصام ص 309 فصول المهمه ص 8.

بنا بر این در این آیه خداوند حضرت امیر را از شدت اتحاد نفسانی با پیغمبر (البته بطور مجاز) نفس پیغمبر خوانده است.

بر اساس این آیه شریفه، حضرت علی علیه السلام نفس،

ص: 112

یعنی جان پیامبر معرفی شده است. همچنین بر اساس روایات، همراهان پیامبر در جریان مباحثه، به عنوان اهل بیت ایشان شناخته می شوند.

اکنون به روایت زیر از کتاب صحیح مسلم توجه فرمایید:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ...».

دَعَا رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي. صحیح مسلم کتاب الفضائل باب فضائل علی بن ابیطالب.

مستدرک 3/163، تفسیر کشاف، تفسیر طبری، تفسیر فخر رازی.

وقتی این آیه نازل شد، پیامبر علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و فرمود: بار الها، اینان اهل بیت من هستند.

در جریان ابلاغ براءت پس از آنکه ابو بکر براه افتاد و قدری راه رفت جبرئیل نازل شد و ضمن ابلاغ سلام خداوند به پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد خداوند فرماید: لا یؤدیها عنک الا انت اوجل منک. یعنی کسی از جانب تو اداء رسالت ننماید مگر خودت یا مردی که از خودت باشد. تفسیر الدر المنثور

ص: 113

ج 4 ص 122. ذخائر العقبی ص 69 کفایه الطالب ص 242 ینابیع الموده ص 88.

در این قضیه مانند آیه مباحله، علی علیه السلام را خود رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار می دهد.

بکار رفتن لفظ جمع نساءنا و انفسنا در آیه با اینکه مصداق هر کدام یک نفر بیش نیست، و همچنین آمدن لفظ ابناءنا در آیه و مصداق آن که تنها دو نفرند، هیچکدام با یکدیگر منافات ندارد، چرا که اینگونه سخن گفتن حتی در زبان فارسی نیز رایج است. مثلاً معلم در بیان قانون کلی می گوید: آنها که نمره بیست گرفته اند، جایزه دارند. در حالی که تنها یک نفر نمره بیست گرفته است. یا برای ادای احترام و بزرگداشت، الفاظ را بصورت جمع بکار می برند.

مرحوم علامه امینی در کتاب «الغدیر» جلد سوم صفحه 163 به نقل از دانشمندان پیرو مکتب خلفا، بیست آیه از قرآن را جمع آوری نموده که تمامی آنها با لفظ جمع بکار رفته اند، در حالیکه تنها یک نفر مورد نظر بوده است.

ص: 114

نکته دیگر: آنکه وقتی اطاعت و پیروی از شخص پیامبر لازم و واجب باشد، مسلماً اطاعت و پیروی از نفس و جان او یعنی علی علیه السلام نیز واجب و لازم است. و از آنجا که نفس و جان مایه حیات و دوام زندگی آدمی است، این تشبیه به ما می فهماند آن کسی که باعث دوام نبوت و حیات نبوی است، وجود مقدس امیرمؤمنان علی علیه السلام می باشد.

توجه: آیاتی که در باره ولایت و فضائل علی علیه السلام نازل شده خیلی بیش از اینهاست و ما برای نمونه 11 آیه از آنها را فقط در باره ولایت بعنوان نمونه آوردیم ولی آیات و روایات ولایت و فضایل و مناقب و اوصاف آنحضرت، خیلی بیشتر ازینهاست، مانند آیات یوم الدار، تطهیر، براءت، مودت، خیرالبریه، شاهد، اصطفاء، ليله البریه، ومن عنده علم الكتاب و.و. که هر یک ازین آیات به مقام ملکوتی آن امام مظلومان، صراحت دارد.

قبلا به تعداد آیات نازله در باره مولای مؤمنان علی علیه

السلام از مفسرین و محدثین اشاره کردیم. چنانکه گنجی شافعی و ثعلبی بسند خود از ابن عباس نقل کرده اند که نزلت فی علی بن ابی طالب اکثر من ثلاثمائة آیه کفایه الطالب ص 231 صواعق محرقة ص 76 ینابیع الموده ص 126.

برای اطلاع بیشتر می توانید به تفسیر پیام قرآن، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، جلد 9 (امامت و ولایت در قرآن مجید، صفحه 177 به بعد) مراجعه فرمایید.

استیعاب ج دوم ص 436 می گوید: معاویه همواره مسائلی که برایش پیش می آمد می نوشت و از علی علیه السلام می پرسید و چون شنید که آن جناب را کشتند گفت: فقه و علم با مرگ پسر ابوطالب مُرد؛ برادرش عتبه به او گفت: اهل شام این حرف را از تو نشنوند، گفت: ول کن.

اکنون باید از آقایان (اهل سنت) پرسید با وجود اینهمه آیات که دلالت بر ولایت و برتری علی علیه السلام دارد و خود شما در صورت مراجعه بکتاب معتبره تان صحت این مطلب

ص: 116

را خواهید پذیرفت چگونه ابو بکر را بجای علی علیه السلام خلیفه میدانید آیا سخن و عقیده شما در این مورد موضوع کوسه و ریش پهن نیست؟

در خاتمه این فصل از تذکر این مطلب ناگزیریم که ممکن است بنظر بعضی چنین برسد که خداوند چرا صریحا نام علی علیه السلام را در قرآن نیاورده که او جانشین پیغمبر است تا مسلمین دچار اختلافات نشوند؟ پاسخ این اشکال یا اعتراض اینست که اولاً: موضوع ولایت علی علیه السلام مورد آزمایش است و بایستی مردم بوسیله آن آزمایش شوند چنانکه از جمله آیاتی که مؤید این مطلب است آیه شریفه الم أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ سوره عنكبوت آیه 1.

آیا مردم چنین پندارند که با گفتن اینکه ایمان آوردیم رها کرده شوند و آنان آزمایش نخواهند شد؟

که بنا بنقل علماء و مفسرین عامه و خاصه ولایت علی علیه السلام است که مورد آزمایش مسلمین قرار گرفته است شواهد

ص: 117

ثانیا: بفرض اینکه نام علی علیه السلام نیز در قرآن ذکر میشد باز گروهی از مردم از روی حب جاه و طمع دنیوی با آن مخالفت میکردند همچنانکه با برخی از آیات قرآن مخالفت نمودند.

ثالثا: قرآن کریم شامل احکام کلی است و جزئیات آن بوسیله پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله توضیح داده شده است و اصل ولایت و امامت هم چنانکه گذشت در چندین آیه با قرائن روشن گفته شده و نبی اکرم نیز طبق بیاناتی مضمون و مفاد آنها را که بر علی علیه السلام تطبیق میکرد، به مردم ابلاغ نموده است و این مطلب را علماء و مفسرین اهل سنت نیز قبول دارند ولی عملا با آن مخالفت میکنند.

رابعا: برای حفظ قرآن از تحریف و دستخوردگی و حفظ اعتبار آن که اگر نام علی علیه السلام به صراحت در آیه ای ذکر می شد، آنان که آن همه فضائل را با گوش خود و درایتاً و روبرو

از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده بودند، زیر پا گذاشتند و او را خانه نشین کردند، یقیناً بلا شبهه، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله یا هنگام جمع آوری قرآن در زمان عثمان، نام آن حضرت را، حذف می کردند، اگر باور ندارید به عنوان نمونه از عبدالله بن مسعود، صحابی بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله به روایت خود اهل تسنن در باره آیه تبلیغ می گوید:

كُنَّا نَقْرَأُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - أَنْ « عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ » ما در زمان رسول خدا آیه را اینگونه می خواندیم. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - أَنْ « عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ ...

..» و حالا چگونه می خوانیم.



علی علیه السلام

در مدح تو ای مظهر اضداد چه گویم

والاست مقام تو و گفتار قصیر است

با این که تویی پادشه عالم هستی

کریاس تو را جامه و فرش تو حصیر است

درباره عظمت و فضائل و مقامات امیر مؤمنان علی علیه السلام سخن گفتن هر چند در ابتدا سهل می نماید ولی با مقداری فرورفتن در بحر فضائل بی شمار او انسان متوجه می شود که بیان فضائل او سخت مشکل و دشوار و بیرون از نیروی ماست.

حضرت آیت الله العظمی بهجت قدس سره در بین سخنان

خویش به مناسبت های گوناگون به ذکر فضائل امیرالمومنین علی علیه السلام می پرداختند. ایشان تأکید داشتند که برای بیان فضائل و اثبات حقانیت علی علیه السلام، چه بسا نیازی به کتاب های شیعه نباشد؛ چراکه کتاب های اهل سنت پر است از این مطالب، که هر دو گروه را کفایت و برای اهل سنت الزام آور است.

واقعاً این طور است برای شخص منصف و با وجدان، در این مورد جای شک و تردید باقی نمی ماند، در خود صحاح سته و مسندها و کتاب های معتبر، آنچنان روایات ولایت و فضائل حضرت علی علیه السلام را نقل کرده اند که دریایی از آن نهفته است و احتیاج به غواص ماهری دارد که از این دریا بهره لازم را ببرد.

محمد بن ادریس شافعی (رئیس مذهب شافعی، از مذاهب چهارگانه مکتب خلفاست. او به سال 150 ه.ق در شهر غزه در فلسطین متولد شده و به سال 204 ه.ق در قاهره وفات یافته است).

در مدح و ستایش امیر مؤمنان علی علیه السلامی گوید:

قیل لی:

قُلْ فِي عَلِيٍّ مَدْحًا ذِكْرُهُ يُخَمِّدُ نَارًا مُؤَصَّدَةً

قُلْتُ لَا أَقْدِمُ فِي مَدْحِ امْرِئٍ ضَلَّ ذُو اللَّبِّ إِلَىٰ أَنْ عَبَدَهُ

وَ النَّبِيُّ الْمُصْطَفَىٰ قَالَ لَنَا لَيْلَةُ الْمِعْرَاجِ لَمَّا صَعَدَهُ

وَضَعَّ اللَّهُ بِظَهْرِي يَدَهُ فَأَحَسَّ الْقَلْبُ مِمَّا بَرَدَهُ

وَ عَلِيٌّ وَاضِعٌ أَقْدَامَهُ فِي مَحَلِّ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ

به من گفتند: درباره علی ستایشی بسرای\*\* که یاد آن آتش سوزان را خاموش نماید.

گفتم: در ستایش مردی اقدام نمی کنم! که صاحبان عقل، درباره اش به حیرت افتادند و او را پرستیدند!

پیامبر برگزیده به ما فرمود\*\* شب معراج که او را به آسمان بالا بردند،

خداوند دست خویش را بر پشت من نهاد.\*\* از شیرینی آن قلب (پر آشوب و سوزان) من خنک شد (و آرام گرفت).

و علی (در ماجرای شکستن بت های کعبه) پای خود را همانجائی

گذاشت (که خداوند در شب معراج) دست خود را آنجا نهاده بود.

جریان بت شکنی آن حضرت، پس از فتح مکه، شهره آفاق و در کتاب های فریقین، متواترا آمده است که نیازی به آوردن آنها نیست. (مسند احمد حنبل 1/183).

بر کسی پوشیده نیست که بعد از وفات نبی صلی الله علیه و آله در جریان سیاسی سقیفه بنی ساعده راه خلفای ثلاثه و راه علی علیه السلام جدا شد. برخی با برنامه ریزی قبلی علیه السلام را کنار گذاشتند و مسیری را که به دست رسول خدا تعیین شده بود، نگرفتند و آن را ادامه دادند. اگر در این مورد، ادله و وجدان، قاضی و داور باشد نه تعصب و اغراض و دواعی دیگر، خلافت علی علیه السلام بعد از رسول خدا برای همه مسلم بود. در این صورت متخلف از آن مصداق «لاتدری ما احدثوا بعدک» خواهد شد.

در روایت فریقین آمده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من مات ولم يعرف امام زمانه، فقد مات میتة جاهلیة»

ص: 123

هرکس بمیرد و امام خود را نشناسد دقیقاً با مرگ جاهلیت مرده است.

حال برای اطلاع از امام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به تعدادی از روایات برادران اهل سنت که در کتاب های معتبرشان، آمده و تعداد زیاد از آنها در تفسیر آیات گذشت و مضافاً بر آن روایات بعدی را (که مشت نمونه ای از خروار است) را با دقت کامل، مورد توجه قرار دهید.

ولایت و امامت علی (علیه السلام)

روایاتی که بر امامت بلافصل آن مولا در منابع اهل سنت وجود دارد بیش از آن است که منعکس گردد و از طرفی حدیث معروف ثقلین، حدیث منزلت، حدیث یوم الدار، حدیث غدیر و ليله المبيت و مباحله و امثال آن که معروف و متواترند بارها مطرح شده و در منابع فراوانی آمده است

ص: 124

بدینجهت در اینجا متعرض نمی شویم.

آنچه در این جا می آوریم، با اینکه آنها نیز تقریباً متواترند قسمتی از روایاتی است که به ولایت و امامت و زعامت آن حضرت، دلالت صریحتری دارند و در گفته ها و نوشته ها، به آن ها اشاره شده است و هرکدام در منابع زیاد اهل سنت آمده و من فقط بعضی از آنها را برای نمونه آورده ام.

### 1- علی جانشین و وارث من است

از ابن بریده... نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَوَارِثٌ وَانَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَوَارِثِي؛ برای هر پیغمبری جانشین و وارثی است، و براستی علی جانشین و وارث من است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 319، حدیث 322»

ص: 125

## 2- انگشتر به دست راست کن

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به علیعلیه السلام فرمود: انگشتر به دست راست کن تا از مقرّبین باشی، عرض کرد یا رسول الله؟ چه انگشتری بر دست کنم. فرمود: عقیق سرخ پس برستی آن کوه و سنگی است که به وحدانیت خدا «ولی بالتّبوه و لک بالوصیه و لولدک بالامامه...» و به نبوت من و ولایت اولادت، اقرار کرده است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 85، حدیث 84.

## 3- شما را شاهد می گیرم

در روایت مربوط به عبادت آن حضرت این جمله را داریم که خداوند به ملائکه اش فرمود: «أشهدکم أنّه امام خلقی و مولی بریتی»؛ شما را شاهد می گیرم که او (علی) امام مخلوقم و سرپرست آفریده های من است. ابن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه،

ص: 126

#### 4- تو بعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین

هستی

عمرو بن میمون از ابن عباس نقل نموده که رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: أنت ولی کل مؤمن بعدی؛ یا علی! تو بعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین هستی. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، بیروت، دارالمعرفه، ج 3، ص 124، ینابیع الموده، سلیمان قندوزی، باب 20، ص 103، تاریخ الخلفاء سیوطی، باب فضائل علی علیه السلام، ص 173.

در این حدیث با توجه به کلمه «بعدی» معنای ولی صراحت در رهبری و امامت دارد، و معنی ندارد که پیامبر بفرماید تو محبوب مؤمنان بعد از من هستی.

راستی باید گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در معرفی علی علیه السلام و بیان منزلت ها و مقامات امیر مؤمنان علیه السلام

ص: 127



هرگز کوتاهی نکرد و با شیوه های مختلف محوریت و رهبریت او را به جامعه معرفی نمود، گاه دست او را بالا برد و فرمود:

این علی مولا و رهبر مردم است»

## 5- علی با قرآن است

و گاه می فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا...؛ علی با قرآن است و قرآن با علی علیه السلام است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، بیروت، دارالمعرفه، ج 3، ص 124، فرائد السمطین، همان، ج 1، ص 439، ینابیع الموده، همان، باب 20، ص 104، هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 135.

## 6- او را محور حق معرفی نمود

گاه او را محور حق معرفی نمود، در حدیث متواتر این جمله آمده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «علی

ص: 128

مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض یوم القیامه؛ المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 105، حدیث 108 علی با حق است و حق با علی است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند تا روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

### 7- جدا کننده بین حق و باطل است.

در روایت دیگر فرمود: سیکون من بعدی فتنه، فاذا کان ذلک، فالزموا علی بن ابی طالب، فأنّه الفاروق بین الحقّ و الباطل؛ بزودی بعد از من فتنه(ها) پیدا می شود، پس همراه علی بن ابی طالب باشید، زیرا او(معیار) جدا کننده بین حق و باطل است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 105، حدیث 109

و فرمود: کسی که از علی جدا شود از من جدا شده، و کسی

ص:129

که از من جدا شود از خدا فاصله گرفته است. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 6، ص 221، شماره 3275؛ ینابیع الموده، همان، باب 42، ص 148؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج 2، ص 431.

### 8- خلافت علی علیه السلام

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است به علی علیه السلام فرمود: «لَا يَنْبَغِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي... أَنْتَ وَليِّي فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛ روا نیست که من از دنیا بروم و تو جانشین من نباشی... تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن بعد از من هستی؛ مسند احمد، ج 1، ص 331؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 13؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 120؛ السنن الکبری، ج 1، ص 113.

### 9- عدم قبول ایمان جز با قبول ولایت او

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: .... و لا يقبل الله إيمان عبد

ص: 130

إلا بولايته و البراءه من أعدائه؛ و خداوند متعال ایمان بنده ای را قبول نمی کند، مگر اینکه ولایت او (حضرت علی علیه السلام) را داشته باشد و از دشمنان او بیزار باشد. (نام کتاب ولایت شرط قبولی اعمال از این احادیث، برداشته شده است).

کنز العمال، ج 11، ص 1؛ أمالی شیخ صدوق، ص 138؛ ارشادالقلوب، ج 2، ص 209، منه منقبه، ص 176؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 114؛ کشف الیقین، ص 4؛ کشف الغمه، ج 1، ص 112؛ بناء المقالة الفاطمیه، ص 369؛ تأویل الآیات، ص 844 و..).

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: ... النظر الی وجه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عباده و ذکره عباده و لا یقبل الله ایمان عبد الا بولایته والبراءه من أعدائه». نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عبادت، و یاد او عبادت است. و ایمان کسی جز با قبول ولایت و بیزاری جستن از دشمنان او پذیرفته نمی شود. (مناقب خوارزمی، 19 و 212؛ کفایه الطالب، گنجی شافعی، 214).

ص: 131

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده خدای عزوجل در شب معراج فرمود: یا محمد؛ لو أن عبداً من عبادي عبدني حتى ينقطع أو يصير كالشن البالي ثم أتاني جاحداً لولايتكم ما غفرت له أو يقرّ بولايتكم. ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم، مرا آن چنان عبادت کند که بمیرد یا همچون مشک خشک گردد سپس نزد من آید در حالی که ولایت شما را انکار کند او را نمی بخشم یا به ولایت شما اقرار نماید.

مناقب ابن مغزلی شافعی: 297 ح 240). الشهب الثاقب، ص 66؛ الجواهر السنيه، ص 312؛ الاربعين شيخ ماحوذی، ص 212. الغيبه، ص 95؛ مأه منقبه 17، ص 38؛ الاربعون حديثاً، منتجب الدين بن بابويه، ص 4؛ الطرائف، ص 173؛ شيخ البطحاء ابوطالب (عليه السلام)، ص 31؛ الصراط المستقيم، ج 2، ص

143؛ غایه المرام، ج 7، ص 78؛ مکیال المکارم، ج 1، ص 65؛ شرح احقاق الحق، ج 5، ص 46؛ بحار، ج 36، ص 216؛ الزام  
الناصب، ج 1، ص 163؛ مدینه المعجز، ج 2، ص 312، ح 575؛

### 11 - بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید

علمای اهل سنت نقل کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی! اگر کسی به اندازه عمر (حضرت) نوح خدا را عبادت کند، و به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق نماید و به اندازه ای عمرش طولانی باشد که بتواند هزار بار پیاده به حج برود، آنگاه در (مکه) بین صفا و مروه مظلومانه کشته شود،... ثم لم یوالیک یا علی لم یشم رائحه الجنه ولم یدخلها ولی، ولایت تورا « ای علی!» نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید و هرگز وارد بهشت نخواهد شد. (مناقب، خطیب خوارزمی، مقتل الحسین (علیه السلام)، خوارزمی،

ص: 133

و روایات فراوان دیگر که با کمترین مراجعه به مصادر و منابع حدیثی و روایی ، مسئله مانند آفتاب درخشان روشن می شود.

## 12- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر اکرم (ص)

(

عن سفیان الثوری، قال: حدثني أبو عبد الله جعفر بن محمد قال: قال النبي (صلى الله عليه وآله): أنه ليلة أسرى بي إلى الله تعالى عرجت سماء سماء، و حاوزت الكرويين و الملائكة الصافين و حاوزت موضعا لم ينته إليه جبرئيل (عليه السلام)، وبلغت طوبى و سدره المنتهى فأوحى إليّ ربّي ما أوحى. فقالت لي حملة العرش: بم بعثت يا محمد؟. فقلت: بولايته و وولايته أخى على بن أبي طالب.

نوادر المعجزات، محمد بن جرير، ص 71، ح 34.

شبی که مرا به سوی پروردگار (معراج) بردند، آسمان به

ص: 134

آسمان بالا بردند و از مقام های فرشتگان کروییین و صافین گذشتم و از مقام جبرئیل بالاتر و به سدره المنهی رسیدم، پس حمله عرش الهی به من گفتند: ای محمد! برای چه مبعوث شدی؟ گفتیم: به ولایت خودم و ولایت برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام.

### 13 - ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران

ما رواه أبو نعیم الحافظ: تفسیر قوله تعالی: وَ سَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا (زخرف: 45)؛ أن النبی (صلی الله علیه و آله) لیله أسری به إلی السماء جمع الله بینه و بین الأنبیاء ثم قال له: سلهم یا محمد؛ علی ما ذا بعثتم؟ فقالوا: بعثنا علی شهادة أن لا إله إلا الله، و الإقرار بنبوته، و الولاية لعلی بن أبی طالب (ع). شب معراج خداوند متعال تمام پیامبران را جمع کرد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمد! از اینان سؤال کن برای



چه شما به پیامبری مبعوث شدید؟ پس تمام پیامبران گفتند:

مبعوث شده ایم که شهادت دهیم هیچ خدایی جز الله نیست و اینکه اقرار کنیم بر نبوت تو و ولایت حضرت علی علیه السلام.

شواهد التنزیل، ج 2، ص 223، ح 855؛ العمده، ص 353، ح 680؛ خصائص الوحی المبین، ص 170، ح 116؛ الطرائف، ص 101، ح 147؛ تأویل الآیات الظاهره، ص 546؛ نهج الحق، ص 183؛ بحار، ج 36، ص 155؛ ینایع الموده، ج 2، ص 246، ح 692؛ تفسیر اثنی عشری، ج 11، ص 478؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج 4، ص 81؛ تفسیر منهج الصادقین، ج 8، ص 249؛ الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب، ج 1، ص 207؛ طرائف المقال، ج 2، ص 299؛ الامام علی (علیه السلام)، احمد رحمانی همدانی، ص 73، ح 19.

ای محمد! من تورا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام را از سنخ نور خود خلق کردم و ولایت شما را بر اهل آسمان و زمین عرضه کردم. پس هر کس ولایت شما را قبول کند نزد من از مؤمنین خواهد بود و هر کس منکر ولایت شما شود نزد من از کافرین خواهد بود.

ص: 136

## 14- حدیث منزلت و شباهت به هارون علیه السلام

وقتی مسلمانان برای جنگ (تبوک) با رومیان آماده حرکت شدند، پیامبر حضرت علی را در مدینه باقی گذارد و فرمود:

یا علی! مدینه در این شرایط جز با وجود من یا تو سامان نمی پذیرد. دشمن منتظر است با خروج من از مدینه، به شهر حمله کند. و من هم به فرمان خدا باید به تبوک بروم. اما اگر تو در مدینه بمانی کسی جرأت حمله به مدینه را نخواهد داشت.

منافقان - همان دشمنان علی - شایعه پراکنده کردند، که چون علی از همراهی با پیامبر در جنگ با رومیان سرپیچی کرده است، پیامبر بناچار برای حفظ آبرو، او را در مدینه گذارده است.

حضرت علی پس از شنیدن این شایعه، فوری سلاح

برگرفت، لباس رزم پوشید و خود را به اردوگاه پیامبر رسانید.

خدمت حضرت شرفیاب شد و عرض کرد:

ای رسول خدا، دشمن شایع کرده است که شما بخاطر سرپیچی من از رفتن به جنگ، مرا در مدینه با کودکان و پیرمردان و بیماران باقی گذارده اید. اینک من به لشکر پیوسته ام و منتظر فرمان شما هستم.

پیامبر وقتی سخن علی را شنید فرمود: مدینه جز با وجود من یا تو سامان نمی پذیرد، و آنگاه افزود:

اما تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؟ آیا راضی نیستی که منزلت تو نزد من همانند هارون به موسی باشد، جز آنکه پس از من پیامبری نخواهد بود. (سنن ترمذی 5/638، صحیح بخاری 14/245). برای آگاهی بیشتر به کتاب «المراجعات» تألیف سید شرف الدین، تحقیق شده توسط شیخ حسین راضی صفحه 376 مراجعه کنید.

حضرت علی هم در پاسخ رسول خدا عرض کرد: راضی و

خشنود شدم .

و این کلام را سه بار تکرار نمود. سپس به مدینه بازگشت تا مأموریت خویش را به انجام رساند.

روایت مشهور و مورد قبول فریقین.

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ تو نسبت به من به منزله هارون به موسی هستی، تنها با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد بود». صحیح مسلم، ج 7، ص 120 و 121؛ سنن ترمذی، ج 3، ص 302 303؛ مستدرک حاکم، ج 2، ص 337؛ ج 3، ص 109.

این ماجرا به «حدیث منزلت» شهرت یافته است. پیامبر حدیث منزلت را در مواقع دیگری غیر از تبوک نیز گفته است

بنا بر این، علی علیه السلام تا زمانی که زنده باشد، واجد مقام خلافت و جانشینی پیامبر است چه در غیبت کوتاه پیامبر مانند جنگ تبوک، و چه در غیبت دائمی ایشان پس از رحلت.

ص: 139

وقتی که حضرت علی برای جنگ با اصحاب جمل عازم بصره بود، پیش از حرکت به نزد جناب امّ سلّمه، همسر گرامی رسول خدا آمد تا از او خداحافظی کند.

جناب امّ سلّمه گفت:

در حفظ و پناه خداوند حرکت کن، که سوگند به خدا، تو بر حق هستی و حق همیشه با توست. اگر نبود فرمان خدا و رسولش که به ما - همسران پیامبر - فرموده اند تا خانه نشینی اختیار کنیم، همراه تو حرکت می کردم. اما عزیزترین و بهترین کسانم را که از جانم بیشتر دوستش دارم - یعنی پسر مرا - همراه تو می فرستم تا در رکاب تو بجنگد. المستدرک علی الصحیحین 3/129.

امّ سلّمه خوب می دانست که چه می گوید. او آنچه را که

گفت از پیش خود نگفت. او هم مانند بسیاری از مردم شنیده بود که پیامبر می فرمود:

رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا، اللَّهُمَّ اِدِرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ.

خدا علی را مورد رحمت خویش قرار دهد. بار الها حق را هر طور که علی گردید، همراه با او بگردان. المستدرک علی الصحیحین 3/135- سنن ترمذی 5/633.

یعنی هر کجا که علی است، حق هم آن جاست.

## 16- علی با قرآن و قرآن با علی علیه السلام

ابو ثابت، غلام ابوذر می گوید:

در جنگ جمل من در لشکر علی بودم. وقتی عایشه، همسر پیامبر را دیدم که در صف مقابل، رو در روی علی به جنگ برخاسته است، مثل عده دیگری از مردم، تردید و

ص: 141

دودلی ذهن مرا به خود مشغول داشت. تا ظهر در این تردید باقی ماندم. هنگام ظهر تردید از دلم رخت بریست و بر حقانیت علی یقین کردم و در رکاب او جنگیدم. پس از پایان جنگ به مدینه آمدم و به حضور یکی دیگر از همسران پیامبر - امّ سلمه - شتافتم، و به آن بانو عرض کردم:

نیامده ام که از شما درخواستی داشته باشم. من غلام ابوذر هستم و از جنگ جمل می آیم.

آن بانو به من خوش آمد گفت و من هم گزارش حضور خود در جبهه جنگ جمل را بیان کردم.

او به من فرمود: آن هنگام که دلها به تردید افتادند تو کجا بودی؟

من ماجرای دودلی خود را تا هنگام ظهر و سپس جنگیدن در رکاب علی را برایش تعریف کردم.

جناب امّ سلمه، پس از شنیدن داستان من، فرمود: آفرین بر تو که از یاری علی دست نکشیدی. من از پیامبر شنیدم که می

فرمود: عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. علی همیشه همراه قرآن است، و قرآن هم با علی است، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در کنار حوض کوثر بر من فرود آیند. المستدرک علی الصحیحین 3/134.

### 17- علم علی (علیه السلام)

علم و دانش علی اکتسابی نیست تا استاد برتر از خود و شاگردان و هم دوره هایی همسان خود داشته باشد، بلکه علم او «لدنی» است و و ریشه در علم الهی و آسمانی دارد، به این جهت علم او بر همه انسان های معمولی و غیر مرتبط با وحی آسمانی برتری و امتیاز دارد، و به همین جهت است که حتی در منابع اهل سنت نیز از او به عنوان «أعلم الناس» یاد شده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

1- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: أعلم امتی من بعدی

ص: 143



علی بن ابی طالب علیه السلام؛ داناترین امت من بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام، است.

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 82، حدیث 67. فراندالسمطین، جوینی، ج 1، ص 97، کفایه الطالب، الکرخی ص 332.

2- عبدالله بن مسعود می گوید، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «قُسِّمَتِ الْحِكْمَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ فَأَعْطِيَ عَلِيٌّ تِسْعَهُ وَ النَّاسُ جِزَاءً وَاحِدًا؛ حکمت (و دانش) به ده جزء تقسیم شده است و به علی نه قسمت آن و به (مابقی مردم) یکدهم داده شده است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 82، حدیث 68. و حلیه الاولیاء، ابی نعیم، ج 1، ص 64.

تمامی علوم بشری و پیشرفت های آن جزء همان یکدهم است، و علم علی علیه السلام، نُه برابر دانش تمامی بشریت است. و راز آن هم این است که ریشه در مهبط وحی الهی یعنی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله دارد، که خود فرمود: «انا مدینه

ص: 144

العلم وعلیٰ بابها، فمن أراد العلم فیأت الباب؛ من شهر علم (الهی و وحیانی) هستم و علی در آن است پس هر کس اراده دانش دارد باید از درب (شهر) وارد شود. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 91، حدیث 84. و انساب الاشراف، ج 2، ص 124.

3- عایشه درباره علیعلیه السلام، می گوید: «هو أعلم الناس بالسنه؛ او داناترین مردم نسبت به سنت (پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد. کنز العمال، همان، ج 11، ص 605، حدیث 32926. ای کاش خود عائشه به این حدیث عمل می کرد، و به توصیه های امیر مؤمنان علیه السلام توجه می کرد و جنگ جمل را به وجود نمی آورد.

4- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بعد از تزویج فاطمه به علیعلیه السلام، به دختر خود فرمود: «زوّجتک خیر اهلی، أعلمهم علماً و أفضلهم حلماً و أولهم سلماً؛ ترا تزویج کردم به بهترین بستگانم و اهلم، که از نظر دانش داناترین، و از نظر حلم

ص: 145

و بردباری برترین، و از نظر اسلام اولین می باشد.

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 319، حدیث 322.

از جاحظ که یکی از علمای عامه است، نقل شده که: فلان خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام را چهل مرتبه مطالعه کردم و در هر بار استفاده جدید کردم. قرآن هم این گونه است، که با مطالعه و تأمل و تدبّر در آیات آن انسان برداشت ها و استفاده هایی می کند که قبلاً نکرده بود.

احمدبن حنبل می نویسد: آیاتی که در شأن علی علیه السلام در قرآن نازل شده، درباره هیچ کدام از صحابه نازل نشده است.

## 19- آیا بعد از شما ما چنین خواهیم شد؟

در کتاب الموطأ حدیثی آمده که مضمونش این است:

رسول خدا به شهدای احد گفت: بر اینها من شاهد هستم و

ص: 146

شهادت می دهم، آن وقت ابوبکر گفت: یا رسول الله! آیا ما برادران آنها نیستیم، ما هم مثل آنها اسلام آوردیم و مثل آنها جهاد کرده ایم. حضرت فرمود: بله، لکن خبر ندارم که بعد از من چه چیزهایی را به وجود می آوری. با شنیدن این پیشگویی ابوبکر گریه کرد و بعد گفت: ائنا لکائنون بعدک؟ آیا بعد از شما ما چنین خواهیم شد؟ این حدیث را در کنار احادیث ارتداد و تعبیرات آن مانند «هل تدری ما احدثوا بعدک، لاتدری ما احدثوا بعدک، لاتعلم بما عملا بعدک و...» بگذاریم، نتیجه چه خواهد شد؟

امام انس بن مالک، کتاب الموطأ، ج 2، ص 462، ابن الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه، ج 15، ص 38.

## 20- ریش تو با خضاب سرخ خواهد شد

در حدیثی آمده است رسول خدا فرمود: «یا علی تغدر بک

ص: 147

بعدي الامه»؛ يا على، امت بعد از من با تو غدر مي كنند و تو بر ملت و دين من زندگي خواهي كرد و بر سنتم كشته خواهي شد. هر كس تو را دوست بدارد دوست من است و هر كس تو را دشمن بدارد مرا هم دشمن داشته و ريش تو با خضاب سرخ خواهد شد. ابوعبدالله محمد بن اسماعيل بخاري، التاريخ الكبير، ج 2، ص 174، محمد بن محمد حاكم نشابوري، المستدرک، ج 3، ص 140، گوید: اين حديث صحيح است؛ ابي باكر احمد بن علي خطيب بغدادی، تاريخ بغداد، ج 11، ص 216؛ ابن عساکر، علي بن حسن ابن هبه الله بن عبدالله، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق علي شيري، بي جا، دارالفكر، ج 42، ص 428427؛ حافظ شمس الدين ذهبي، تذكره الحفاظ، ج 3، ص 995؛ همان، ميزان الاعتدال، ج 1، ص 371؛ ابوالفداء اسماعيل بن كثير دمشقي، البدايه و النهايه، ج 6، ص 244؛ متقي هندی، نزالعمال، ج 11، ص 297، ح 3299731562.

## 21 - بامرگ جاهليت مردگان

ص: 148

احادیثی با عنوانهای: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» «من نزع یده من الطاعة... مات میتة جاهلیه» و...

در کتبی مانند مسند الطیالسی 100. طیالسی، ابن ابی داوود، سنن ابی داود، ص 259.

مسند احمد، 101. امام احمد بن حنبل، ج 1، ص 310297؛ ج 2، ص 15470؛ ج 3، ص 446445؛ ج 4، ص 96.

صحیح بخاری، 102. ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، کتاب الفتن، ح 70547053، ص 589؛ ح 7143، ص 595.

صحیح مسلم 103. مسلم بن حجاج سجستانی، ح 47934786، ص 1010.

و سنن نسائی 104. عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی، ح 4119، ص 2357.

یافت می شود. مضمون این احادیث انسان را ملزم به التزام به یک امام و یک مطاع می کند و در غیر این صورت موت او مانند موت به شرک و کفر است. اگر چنین است، کسانی که

ص: 149

بعد از رسول خدا راه دیگری رفتند و از لحاظ افکار و عقاید، گفتار و کردار با علیعلیه السلام به جنگ برخاستند و علم مخالفت و دشمنی را بلند کردند، مرگ آنها چگونه خواهد بود؟ در کنار همین احادیث دیگری هم یافت می شود.

از جمله: «من مات یغضک مات میتة جاهلیة» «من ابغضک اماته الله میتة جاهلیة» «من مات وهو یغضک یا علی مات میتة جاهلیة.»  
105. احمد بن علی بن مثنی تمیمی، مسند ابی یعلی، الموصلی.

ج1، ص403؛ طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، المعجم الاوسط، تحقیق ابراهیم حسینی، بی جا، دارالحرمین، ج8، ص40؛ همان، المعجم الکبیر، ج12، ص321؛ موفق بن احمد بن محمد مکی خوارزمی، المناقب، ص105؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج42، ص405.

## 22- در فتنه ها علی را بگیرید

احادیثی با عنوان: «ستکون بعدی فتنه فاذا کان ذلک فالزموا علی بن ابی طالب...» علی بن ابی طالب را به عنوان راه نجات و

ص:150

نجات دهنده معرفی می کند 106. موفق بن احمد مکی خوارزمی، المناقب، ص 105؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 450؛ ابن الاثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 287؛ حافظ شمس الدین ذهبی، میزان الاعتدال، ج 2، ص 2؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج 7، ص 294؛ همان، لسان المیزان، ج 2، ص 414؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 11، ص 32964، ص 612.

### 23- مودت علی واجب است

در کنار این احادیث و عناوین، در جای خود ثابت شده که مودت علی به عنوان اهل بیت واجب است.

محبت به علی واجب و بغض علی منهی عنه است. «علیُّ أحبُّ الخلائق عند الله» است. علی معیار حقیقت و حق است، علی مشمول آیه تطهیرست.

به اعتراف دانشمندان اهل سنت، در قضیه قتل عمار و خوارج، علی بر حق و حقیقت و نیز «أولی و أدنی الطائفتین

ص: 151



بالحق الى الحق» بوده است.

روایتی از ابن عباس در شواهد التنزیل آمده است: قال: «من يتولى الله (يعنى يحب الله (ورسوله) يعنى محمداً) والذين آمنوا) يعنى ويحب على بن ابي طالب (فان حزب الله هم الغالبون) يعنى شيعه الله و شيعه محمد و على هم الغالبون على جميع العباد الظاهرون على المخالفين لهم.» شيعه مساوی با شيعه خدا و رسولش هستند که بر عباد مخالف پیروزند.

#### 24- اظهار عمر بن خطاب در باره علی علیه السلام

الرياض النضره ج 2/ 412 از «عمر بن خطاب» روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچکسی به اندازه علی علیه السلام به کسب فضائل نائل نیامده است؛ فضائل آن حضرت به اندازه ای است که هر کسی

ص: 152

به حقیقت آنها برسد، او را به راه راست هدایت می کند و از گمراهی رهائی می بخشد.

«طبرانی» هم، این روایت را نقل کرده است.

## 25- دو وزنه سنگین

زید بن أرقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ائی تارک فیکم (الثقلین) ما ان تمسّکتُم به لن تضلّوا کتاب الله و عترتی أهل بیتی، انّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض. من در میان شما دو وزنه سنگین ترک می کنم، مادام که به آنها چنگ زده اید، گمراه نمی شونید، کتاب خدا (قرآن) و عترت و اهلبیتم، آنها از همدیگر جدا نمی شونند تا در حوض کوثر، بمن وارد شونند.

کمال الدین: ج 1 ص 273 ح 54 ب 22، عیون أخبار الرّضاء: ج 2 ص 62 ح 259، العمده ص 72 ب 11 ح 89، با زیادی «أحدهما أعظم من الاخر و

ص: 153

هو كتاب الله حبل ممدود من السماء الى الارض» یکی از دیگری بزرگتر است و آن هم کتاب خداست، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین است. صحیح الترمذی: ج 5 ص 663، جامع الاصول: ج 1 ص 945 و 873 و مثله 943، ینابیع الموده ص 28، أنساب الاشراف: ج 1 ص 315 ح 46، مستدرک الحاکم: ج 3 ص 109، مناقی الخوارزمی: ص 93 ب 14، تاریخ دمشق: ج 2 ص 36 ح 52، الخصائص أمير المؤمنين عليه السلام ص 93، ذخائرالعقبی: ص 16، ب فضائل اهل البيت.

## 26- اعتراض مرد همدانی به عمروعاص

الامامه و السیاسه ص 39 نقل کرده است، گویند:

مردی از قبیله همدان به نام «برد» بر معاویه وارد شد، در این هنگام «عمرو بن عاص» از حضرت علی علیه السلام نکوهش می کرد، مرد همدانی خطاب به او گفت: ای عمرو! از پیر مردان خودمان شنیده ام که رسول خدا صلی الله علیه و آله

ص: 154

فرموده است: «من كنت مولاة فعليّ مولاة» و اضافه کرد: آیا این حدیث که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است، صحیح است یا باطل، درست است یا نادرست؟ «عمرو» گفت: این حدیث صحیح و درست است. و من برای تأیید درستی آن، اضافه می کنم که مناقب و فضائل هیچیک از صحابه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، به اندازه مناقب و فضایل علی علیه السلام نیست! مرد همدانی از شنیدن آن، شگفت زده و بیمناک شد.

## 27 - مانند کشتی نوح است،

از ابی ذر رحمه الله علیه از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ائما مثل أهل بیتی فیکم کمثل سفینه نوح، من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق و مثل باب حطّه من دخله نجی و من لم یدخله هلک. همانا مثل اهلیت من در میان شما مانند کشتی

نوح است، هرکس سوار آن شود، نجات می یابد و هرکس دور بماند غرق شود و مانند درِ حطه است هرکس داخل آن شود نجات یافت و هرکس داخل نشد، به هلاکت رسید.

بشاره المصطفی: ص 106، ذخائرالعقبی: ص 20، أمالی الطوسی: ج 1 ب 12 ص 359 بدون زیاده الاخیره، و اسناد فراوان دیگر از هل سنت در باب روایات شیعه، خواهد آمد.

## 28- اگر دریاها مرکب و جنگلها قلم شوند

ابن عباس می گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لوانَّ الفیاض اقلام و البحر مداد و الجنُّ حُسابٌ و الانس کُتَّابٌ ما أحصوا فضائل علی بن ابی طالب؛ اگر انبوه جنگلها (درختان و باغها) قلم، و دریا مرکب، و تمام جنیان حسابگر، و تمام انسان ها نویسندگان باشند قادر به شمارش فضائل علی بن ابی طالب نخواهند بود این حدیث را منابع متعدد اهل سنت

ص: 156

مانند، عسقلانی، لسان المیزان، ج 5، ص 62، ذهبی، میزان الاعتدال، ص 467 و... نقل نموده است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 32، ابن شاذان، مأه منقبه، قم مدرسه الامام المهدي (عليه السلام)، ص 177، حدیث 99.

## 29- فضائل بی‌شمار علی علیه السلام

و در جای دیگر پیامبر اعظم فرمود: «انّ الله تعالى جعل لاختی علیّ فضائل لا تحصی کثره فمن ذکر فضیله من فضائله مقرباها غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ماتأخّر؛ براستی خداوند برای برادرم علی (علیه السلام) فضائل بی شماری قرار داده است که اگر کسی یکی از آن فضایل را از روی اعتقاد و اعتراف بیان نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد.

ص: 157

علیه السلام

و من كتب فضيلة من فضائله لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقى لتلك الكتابه رسم، و من استمع فضيلة من فضائله كفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالاستماع و من نظر الى كتاب من فضائله كفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالنظر، (6)6- المناقب، همان ص 32، حدیث 2؛ فراند السمطين، ج 1، ص 19، ینابیع الموده، قندوزی باب 56، مناقب السبعون، حدیث 70.

اگر کسی یکی از فضائل آن حضرت را بنویسد، تا هنگامی که آن نوشته باقی است، ملائکه برای او استغفار می کنند و اگر کسی یکی از فضائل آن حضرت را بشنود، خداوند همه گناهی را که از راه گوش انجام داده است می بخشد، و اگر کسی به نوشته ای درباره فضائل علی علیه السلام، نگاه کند، خداوند تمام گناهی که از راه چشم کرده است می پوشاند و از

ص: 158

### 31 - تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است به علی علیه السلام فرمود: «لَا يَنْبَغِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي... أَنْتَ وَليِّي فِي كُلِّ مَوْمِنٍ بَعْدِي؛ روا نیست که من از دنیا بروم و تو جانشین من نباشی.... تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن بعد از من هستی»؛ ر.ک: مسند احمد، ج 1، ص 331؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 13؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 120؛ السنن الكبرى، ج 1، ص 113.

### 32 - علی علیه السلام امیر و سر مؤمنان

از ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که آن حضرت فرمود:

ما انزل آیه فیها «یا ایُّها الذین آمنوا» و علی رأسها و امیرها؛

ص: 159



آیه ای در قرآن نازل نشده که در آن «یا ایها الذین آمنوا» آمده، مگر آن که علی در رأس آن قرار دارد. یعنی تمامی این آیات در ابتدا و قبل از همه در شأن علی و مربوط به آن حضرت است. المناقب، ص 316، حدیث 316؛ فرائد السمطين، ج 1، ص 78).

### 33- فضائل فراوان علی علیه السلام

حاکم نیشابوری از استوانه های علمی اهل سنت است در (مستدرک الصحیحین) نقل می کند از احمد بن حنبل رئیس حنبلی مذهب ها که می گوید:

ما جاء لأحد من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله من الفضائل ما جاء لعلی بن أبي طالب رضی الله عنه. فضائلی که در حق علی بن ابی طالب آمده، در حق هیچ یک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم نیامده است. (مستدرک الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج 3، ص 107).

ص: 160

ابن جوزی در مناقب احمد بن حنبل می گوید:

ما لأحد من الصحابه من الفضائل بالأسانيد الصحاح مثل ما لعلی رضی اللہ عنہ.

در باره هیچیک از صحابه، فضائلی که با سندهای صحیح در حق علی آمده، نیامده است.

(مناقب احمد بن حنبل، ص 163- تهذیب التهذیب لابن حجر العسقلانی، ج 7، ص 298 ج الإصابه، ج 4، ص 464- شواهد التنزیل للحاکم الحسکانی، ج 1، ص 27- الإستیعاب لابن عبد البر، ج 3، ص 51/

قبلا گفتیم: بسیاری از علمای اهل سنت نقل کرده اند که یک چهارم قرآن در حق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است .

### 34- حدیث طیر مشوی

روایت طیر مشوی: «اللهم! آتني بأحب خلقك إليك يأكل معي من هذا الطير فجاء علي؛ خداوند، محبوب ترین اشخاص در نزد

ص: 161

خود را حاضر کن تا این پرنده را همراه با من بخورد... ناگاه علی علیه السلام فرارسید». المعجم الكبير ابوالقاسم طبرانی: ج 7 ص 82 ح 6437، مستدرک حاکم، ج 3، ص 130 و 132؛ مجمع الزوائد هيثمی، ج 9، ص 12 و 12؟؛ کنز العمال، ج 13، ص 1 و 19؟.

محمد بن حجاج از کسانی بود که بر اثر تبلیغاتی که بر ضد علی علیه السلام براه افتاده بود، مرتبت علی علیه السلام را کوچک می شمرد. او همراه با عده ای دیگر، به عیادت انس بن مالک آمده بود. انس خادم پیامبر بود و مورد احترام مردم. در آن مجلس، سخن از علی علیه السلام به میان آمد و محمد بن حجاج علی علیه السلام را کوچک شمرد. انس که این سخن را شنید، پرسید این کیست که قدر و منزلت علی علیه السلام را نمی شناسد؟ او را کنار من بنشانید. وقتی پسر حجاج را کنار او نشانند، انس گفت: به خدا سوگند، آنچه را که می گویم راست است.

یک روز که من در محضر پیامبر بودم، امّ ایمن خادمه آن

ص: 162

حضرت، مرغی بریان آورد. پیامبر پرسید این را برای چه کسی آورده ای؟ ام ایمن عرض کرد: آن را برای شما فراهم کرده ام. پیامبر فرمود:

اللَّهُمَّ جَنَّتِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ وَالَّتِي يَأْكُلُ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّائِرِ.

بار الها! محبوبترین خلق تو نزد خودت و نزد من را برسان تا با من از این مرغ بریان بخورد.

در این هنگام صدای کوفتن در برخاست. پیامبر به من فرمود: انس، بنگر چه کسی در می زند. من پیش خود گفتم:

خدایا کاش مردی از انصار آمده باشد. وقتی در را گشودم، علی را دیدم، راستش دلم نمی خواست علی آن کسی باشد که پیامبر فرموده بود، برای همین، به علی گفتم: پیامبر مشغول کاری است و از ملاقات معذور است. این را گفتم که علی داخل خانه نشود. وقتی برگشتم، دوباره در زدند. این بار هم با خود گفتم: کاش مردی از انصار باشد. اما وقتی در را گشودم با تعجب، علی را دیدم. باز عذر او را خواستم و برگشتم. بار سوم

ص: 163

که در را کوفتند، پیامبر به من فرمود: هر کس بود او را داخل کن، تو نخستین کسی نیستی که به قوم خود علاقمند است، او از انصار نیست، او را داخل کن.

من هم رفتم و در را گشودم. علی بود و داخل شد و به دعوت پیامبر بر سر سفره نشست و همراه آن حضرت از آن مرغ بریان خورد و مشمول دعای پیامبر شد.

محمد بن حجاج که این را شنید، گفت: ای انس به راستی تو خود حاضر بودی و دیدی که چنین ماجرای رخ داد؟

انس گفت: آری من خود شاهد این ماجرا بودم.

پسر حجاج گفت: با خدای خویش عهد می بندم که از این پس، هرگز مرتبت و منزلت علی را کوچک نشمارم و هر کس که قدر و مرتبت او را نداند، علی را به او می شناسانم. (المستدرک علی الصحیحین 3/143).

البته حدیث طبر مشوی از اشخاص زیاد نقل شده مانند خود امیر مؤمنان علیه السلام، انس بن مالک، عبدالله بن عباس،

ابوسعید خدری، سفینه خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله، سعد بن ابی وقاص، عمرو بن عاص ابوالطفیل عامری بن وائله و یعلی بن مره از اصحاب و در کتابهای زیاد بزرگان اهل سنت ثبت گردیده است.

### 35- محبت و علاقه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (ع)

هر کس جامع کمالات باشد محبوب دلها نیز هست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خود محبوب عالمیان و خوبان و پاکان است، عاشق شیدای علی است، چرا که به تصریح آیه مباحله، علی جان پیامبر است «أنفسنا» و جان هر کس شیرین و دوست داشتنی است.

به همین جهت بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود:

«من أحبَّ علياً فقد أحبَّني...؛ هر کس علی را دوست بدارد به من محبت ورزیده است.»

ص: 165

کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ج 11، ص 622، حدیث 33024. باز همان، روایت 33023.

و فرمود: «محبِّکِ محبِّی و مبغضکِ مبغضی؛ دوستدار تو دوست من، و دشمن تو دشمن من است.

کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ج 11، ص 622، حدیث 33023.

شخصی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: «یا رسول الله ائتک تحبّ علیاً؟ قال: أو ما علمت انّ علیاً منّی و أنا منه؛ ای رسول خدا علیعلیه السلام را دوست می داری؟ فرمود: مگر نمی دانی که علی از من و من از اویم.

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 64.

آیا کسی جان شیرین و پاره تنش را دوست نمی دارد؟

مناقب با اسنادش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: «انّ الله عزّ و جلّ أمرنی بحبّ أربعة من

ص: 166

أصحابی و أخبرنی أنه یحبهم. قلنا: یا رسول الله من هم؟ فکلنا یحب أن یكون منهم، فقال: ألا ان علیاً منهم ثم سکت، ثم قال:

الا أن علیاً منهم ثم سکت؛ براستی خدای عزیز و جلیل مرا امر کرده است به دوستی چهار نفر از اصحاب، و خبر داد مرا که خداوند (نیز) آنها را دوست می دارد، گفتم: ای رسول خدا آنها کیستند؟ پس هر یکی از ماها دوست داریم جزو آنان باشیم.

پس فرمود: آگاه باشید علی از آنهاست، سپس سکوت کرد، دوباره فرمود: به راستی علی از آنهاست و سکوت کرد.»

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 69، حدیث 42.

### 36- اطاعت از علی (علیه السلام)

وقتی علی علیه السلام امام و پیشوای مردم است و محبوب پیغمبر، و دارای علم لدنی و الهی، و در اوج طاعت و بندگی قرار دارد، و معیار حق و باطل و ثقل جدا نشدنی از قرآن

ص: 167



بحساب می آید بر مردم است که از او و هر کس را که او تعیین نموده است اطاعت کنند، و این اطاعت لازم و ضروری است پیامبر عظیم الشان درباره اطاعت و پیروی از امیر مؤمنان تعبیرات فوق العاده ارزشمندی دارد که به نمونه هایی اشاره می شود:

### 37- براستی او مولا و سرپرست شماست

سلمان با سندش به فاطمه زهرا علیها السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «علیکم بعلی بن ابی طالب علیه السلام فانّه مولاکم فاحبّوه، و کبیرکم فاتّبعوه، و عالمکم فاکرموه، و قائدکم الی الجنّه (فعزّزوه) و اذا دعاکم فاجیبوه و اذا امرکم فاطیعوه، احبّوه بحبّی و اکرموه بکرامتی، ماقلت لکم فی علیّ -الا ما امرنی به ربّی جلّت عظمته؛ بر شما باد به (همراهی) علی بن ابی طالب علیه السلام، براستی او مولا و سرپرست شماست پس او را دوست بدارید، و بزرگ شماست پس از او

پیروی کنید و دانشمند شماسست پس از او اکرام کنید و پیشوای شما به سوی بهشت است پس او را عزیز دارید، هرگاه شما را (به کاری) دعوت کند اجابت کنید، و اگر دستور داد اطاعت کنید، بخاطر دوستی من او را دوست بدارید و به خاطر بزرگی من او را بزرگ شمارید. (بدانید) من چیزی درباره علی به شما نگفتم جز آنچه خدای بزرگ عظمت به آن امر کرده است.

کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ج 11، ص 624، حدیث 32971.

حدیث آن قدر گویا و روشن است که نیازی به هیچ توضیحی ندارد، و بالصراحه می گوید آنچه درباره علی علیه السلام سفارش شده، تماماً اوامری است که از سوی خداوند متعال صادر شده است راستی اگر جامعه اسلامی فقط به همین حدیث عمل می کردند، این همه دچار انحراف و اختلاف و انشعاب نمی شدند.

ص: 169

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به عمّار فرمود: «یا عمّار! ان رأیت علیاً قد سلک وادياً و سلک النَّاس وادياً غیره فاسلک مع علیّ ودع النَّاس انّه لن یدلک علی ردی و لن ینخرجک من الهدی؛ ای عمّار! اگر دیدی علی به راهی می رود، و مردم به راهی غیر از او، توباً علی حرکت کن، و مردم (دیگر) را رها کن، زیرا علی (فقط بر حق هدایت می کند و) بر بدی و پستی راهنمایی نمی کند و از هدایت خارج نمی سازد.

تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج 4، ص 410، و ابونعیم، حلیه الاولیاء، ج 1، ص 86.

و با تأسف باید گفت اکثریت مردم به هر راهی رفتند و سرشان به سنگ خورد، جز راه علی را. و فقط گروه خیلی در طول تاریخ با علی و راه علی و اهداف و آرمان های علی ماندند.

ص: 170

عایشه می گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وآله به حالت احتضار درآمد فرمود: ادعوا الّی حبیبی؛ محبوب مرا بخوانید، من به سراغ ابی بکر رفتم و او را احضار نمودم. وقتی ابابکر بر پیغمبر داخل شد حضرت نظری به سوی او افکند سپس از او روی گردانید و (برای مرتبه دوم) فرمود: «ادعوا الّی حبیبی؛ محبوب مرا بخوانید. آنگاه حفصه عمر را احضار کرد پیغمبر همان گونه که از ابی بکر روی گردانید از عمر نیز روی گرداند. عایشه گوید: من گفتم وای بر شما پیغمبر علی بن ابی طالب علیه السلام را می خواند، سوگند به پروردگار جز علی را نمی خواهد. پس رفتند سراغ علی علیه السلام، وقتی که پیغمبر علی را دید، او را محکم به سینه چسبانید آنگاه در گوش آن حضرت هزار حدیث بیان فرمود که هر حدیثی راهگشای هزار

حدیث بود. (در نوشته های فراوان اهل سنت).

#### 40 - علی نسبت به من مانند سر است

از ابن عباس نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «علیّ منّی مثل رأسی من بدنی؛ علی نسبت به من مانند سر است نسبت به بدن.» المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 144، حدیث 167.

صد البته که محبت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی صرف محبت عاطفی نیست بلکه بر اساس لیاقت ها و کمالاتی است که مولا علی علیه السلام دارا می باشد دلیل آن این است که خدا را باید از راهی که او می گوید شناخت و دستورات او را به کار بست و مسئله امامت یکی از مسائل مهم اعتقادی است که تبعیت از آن تبعیت از خدا و رسولش می باشد و کسی که به خدا و رسول او اعتقاد دارد باید سخنان و دستورات آن ها را

ص: 172

در زندگی خود اطاعت کند و پشت کردن به دستورات آن‌ها که یکی از آن‌ها امامت است در واقع عدم تبعیت از خدا و رسولش می‌باشد.

#### 41- عبور از صراط با جواز ولایت

از مناقب ابن المغازلی با اسنادش از انس قال: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزِ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ كِتَابٌ وَوَلَايَةٌ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (العمدة: ص 193، بحار ج 27 ص 131 ح 148 از آن).

زمانی که روز قیامت شد و صراط روی جهنم نصب گردید بر آن نمی‌گذرد مگر آن کس که نوشته‌ای بر ولایت علی بن ابی طالب داشته باشد.

اگر طالب روایات و مدارک و اسناد بیشتر هستید به خود کتابهای برادران اهل سنت مراجعه نمایید.

ص: 173

## چند روایت در باره دوستی آن حضرت

### 1- ای علی، تو را جز مؤمن دوست نمی دارد

حدثنا ابوبکر بن ابی شیبہ ناوکیع و ابومعاویہ عن الاعمش و حدثنا یحیی بن یحیی و اللفظ له اخبرنا ابومعاویہ عن الاعمش عن عدی بن ثابت عن زرّ (بن حبیش) قال: قال علی علیه السلام والذی خلق الحبه و برأ النسمة اّنه لعهد النبّی الامّیّ الّی ان لا یحبّنی الاّ مؤمن و لا یبغضنی الاّ منافق. ای علی، تو را جز مؤمن دوست و جز منافق دشمن نمی دارد.

مسلم بن حجاج سجستانی، صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب الدلیل علی ان جب انصار و علی...، ح 239، ص 692؛ عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی، سنن نسائی، کتب الایمان، علامه الایمان، ش ح 5021، ص 2411؛ قزوینی، امام

ص: 174

حافظ ابی عبدالله محمدبن یزید الربعی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تصحیح و ترتیب، شیخ صالح بن عبدالعزیز بن محمدبن ابراهیم آل الشیخ، الرياض، دارالسلام، ج3، 1421، السنه فضائل اصحاب، فضل علی (علیه السلام)، ح114، ص2492.

## 2- ترا دوست نمی دارد مگر مؤمن

أخبرنا يوسف بن عيسى... عن زبّ بن حبیش قال: قال علی علیه السلام أنه لعهد النبی الامی الیّ أنه لا یحبّک الا مؤمن ولا یبغضک الا منافق. محمدبن عیسی ترمذی، جامع ترمذی، المناقب، باب مناقب علی علیه السلام ح3726، ص2036.

علی علیه السلام فرمود: پیغمبر به من عهد نمود ترا دوست نمی دارد مگر مؤمن و دشمن نمی دارد مگر منافق.

این معنا با ادات حصر و استثنای بعد از نفی آورده شده که بیشترین تأکید را می رساند. حدیث انسانها را به دو قسمت

ص:175



تقسیم نموده و برای شناخت نفاق از ایمان و ایمان از نفاق، در زندگی انسان ها، حضرت علی علیه السلام را معیار معرفی کرده است. مؤمن واقعی حضرت علی علیه السلام را دوست می دارد و منافق واقعی حضرت علی علیه السلام را نه فقط دوست ندارد، بلکه دشمنی دارد.

### 3- منافق علی را، دوست نمی دارد

حضرت علی علیه السلام را منافق دوست و مؤمن دشمن نمی دارد.

حدثنا واصل بن عبد الاعلی بن محمد بن فضیل عن عبدالرحمن ابی النصر عن المساور الحمیری، من امه قالت:

دخلت ام سلمه فسمعتها تقول: كان رسول الله يقول: «لا يحب علياً منافق ولا يبغضه مؤمن». به محضر ام السلمه داخل شدم پس شنیدم او می گفت رسول خدا می فرمود: منافق علی را،

ص: 176

دوست نمی دارد و مؤمن او را دشمن نمی دارد.

سنائی، امام حافظ ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب، سنن سنائی، کتاب الایمان، علامه الایمان، ج 5025، ص 2411.

از حدیث استفاده می شود که گفتار رسول خدا صلی الله علیه وآله استمرار داشته و همواره می فرموده که منافق محب حضرت علی علیه السلام و مؤمن مبغض حضرت علی علیه السلام می شود.

#### 4- معیار شناخت منافقین

ما گروه انصار منافقین را به بغض حضرت علی علیه السلام می شناسیم.

حدثنا قتیبه بن جعفر بن سلیمان بن ابی هارون العبیدی عن ابی سعید الخدری، قال: اَنَا كُنَّا لَنَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ نَحْنُ مَعْشَرُ الْاَنْصَارِ لِبَغْضِهِمْ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ (علیه السلام). «گفت: ما گروه انصار، منافقین را با دشمن داشتن آنها، علی را، می شناختیم.

ص: 177

محمدبن عیسیٰ ترمذی، سنن ترمذی، المناقب، علی (علیه السلام)، ح 3717، ص 2035.

## 5- من با هرکس با شما بجنگد در جنگم

حدثنا سليمان بن عبد الجبار البغدادي حدثنا سباط بن نصر الهمداني عن السدي عن صحيح مولى ام سلمه عن زيد بن ارقم: ان الرسول (صلى الله عليه وآله) قال لعلی (علیه السلام) وفاطمه والحسن والحسين (علیه السلام): «أنا حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم. رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی وفاطمه و حسنین علیهم السلام فرمود: من با هرکس با شما بجنگد، در جنگم و تسلیم شود، تسلیمم.

محمدبن عیسیٰ ترمذی، سنن ترمذی، جامع ترمذی، المناقب باب ماجاء فی فضل فاطمه بنت محمد (صلى الله عليه وآله)، ح 3870، ص 2048؛ ابو عبد الله محمدبن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، السنه، فضائل الحسن والحسين (علیه السلام)، ص 2486.

ص: 178

روایت ذیل را ز مخشری در تفسیر الکشاف و فخر رازی در تفسیرش و سایر علمای اهل سنت نقل کرده اند.

عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً الْإِيمَانِ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يَزْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَزْفُ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ ص فُتِحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ أَوْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ

أَيُّ مَنْ رَحِمَهُ اللَّهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ بِحَارِ الْأَنْوَارِ  
الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج 23 ص 233

هر کس با محبت آل محمد از دنیا برود شهید مرده.

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد آمرزیده است توجه کنید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با توبه از دنیا رفته هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با ایمان کامل از دنیا رفته و هر کس بر محبت آل محمد بمیرد ملک الموت باو بشارت بهشت میدهد بعد از او نکیر و منکر هر کس بر محبت آل محمد بمیرد چنان با جلال او را به بهشت میبرند مانند عروسی که بخانه شوهر میرود هر کس بر محبت آل محمد بمیرد دربی از قبرش به بهشت گشوده می شود. توجه کنید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد خداوند قبر او را جایگاه زیارت ملائکه رحمت قرار میدهد هر کس بر محبت آل محمد بمیرد بر راه و روش پیامبر و جماعت مؤمنین مرده هر کس با کینه آل

ص: 180

محمد بمیرد روز قیامت که می آید بر پیشانی او نوشته است:

مأیوس از رحمت خداست. هر کس بر بغض آل محمد بمیرد کافر از دنیا رفته و هر کس بر بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

## 7- محبت علی واجب است

جابر از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرده است که پیامبر فرمود: «جبرئیل از طرف خدای عزیز و جلیل ورقه سبزی از یاس را آورد که بر روی آن (با رنگ) سفید نوشته بود:

«انی افترضت محبته علی بن ابی طالب علی خلقی عامه، فبلغهم ذلک عنی؛ المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 77، حدیث 59 برآستی من محبت علی را بر همه مردم واجب کردم و این را از طرف من (به همه) برسان. المناقب، ص 67، روایت 40؛ خوارزمی مقتل الحسین، ج 1، ص 69، ینابیع الموده، همان

ص: 181

ص 252؛ و ج 2، ص 76؛ لسان المیزان، ج 5، ص 219؛ موده القربی، شافعی همدانی، چاپ لاهور؛ ص 64؛ مناقب ابن مردویه، ص 73.

نیمه شب زمزمه ای هست بلند که مرا می گسلد بند از بند

هست جانسوزتر از ناله نی کرده صد ناله به یک زمزمه طی

چه روان بخش صدایی دارد سوز عشق است و نوایی دارد

بس که با شور و نوا دمساز است به سماوات طنین انداز است

آسمان ها همه با آن عظمت رفته زین حال فرو در حیرت

دشت و صحرا همه در بهت و سکوت که بلند است نوای ملکوت

این نوای ابدیت ازلیست شاید آهنگ مناجات علیست

نیمه شب خلوت و رازی دارد با خدا راز و نیازی دارد

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص 326، حدیث 335

ص: 182

السلام

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

راستی این شخصیت ملکوتی جهان آفرینش کیست که انسانها در شناخت او در مانده اند، عدّه ای او را تا سر حدّ خدایی بالا برده اند، و عدّه ای حتی در بندگی او شک دارند که:

در مسجد کوفه شهیدش کردند. گفتند مگر اهل نماز است علی؟!

و آن که او را حقیقتاً شناخت خدای او و رسول خدایش بود.

ص: 183



## علی را کسی جز خدا و نبی (صلی الله علیه و آله) نشناختند

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خطاب به علی (علیه السلام) فرمود: «یا علی ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری؛ ای علی! خداوند متعال را نشناخت به حقیقت شناختش جز من و تو، و تو را نشناخت آن گونه که حق شناخت توست، جز خدا و من. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 268.

و در جای دیگر فرمود: «یا علی لایعرف الله تعالی الا انا و انت و لایعرفنی الا الله و انت و لایعرفک الا الله و انا؛ ای علی! خدا را نشناخت جز من و تو، و مرا نشناخت جز خدا و تو و تو را نشناخت مگر خدا و من. محمد تقی مجلسی، روضه المتقین، ج 13، ص 273.

صاحب فضائل بی شمار پیامبری هم که علی را شناخته، اعتراف دارد که فضائل او قابل شماره و احصاء نیست، برای

نمونه به چند مطلب بعدی توجه و دقت داشته باشیم، کسی که در این مراحل قدم می زند و با بساط (حدیث بساط) در آسمان قدم می زند و با انبیاء همدوش می گردد و به جبرئیل استادی می کند و. و. و. را فقط خدا می شناسد و رسولش و بس.

### (علی با انبیاء در باطن و بامن در ظاهر)

بعث علیّ مع کلّ نبیّ سرّاً و بعث معی جهراً علی با تمامی انبیاء در باطن و با من در ظاهر برانگیخته شده است. کتاب «از مباهله تا عاشوراء» ص 302 از شرح أسماء الحسنی: ملا هادی سبزواری 1 / 28 (شرح جوشن کبیر؛ الإمام علی: أحمد رحمانی همدانی ص 86.

این روایت با تعبیرهای گوناگون آمده است که به بعضی از آنها اشاره می شود .

عن النبیّ صلی الله علیه و آله إنه قال لعلیّ علیه السلام یا علی إنّ الله تعالی قال یا محمد بعثت علیاً مع الأنبیاء باطناً و معک ظاهراً پیغمبر

ص: 185

فرمود: ای علی خداوند گفت: ای محمد من علی را با پیامبران در باطن فرستادم و با تو در ظاهر. (أنوار التعمانيّة جزائری: ج 1 / 30 ؛ الإمام علی: ص 86 از همان مصدر) وقال صلى الله عليه وآله ما من نبيّ إلاّ وبعث معه عليّ باطناً و معي ظاهراً نبود پیغمبری مگر اینکه علی در باطن و با من در ظاهر بود (المجلی ابن ابی جمهور: ص 368 ؛ الإمام علی: ص 86). قال جبرئیل علیه السلام للّنبیّ صلى الله عليه وآله إنّ الله بعث علیّاً مع الأنبياء باطناً وبعثه معك ظاهراً جبرئیل به پیغمبر گفت: همانا، خداوند علی را با انبیاء در باطن و با تو در ظاهر برانگیخته کرد (قصص الأنبياء جزائری ص 105 بنقل از کتاب «القدسیات» نوشته یکی از علماء اهل سنت).

امام صادق علیه السلام: كان عليّ عليه السلام مع رسول الله في غيبته و لم يعلم به أحد

علی با رسول خدا در پنهانی اش بود که کسی از آن اطلاعی نداشت. بحار الأنوار: 18 176. این روایت با تعابیر گوناگون در همان مصدر آمده است.

ص: 186

باز از امام صادق است علیه السلام «قال اکتتم رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ بمکہ مختفياً خائفاً خمس سنین (ثلاث سنین، غیبہ الطوسی 216) لیس یظهر أمره و علیّ معه و خدیجه، ثم أمره اللہ أن یصدع بما أمر به، فظهر رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و أظهر أمره. (همان مصدر از کمال الدین: ص 197).

این روایت یکی از مشکلات اخبار و غوامض أَسْرار امیر مؤمنان علیه السلام است مانند تعلیم جبرئیل به پاسخ سؤال خداوند « من أنا و من أنت من کیم و تو کیستی؟! پس از سه بار تکرار سؤال و ناتوانی جبرئیل از جواب، علی علیه السلام از دریائی (دریای، علم یانور، یا هر دریائی که خدا می داند) ظاهر شد و به جبرئیل گفت: بگو أنت الرّبّ الجلیل و أنا عبدک الدلیل و اسمی جبرئیل، و روایتی که یکی از جنیان در محضر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بود امیر علیه السلام را که، دید کوچک و کوچکتز شد حضرت سبب ترس او را پرسید؟ عرض کرد ای رسول خدا ما جنیان که از اطراف سلیمان بن داود پراکنده همین جوان، مارا گرفته و با ذلت و خواری جلوی تخت سلیمان می افکند،

این گونه روایات، کاشف از مقام های ملکوتی و لاهوتی مولا امیر مؤمنان علیه السلام است که برای هر صاحب عقلی

دلیل روشن و برهان شفاف بر ولایت الهیّه اوست .

برای مزید اطلاع به گوشه ای از روایت شب معراج فقال الله:

یا محمد قال لیبیک ربی، قال: من لا یمتک من بعدک؟ قال: الله أعلم قال علی بن ابی طالب امیر المؤمنین و سید المسلمین و قائد الغرّ المحجّلین سپس امام صادق فرمود: یا ابا محمد والله ما جائت ولا یه علی علیه السلام من الارض و لکن جائت من السماء مشافهه. اصول کافی ج 1 ص 443 روایت 13. پس خداوند فرمود:

ای محمد، گفت لیبیک خدای من، فرمود: بعد از تو کیست برای اُمّت؟ گفت: خدا می داند فرمود: علی بن ابی طالب امیر مؤمنان و آقای مسلمانها و سرور بزرگان نشاندار.

ابی حمزه گفت: شنیدم ابا جعفر علیه السلام می فرمود: أوحی الله الی محمد صلّی الله علیه و آله انّی خلقتک ولم تک شیئا و نفخت فیک من روحی کرامتا منّی أکرمتک به حین أوجبت لک الطاعه علی خلقی جمیعا، فمن أطاعک فقد أطاعنی و من عصاک فقد عصانی و أوجبت ذالک علیّ و فی

ص: 188

نسله ممتن اختصاصه منهم لِنفسی خداوند. به محمد وحی فرستاد، من ترا چیزی نبودی آفریدم و از روح خودم، روی کرامتی از من، بتو دمیدم و ترا با آن گرامی داشتیم هنگامی که اطاعت ترا به همه آفریده هایم، واجب نمودم، پس هرکس ترا اطاعت نماید مرا اطاعت کرده و هرکس به تو نافرمانی کند مرامعصیت کرده و این (مقام) را به علی و نسل او، واجب کردم از آنانکه او را برای خودم، اختصاص داده ام. اصول کافی ج 1 ص 440 روایت 4.

پس، از دیدگاه قرآن و شیعه شرط اصلی پذیرش اعمال قبول ولایت است برای مزید اطلاع به نمونه هائی از آیات و روایات در این باره توجه نمائید: البته این روایات هرکدام در مدارک و اسناد زیاد، ضبط گردیده و ما فقط برای نمونه یکی، و دوتا را آورده ایم.

ص: 189

## 1- این علی برادر و وصی و وزیر من است

سلمان فارسی گوید: شنیدم رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہم فرمود: یا معشر المهاجرین و الانصار الأدلکم علی ما ان تمسکتکم به لن تضلوا بعدی أبدا؟ قالوا بلی یارسول اللہ، قال هذا علیّ أخی، و وصیّی و وزیر و وارثی و خلیفتی، امامکم فأحبّوه لحبّی و أکرموه لکرامتی، فانّ جبرئیل أمرنی أن أقول لکم. ای گروه مهاجرین و انصار، آیا راهنمایی نکنم شما را به چیزی که اگر به آن چنگ بزنید، ابدا بعد از من گمراه نمی شوید؟ گفتند:

بلی ای رسول خدا، فرمود: این علی برادر من و وصی و وزیر و وارث و جانشین من است، امام شماست، او را دوست بدارید بخاطر دوستی من و اورا گرامی بدارید برای گرامی داشتن من، همانا جبرئیل مرا امر کرد این سخنان را بشما بگویم.

أمالی الصدوق: 385 مجلس 21/72، أمالی الطوسی: ج 1 المجلس 227/8، نوادر الاخبار: ص 122.

## 2- او صدیق اکبر است

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در بارہ علی علیه السلام فرمود: **انّ الصّدّیق الاکبر و هو الفاروق یفرّق بین الحق و الباطل، من أحبّه هداه اللّٰه و من أبغضه، أبغضه اللّٰه و من تخلّف عنه محقه اللّٰه. او صدیق اکبر و جدا کننده بین حق و باطل است، هر کس او را دوست بدارد، خدا او را هدایت می کند، و هر کس او را دشمن بدارد، خدا او را دشمن می دارد، و هر کس از او تخلف نماید، خدا او را ذلیل (و نابود می نماید. أمالی الصدوق: 180/ب 38/ح 37.**

## 3- علی جدا کننده میان حق و باطل

در روایت ابن عباس از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود:

معاشر الناس انّ علیاً صدیق هذه الامّة و فاروقها و محدّثها، انّ



هارونها و یوشعها و آصفها و شمعونها، اَنَّهُ باب حَطَّتْهَا و سفینه نجاتها، اَنَّهُ طالوتها و ذوقنیها، معاشرالتَّاس اَنَّهُ محنه الوری و الحجه العظمی و الایه الکبری و امام اهل الدنیا و العروه الوثقی الحدیث. ای گروه مردم همانا علی راستگوی و جدا کننده میان حق و باطل و سخنگوی آن است، اوست هارون (موسی) و یوشع (بن نون) و آصف (بن برخیا) و شمعون (بن حمون عیسای) این امت است.

او دَرِ حَطَّه (گناهریز) و کشتی نجات و طالوت (فرمان روا از سوی خدا) و ذوالقرنین (امیر) این امت است.

ای گروه مردم او بزرگ جهان و حجت عظمای خدا و نشانه کبرای و امام مردم دنیا و ریسمان محکم (خداست) تا آخر حدیث أمالی الصدوق: 35/المجلس 4/8 ضمن حدیث طولانی، مشارق أنوار الیقین:

56. کنزالفوائد: 68/1 با اختلاف کمی: نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص 122 بنقل از آنها.

ص: 192

#### 4- برادرت علی را به خلافت راضی شدم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند در معراج بمن فرمود: ...فانّی رضیت لک عبداً، و حبیباً و رسولا و نبیّاً و بأخیک علیّ خلیفه و بابا فیهو حجّتی علی عبادی و امام لخلقّی... من ترا برای بندگی و دوستی و فرستادگی و نبوت (خبر دهنده از سوی خودم) راضی شدم، و برادرت علی را به خلافت و دَرِ (خودم راضی شدم) پس او حجّت من است بر بندگانم و امامت خلقم است.

أمالی الصدوق: 504/المجلس 4/92، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص 119 بنقل از آن.

#### 5- علی را برای او برگزیدم،

امام رضا از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از خدای عزّ و جلّ فرمود: انّی

ص: 193

أنا الله لا اله الا أنا خلقت الخلق بقدرتي، فاخترت منهم من شئت من أنبيائي و اخترت من جميعه محمدا(صلى الله عليه و آله) حبيبا و خليلا و صفيّا، فبعثته رسولا الى خلقى، واصطفيت له عليّا فجعلته له أخوا و وصيّا و وزيرا و مؤدّيا عنه بعده الى خلقى و خليفتي على عبادى ليبيّن لهم كتابى و يسير فيهم بحكمى.... منم خدائى كه جز من خدای دیگری، وجود ندارد، مخلوقات را با قدرت خود، آفریدم پس از میان آنها، انبیایم را، اختیار کردم و از میان همه آنها محمد را به حبیبی و خلبلی صفیّ خودم اختیار کردم، پس او را فرستاده از سوی خودم، برای مخلوقاتم مبعوث نمودم، و علی را برای او برگزیدم، و او را برای او، برادر و وصی و وزیر و انجام دهنده کارها بعد از او بر مخلوقاتم و خلیفه خودم بر بندگانم، قرار دادم، تا برای آنها کتاب (قرآن) مرا بیان کند و در میان آنها با حکم من، رفتار نماید.

أمالی الصدوق: 134/المجلس 28/ح 10، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص 119 بنقل از آن.

ص: 194

امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی أنت منی بمنزله هبه الله من آدم و بمنزله سام من نوح و بمنزله اسحاق لایهیم و بمنزله هرون من موسی و بمنزله شمعون من عیسی الا أنه لا نبی بعدی، یا علی أنت وصی و خلیفتی فمن جحد وصیتک و خلافتک، فلیس منی و لست منه فأنا خصمه یوم القیامه، یا علی أنت أفضل أمتی فضلا و أقدمهم سلما و اکرمهم علما و أوفرهم حلما و أشجعهم قلبا و أسخاهم کفا، یا علی أنت الامام بعدی و الامیر، و أنت الصاحب بعدی و الوزیر، و مالک فی أمتی من نظیر یا علی أنت قسیم الجنه و النار، بمحببتک یعرف الابرار من الفجار و یمیز بین الاشرار و الاخیار و بین المؤمنی و الکفار. ای علی تو برای من بمنزله هبه الله (وصی) از آدم و سام بن نوح برای نوح و در درجه اسحاق برای ابراهیم و مانند

هارون برای موسی و در مقام شمعون برای عیسی، هستی ولی پس از من پیغمبری وجود ندارد.

ای علی، تو وصی و جانشین منی، پس هرکس وصایت و خلافت ترا انکار نماید، پس او از من، و من از او نیستم و من دشمن او در قیامت هستم.

ای علی تو افضل امت من هستی از نظر فضل و جلوتر از آنهایی از جهت تسلیم (به حق) و بالاتری از جهت علم و حلیم تر و شجاعترین آنهایی از جهت قلب سخی ترین امتی از نظر گشاده دستی.

ای علی توئی، امام و امیر بعد از من، و صاحب خلافت و وزیر پس از منی، در امت من، مانند تو نیست، ای علی تو تقسیم کننده بهشت و جهنمی، با محبت تو ابرار از فجّار شناخته می شود، و (با محبت تو) میان اشرار و اخیار و مؤمن از کفّار، تمییز داده می شود. أمالی الصدوق: 47/المجلس 11/ح 4، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص 119 بنقل از آن.

ص: 196

## 7- خلیفه و حجّت خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انّ علیاً امیرالمؤمنین بولایه من الله تعالی عقدها له فوق عرشه و أشهد علی ذالک ملائکته، انّ علیاً خلیفه و حجّه الله و أنّه لامام المسلمین.... همانا علی امیر مؤمنان است، با ولایت خدای تعالی، این مقام را برای او، در بالای عرش، گره زده و فرشتگان را، بر این امر، شاهد گرفته که علی خلیفه و حجّت خدا و امام، مسلمانهاست. أمالی الصدوق: 113/ب 27/ح 8، معالم الزلفی: ص 25.

## 8- ای علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی

امام صادق علیه السلام از پدرانش از علی علیهم السلام از رسول

ص: 197

خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: یا علی أنت أخی و وارثی و وصیی و خلیفتی فی أهلی و أمّتی، فی حیاتی و بعد مماتی، محبّک محبّی و مبغضک مبغضی، یا علی أنت و أنا أبوا هذه الامّة یا علی أنت و أنا و الائمه من ولدک ساده فی الدنیا و ملوک فی الاخره، من عرفنا فقد عرف اللّٰه و من أنکرنا فقد أنکر اللّٰه عزّ و جلّ.

ای علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی در خانواده و در امّت، در زندگی و بعد از مرگ من، دوستدار تو دوست من و دشمن تو دشمن من است، ای علی تو و من پدران این امّتیم، ای علی تو و من و امامان از فرزندان تو، سادات (و بزرگانیم) در دنیا و پادشاهانیم در آخرت، هر کس ما را بشناسد، یقین خدا را شناخته و هر کس ما را انکار نماید، خدای عزّ و جلّ را، انکار کرده است. أمالی الصدوق: 523/المجلس 94/ح 6، نوادر الاخبار:

فیض کاشانی ص 121 بنقل از آن.

ص: 198

## 9 - کسی را بالاتر از علی شمردن کفرست

ابن عمر گفت: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: من فضّل أحدا من أصحابی علی علیّ فقد کفر. هرکس احدی از اصحاب مرا، بر علی، تفضیل دهد، بتحقیق کافر شده است. (أمالی الصدوق: 523/المجلس 94/ح 4، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص 121 بنقل از آن.

## 10 - نبوت مرا انکار کرده

ابن عباس گفت: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: من أنکر امامه علیّ بعدی کان کمن أنکر نبوتی، و من أنکر نبوتی کمن أنکر ربوبیّه ربّی عزّ و جلّ. هرکس امامت علی را بعد از من منکر شود مانند آنست که نبوت مرا انکار کرده و هرکس نبوت مرا منکر شود مانند کسی است که ربوبیت پروردگرم را انکار نموده است. (أمالی الصدوق: 523/المجلس 94/ح 5، نوادر الاخبار:

ص: 199



### 11 - نزدیکیست از دنیا بروم

از امیرالمؤمنین علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ائی امرؤ مقبوض و أوشک أن ادعی فأجیب، و قد ترکت فیکم التقلین أحدهما أفضل من الآخر کتاب الله و عترتی أهل بیتی، فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض. من مرد گرفته شده ام و نزدیک است مرا بخوانند و جواب دهم (و از دنیا بروم) و در میان شما دو وزنه سنگین، ترک می کنم یکی از دیگری، افضل است، کتاب خدا (قرآن) و عترت و اهلیتیم، آنها از همدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر، بمن وارد شوند. کمال الدین: ج 1 ص 236 ح 49 ب 22 و 237، ذخائرالعقبی: ص 16 ب فضائل أهل البیت.

### 12 - دو وزنه سنگین

زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ائی

ص: 200

تارک فیکم (الثقلین) ما ان تمسّکتکم به لن تضلّوا کتاب اللّٰه وعترتی اهل بیّتی، انّهما لن یفترقا حتّٰی یردا علیّ الحوض. من در میان شما دو وزنه سنگین ترک می کنم، مادام که به آنها چنگ زده اید، گمراه نمی شونید، کتاب خدا (قرآن) و عترت و اهل بیت، آنها از همدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر، بمن وارد شوند.

کمال الدین: ج 1 ص 273 ح 54 ب 22، عیون أخبار الرّضاء: ج 2 ص 62 ح 259، العمده ص 72 ب 11 ح 89، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص 123 و اسناد فراوان دیگر که تعدادی از آنها در باب روایات اهل سنّت گذشت.

### **13- مانند کشتی نوح است،**

از ابی ذر رحمه اللّٰه علیه از رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود:

انّما مثل اهل بیّتی فیکم کمثل سفینه نوح، من رکبها نجی و من تخلّف عنها غرق و مثل باب حطّه من دخله نجی و من لم یدخله

ص: 201

هَلَك. هَمَانَا مِثْلَ اَهْلِيَّتِ مَنْ دَرِ مِيَانِ شَمَا مَانَدِ كِشْتِي نُوْحِ اسْت، هِرْكَسِ سَوَارِ اَنْ شُوْد، نِجَاتِ مِي يَابَدِ وَ هِرْكَسِ دُوْرِ بَمَانَدِ غَرَقِ شُوْدِ وَ مَانَدِ دَرِ حَطَّةِ اسْتِ هِرْكَسِ دَاخِلِ اَنْ شُوْدِ نِجَاتِ يَابَدِ وَ هِرْكَسِ دَاخِلِ نَشَدِ، بِهِ هَلَاكَتِ رَسِيْدِ.

أَمَالِي الطُّوسِي: ج 1 ب 12 ص 359 بدون زياده الاخير، بشاره المصطفى:

ص 106، ذِخَائِرِ الْعَقَبِيِّ: ص 20 بدون (مابعدغرق) و اضافه «و من تعلق بها فاز و من تخلف عنها زج في النار»، و هرکس به آن آویزان شود، رستگار شد و هرکس عقب مان به آتش سرنگون شد. جامع الاخبار: ص 198، دعائم الاسلام: ج 1 ص 80، مناقب الامام أميرالمؤمنين عليه السلام ص 132 ح 173 و 174 و 175 و 176 و 177، وفي الاخير زياده «و من قاتلنا في آخرالزمان فكأن قاتل مع الدجال»، الصواعق المحرقة: ص 234، ينابيع الموده: ص 28، أرجح المطالب: ص 330: خطيب در تاريخ البغداد: ج 12 ص 91، ابن كثيرالدمشقي در تفسيرش: ج 9 ص 115 الخصايع الكبرى: ج 2 ص 266، مستدرک حاکم: ج 3 ص 150 و ج 2 ص 343، طبرانی در المعجم الكبير: ص 130 و 131، المعجم الصغير: ص 78، خطيب تبریزی در

ص: 202

مشکاه المصابیح: ص 573، حلیه الاولیاء: ج 4 ص 306، میزان الاعتدال: ج 1 ص 224 و ج 1 ص 482 ح 182، المعارف ابن قتیبه: ص 86، و عیون الاخبار ابن قتیبه: ج 1 ص 211، تاریخ الخلفاء: ص 573، منتخب کنز العمال: ج 5 ص 91، الکنی والاسماء: للحافظ الدولابی ج 1 ص 76، نوادر الاخبار فیض کاشانی: ص 122.

#### 14- ولایت سبب قبولی نماز است ؟

در حدیثی امام زین العابدین علیه السلام در پاسخ کسی که پرسید چه چیزی سبب قبولی نماز است ؟ فرمودند: « وَلاَیْتِنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا » بحار الأنوار: ج 81، ص 244 ولایت ما اهل بیت، و برائت از دشمنان ما. بنابراین شرط قبولی نماز هم، ولایت است.

#### 15- عملی برای او، بالا نمی رود

در حدیث دیگر می خوانیم: «فمن لم یتولنا لم یرفع الله له

ص: 203

عملاً، کافی: ج 1 ص 430.

هر کس ولایت ما را نپذیرد، خدا عملی برای او، بالا نمی برد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: ما «باب الله» هستیم و راه خدا از طریق ما معرفی و شناخته می شود. کافی: ج 1، ص 193 و 145.

## 16 - ولایت با تقوی

امام باقر علیه السلام می فرماید: «و ما تنال و لایتنا الا بالعمل و الورع» به ولایت ما رسیده نمی شود، مگر با عمل و تقوا. کافی، ج 2، ص 75، بحار الانوار، ج 71، ص 187. پس شرط قبولی کلّ عبادات هم، ولایت (با تقوا) است.

چرا کسی که ولایت امامان علیهم السلام را قبول نداشته باشد اعمال او پذیرفته نمیشود و باید پذیرش اعمال در گرو پذیرش ولایت باشد؟!.

ص: 204

زیرا از دیدگاه قرآن و شیعه و از نظر آیات و اخبار، برای ما این دستور را داده است.

## **17- اگر بنده ای در روز قیامت عمل هفتاد پیغمبر را**

بیاورد

امام سجاد علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله که آن وجود مقدس صلی الله علیه و آله فرموده اند: ... قسم به آن کس که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست او است اگر بنده ای در روز قیامت عمل هفتاد پیغمبر را بیاورد خداوند از او نپذیرد تا خدا را به ولایت من و اهل بیتم (علیهم السلام) دیدار کند

(أمالی مفید، ص 115، ناشر، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، 1413 ق).

## **18- نخستین چیزی که پرسیده خواهد شد**

امام صادق علیه السلام هم فرموده است: نخستین چیزی که

ص: 205

از بنده به هنگامی که در پیشگاه خدا می ایستد، پرسیده می شود از نمازهای واجب و زکات واجب و روزه واجب و حج واجب و از ولایت ما اهل بیت علیهم السلام است که اگر اقرار به ولایت ما کرده و بر آن مرده باشد نماز و روزه و زکات و حجش پذیرفته می شود و اگر در پیشگاه خدا جل جلاله بر ولایت ما اقرار نکند خدای عزوجل چیزی از اعمالش را نخواهد پذیرفت.

(مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 27، ص 167، نشر اسلامیه، تهران، سال چاپ، مختلف، نوبت چاپ، مکرر).

### **19- ایمان بنده ای قبول نشود مگر با قبول ولایت او**

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:.... و لا یقبل الله ایمان عبد إلا بولایته و البراءه من أعدائه»؛ و خداوند متعال ایمان بنده ای

ص: 206

را قبول نمی کند، مگر اینکه ولایت او (حضرت علی علیه السلام) را داشته باشد و از دشمنان او بیزار باشد.

(امالی شیخ صدوق، ص 138؛ ارشادالقلوب، ج 2، ص 209، مأه منقبه، ص 176؛ کنزالعمال، ج 11، ص 1؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 114؛ کشف الیقین، ص 4؛ کشف الغمه، ج 1، ص 112؛ بناء المقالة الفاطمیه، ص 369؛ تأویل الآیات، ص 844 و..).

## 20 - عمل منکر ولایت قبول نمی شود

خدای عزوجل در شب معراج فرمود: یا محمد؛ لو أن عبداً من عبادي عبدني حتى ينقطع أو يصير كالشن البالي ثم أتاني جاحداً لولائتكم ما غفرت له أو يقر بولائتكم. ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم، مرا آن چنان عبادت کند که بمیرد یا همچون مشک خشک گردد سپس نزد من آید در حالی که ولایت شما را انکار کند او را نمی بخشم یا به ولایت شما اقرار نماید. ر.ک: الجواهر السنیه، ص 313.

ص: 207



## 21 - خدا عمل کسی را نمی پذیرد تا از حبّ علی

سؤال کند

.... پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بر تو باد به مودت و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام. «و الذی بعثنی بالحق نبیاً لا یقبل الله من عبد حسنه حتی یسأله عن حب علی بن أبی طالب (علیه السلام)». «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هیچ بنده ای حسنه ای از آن قبول نمی شود تا اینکه درباره دوستی علی علیه السلام از او سؤال می کنند و خداوند تبارک و تعالی هم خود به همه امور آگاه است.

## 22 - شک در علی کفر به خداست

.... ای ابن عباس! اگر می خواهی خدا را ملاقات کنی در حالی که از تو راضی باشد، پس راه علی بن ابی طالب علیه السلام را طی کن و با او به هر سمتی رفت، حرکت کن. و راضی

ص: 208

باش از کسی که علی علیه السلام را پیشوای خود قرار داده و دشمن بدار هر کس که او را دشمن می دارد و دوست بدار هر کس که علی علیه السلام را دوست می دارد.

«یا ابن عباس؛ احذر أن یدخلک شک فیه فإن الشک فی علی (علیه السلام) کفر باللّه تعالی»؛ ای ابن عباس! بترس از اینکه در مورد علی (علیه السلام) شک کنی که همانا شک در مورد او کفر به خداوند تبارک و تعالی است.

أمالی شیخ طوسی، ص 104؛ الثاقب فی المناقب، ص 142، ح 135؛ بشاره المصطفی، ص 41؛ الفضایل ابن شاذان، ص 5؛ کشف الغمه، ج 1، ص 380؛ کشف الیقین، ص 462؛ تأویل الآیات، ج 1، ص 276، ح 6؛ المحتضر، ص 107؛ بحار، ج 18، ص 370، ح 77؛ مدینه المعاجز، ج 2، ص 9، ج 353.

### 23- آگاه باش اگر مردی

امام باقر علیه السلام می فرماید:

أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ

ص: 209

حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلَا يَهْ وَلِيَّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ.

(کلینی، محمد، کافی، ج 2، ص 19).

آگاه باش اگر مردی شب ها را بعبادت بپا خیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش بحج رود، و امر ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، برای او از ثواب خدای جل و عز حقی نیست.

#### 24 - اسماء ائمه عليهم السلام

ابی سلمی، چوپان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: شبی که به معراج برده شدم خداوند جل ثنائه به من فرمود:

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ؛ (ایمان آورد رسول به آنچه از طرف پروردگارش به سوی او نازل شد).

ص: 210

من هم گفتم: وَ الْمُؤْمِنُونَ؛ ایمان آوردیم.) خداوند فرمود:

راست گفתי ای محمد؛ چه کسی را برای امتت جانشین خود قرار داده ای؟ گفتم: بهترین از امتم را. خداوند فرمود: علی بن ابیطالب علیه السلام را. گفتم: بله.

خداوند فرمود: ای محمد! من اطلاعی دقیق از زمین و احوال آن دارم، پس تو را از روی آن اختیار کردم و اسمی از اسامی خودم را برای تو جدا کردم و به خاطر همین در هیچ جایی مرا یاد نمی کنند، مگر اینکه ذکر تو هم با من خواهد بود؛ من محمود هستم و تو هم محمد. و علی علیه السلام را هم انتخاب کرده و برای او هم

اسمی از اسامی خود جدا کردم؛ من اعلی هستم و او هم علی.

یا محمد؛ اِنِّی خَلَقْتُکَ وَ خَلَقْتُ عَلِیاً وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ (من سنخ نوری و عرضت و لایتم علی اهل السماوات و الارضین؛ فمن قبلها کان عندی من المؤمنین و

ص: 211

من جحدها کان عندی من الکافرین.

ای محمد! من تورا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام را از سنخ نور خود خلق کردم و (ولایت) شما را بر اهل آسمان و زمین عرضه کردم. پس هر کس ولایت شما را قبول کند نزد من از مؤمنین خواهد بود و هر کس منکر ولایت شما شود نزد من از کافرین خواهد بود.

یا محمد؛ لو أن عبداً من عبادی عبدنی حتی ینقطع أو یصیر کالشن البالی ثم أتانی جاحداً لولایتکم ما غفرت له أو یقر بولایتکم. ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم، مرا آن چنان عبادت کند که همچون مُشک پوسیده گردد پس نزد من آید در حالی که ولایت شما را نداشته باشد او را وارد بهشت نخواهم کرد.

بعد از این خداوند متعال فرمود: ای محمد! آیا دوست می داری که اهل بیت و جانشینان خود را ببینی؟ گفتم: بله پروردگارا.

ص: 212

پس فرمود: نگاه کن به جانب راست عرشم. من نگاه کرده و دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و المهدی علیهم السلام را که در اوج نور بودند در حالی که همگی آنها در حال نماز بودند و مهدی علیه السلام در وسط آنها مانند ستاره ای فروزان، کوکبِ دریدرخشش داشت. نور، آیه 35.

پس خداوند متعال فرمود: یا محمد؛ هؤلاء الحجج و هو الثائر من عترتك. و عزتی و جلالی؛ إنه الحجج الواجبه لأولیائی و المنتقم من أعدائی. ای محمد! اینان حجتهای من می باشند و مهدی علیه السلام هم انقلابی ای از عترت توست که خون خواه عترت تو می باشد؛ قسم به عزت و جلالم، مهدیعلیه السلام امام واجب الطاعت برای دوستان من می باشد و او کسی است از دشمنان من انتقام می گیرد.

(الغیبه، ص 95؛ مأه منقبه، منقبه 17، ص 38؛ الربعون حدیثاً، منتجب الدین

ص: 213

بن بابویه، ص 4؛ الطرائف، ص 173؛ شیخ البطحاء ابوطالب (علیه السلام)، ص 31؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 143؛ غایه المرام، ج 7، ص 78؛ مکیال المکارم، ج 1، ص 65؛ شرح احقاق الحق، ج 5، ص 46؛ بحار، ج 36، ص 216؛ الزام الناصب، ج 1، ص 163؛ الشهب الثاقب، ص 66؛ الجواهر السنیه، ص 312؛ مدینه المعاجز، ج 2، ص 312، ح 575؛ الاربعین شیخ ماحوذی، ص 212.

در اعتبار این روایت همین بس که عالمان بزرگ حدیث، چه از شیعه و چه از اهل عامه این روایت را در کتب معتبر خود نقل کرده اند. در کتب معتبر شیعی عالمانی همچون شیخ طوسی رحمه الله، سید بن طاووس و از اهل سنت، خوارزمی و قندوزی این روایت را نقل کرده و دیگران نیز به طریق آنها، به نقل آن در کتب روایی خود اهتمام داشته اند.

شیخ حرّ عاملی رحمه الله در مورد این روایت گوید:

«دلالت این حدیث شریف بر اثبات امامت اثنا عشری، واضح تر و روشن تر از همه آن ادله قبلی است (که برای اثبات امامت آوردم). الجواهر السنیه، ص 313.

ص: 214

يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله و الرسول ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الآخر ذلك خير و احسن تاويلاً. نساء/59

ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا اطاعت کنید و نیز از رسول و صاحبان امر (دین) خود اطاعت ورزید. پس اگر در چیزی نزاع کردید، (داوری) آن را به خدا و رسول و انبیا، (البته) اگر به خدا و جهان آخرت ایمان دارید. این (کار برای شما) بهتر است و سرانجام نیکوتری دارد.

در تفسیر البرهان ده ها روایت از منابع اهل بیت علیهم السلام در ذیل این آیه آمده است که می گوید: آیه مزبور درباره علی علیه السلام یا آن حضرت و سایر ائمه اهل بیت علیهم السلام منازل شده و حتی در بعضی از روایات نام دوازده امام علیه السلام یک آمده است. تفسیر برهان، ج 1، ص 381 ج 387.

گفته اند که آیه اولی الامر درباره حضرت علی علیه السلام منازل شده است.

جابر بن عبدالله انصاری صحابی بزرگ پیامبر می گوید:

ص: 215



وقتی این آیه بر پیامبر نازل شد، پرسیدم: ای رسول خدا، ما خدا را شناختیم و فهمیدیم رسولش کیست تا اطاعتشان کنیم، اما اولوالأمری که خداوند اطاعت آنها را با اطاعت شما قرین کرده است، چه کسانی هستند؟

جابر به درستی فهمیده بود که پرسش خود را از چه کسی باید پرسد. همو که با کلام خدا و آهنگ وحی آشنایی کامل دارد و سخنی هم از سرهوی و هوس نمی گوید.

«اولوالامر» برای او کلمه ای غریب و ناآشنا بود. چرا که مصادیق بارز و مشخصی برای آن نمی شناخت و مهمتر از آن اینکه اطاعت آنها، همدوش اطاعت از رسول خدا شمرده شده بود و هیچگونه قید و شرطی هم برای آن ذکر نگردیده بود.

پس بهترین کار را جابر انجام داد که از شخص پیامبر پرسید و از پیش خود رأی و نظری نداد. نگفت باید به سلیقه خود در آیه تدبّر کنم و تفسیری دلخواه از آن بیابم و مراد خدا را کشف نمایم. هر چند خداوند در جای دیگر به تدبّر در آیات خود

امر کرده است، اما روشن است که این تدبیر باید به راهنمایی و دلالت راه یافتگان و هدایتگران الهی و در پرتو کلام آنها، صورت پذیرد تا از هر گونه خطا و انحرافی مصون باشد.

رسول خدا صلی الله علیه وآله در مقام پاسخ به جابر فرمود:

ای جابر، آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان پس از من هستند که نخستین آنها «علی بن ابیطالب» است سپس «حسن» و پس از او «حسین» صاحبان امرند. پس از آنان، «علی بن الحسین» و سپس «محمد بن علی» است که در تورات او را باقر نامیده اند، و توبه دیدار او نایل خواهی شد. آنگاه که او را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان. پس از او «جعفر بن محمد» ملقب به صادق و سپس «موسی بن جعفر» و «علی بن موسی» هستند. آنگاه نوبت به «محمد بن علی» و پس از او به «علی بن محمد» و «حسن بن علی» خواهد رسید. سپس هم نام و هم کینه من و حجت خدا در زمین و بقیه او در میان بندگانش، فرزند

ص: 217

حسن بن علی، صاحب امر خواهد شد. او همان کسی است که خداوند متعال به وسیله او دین خود را در سراسر جهان فراگیر می کند. او غیبتی طولانی خواهد داشت و پیروان او در آن زمان با این امر امتحان می شوند، اما آنها بر اعتقاد و ایمانشان نسبت به امامت او پا بر جا و استوارند.

آنگاه جابر می پرسد: آیا پیروان او در آن زمان از وجود او بهره می برند؟

رسول خدا در پاسخ می فرماید:

به خدایی که مرا به پیامبری برگزید، سوگند می خورم که آنها از پرتو نور ولایت او بهره می برند همچنانکه از نور خورشید بهره مندند، اگر چه پشت ابرها پنهان باشد... کمال الدین: 1 / 253 / ح 3، أعلام الوری: 397، مناقب ابن شهر آشوب: 1 / 242، کفایه الاثر: ص 53، تأویل الایات الطاهره: 1 / 135 / ح 13، نوادر الاخبار:

فیض کاشانی ص 126، و تفاسیر روایی مانند صافی، برهان، کنز الدقائق و... ذیل آیه اولوالامر.

ص: 218

مشابه این روایت از سلمان فارسی مفصلاً با کمی تفاوت .

القصص ص 5، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص 128.

## 25 - نظر کردن به روی علی عبادت است.

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم علیعلیه السلام فضایی قرار داده است که به خاطر کثرت آن، قابل شمارش نیست؛ پس هرکس یک فضیلت از فضایل او را ذکر کند در حالی که به آن اقرار و اعتقاد داشته باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد؛ و هرکس یک فضیلت از فضایل او را بنویسد، ملائکه تا مادامی که، آن نوشته باقی باشد برای او استغفار می کنند؛ و هرکس یک فضیلت از فضایل او را بشنود، خداوند گناهانی که با گوشش شنیده را می بخشد؛ و هرکس نگاه کند به کتابی که فضایل علیعلیه السلام در آن نوشته شده است، خداوند تمام گناهانی را که با چشم انجام داده است را می

ص: 219

سپس پیامبر فرمودند: النظر إلى أخى على بن أبى طالب (عليه السلام) عباده و ذكره عباده و لا يقبل الله إيمان عبد إلا بولايته و البراءة من أعدائه؛ نگاه به برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام عبادت، و ذکرش عبادت است. و خداوند متعال ایمان بنده ای را قبول نمی کند، مگر اینکه (ولایت) حضرت علی علیه السلام را داشته باشد و از دشمنان او بیزار باشد.

امالی شیخ صدوق، ص 138؛ ارشادالقلوب، ج 2، ص 209، مأه منقبه، ص 176؛ کنزالعمال، ج 11، ص 1؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 114؛ کشف الیقین، ص 4؛ کشف الغمه، ج 1، ص 112؛ بناء المقالة الفاطمية، ص 369؛ تأویل الآيات، ص 844 و...

## **26 - ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)**

سفیان ثوری از امام صادق علیه السلام نقل می کند که

ص: 220

حضرت فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: چون خداوند تبارک و تعالی مرا به سوی آسمان ها برد، و از آسمانی به آسمان دیگر می رفتم و به ملائکه مقرب الهی رسیدم و از جایگاهی عبور کردم که جبرئیل علیه السلام نیز بدانجا نرسیده بود، خداوند وحی کرد به من آنچه قرار بود وحی کند. فقالت لی حملة العرش: بم بعثت یا محمد؟. فقلت:

بولایتی و ولایه اخی علی بن ابی طالب. پس حمله عرش الهی به من گفتند: ای محمد! برای چه مبعوث شدی؟ گفتم: به ولایت خودم و ولایت برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام.

(نوادر المعجزات، محمد بن جریر، ص 71، ح 34).

## 27- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران

أبو نعیم الحافظ: در تفسیر قوله تعالی: (وَسَأَلُ مَنْ أَسْأَلُنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا): آیه 45، سوره مبارکه زخرف ای پیامبر! سؤال کن از پیامبرانی که قبل از تو بودند که برای چه چیز مبعوث شدند)

ص: 221

شب معراج خداوند متعال تمام پیامبران را جمع کرد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمد! از اینان سؤال کن برای چه شما به پیامبری مبعوث شدید؟ پس تمام پیامبران گفتند: «بعثنا علی شهادة أن لا إله إلا الله، و الإقرار بنبوتک، و الولاية لعلی بن أبی طالب (علیه السلام)»؛ مبعوث شده ایم که شهادت دهیم هیچ خدایی جز الله نیست و اینکه اقرار کنیم بر نبوت تو و ولایت حضرت علی علیه السلام

العمده، ص 353، ح 680؛ خصائص الوحي المبين، ص 170، ح 116؛ الطرائف، ص 101، ح 147؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص 546؛ شواهد التنزيل، ج 2، ص 223، ح 855؛ نهج الحق، ص 183؛ بحار، ج 36، ص 155؛ ينابيع الموده، ج 2، ص 246، ح 692؛ تفسير اثني عشری، ج 11، ص 478؛ تفسير شريف لاهيجی، ج 4، ص 81؛ تفسير منهج الصادقين، ج 8، ص 249؛ الزام الناصب فی اثبات الحجج الغائب، ج 1، ص 207؛ طرائف المقال، ج 2، ص 299؛ الامام علی (علیه السلام)، احمد رحمانی همدانی، ص 73، ح 19.

علاوه بر اسناد معتبر و خوب روایت، نقل منابع معتبر و کثرت آن، مؤید خوبی نیز می تواند در قبول روایت باشد.

## 28- ولایت علی علیه السلام قلعه آمن خدا

به دو حدیث ذیل با دقت کامل توجه نمائید.

1- در عیون اخبار الرضا: ج 2 باب 38 از امام رضا علیه السلام با سند خود (سند طلائیست) از آباء گرام از رسول خدا از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از خدای تبارک و تعالی فرمود: «ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی» ولایت علی قلعه محکم من است هرکس به قلعه من داخل شود از عذاب من در امان باشد. (بحار: ج 39 ص 246 باب 87).

2- در روایت سلسله الذهب امام رضا علیه السلام در نیشابور در برابر دوازده هزار قلم به دست فرمود: کلمه «لا اله

ص: 223



الألله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی» در آخر فرمود:

«بشرطها و شروطها و أنا من شروطها».

واضح است منظور ولایت شخصی امام رضا علیه السلام نیست بلکه مقصود ولایت همه ائمه اثنی عشر علیهم السلام که اول آن ولایت علی علیه السلام و آخرش ولایت حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء می باشد.

پس آنجا که فرمود: «لا اله الا الله حصنی الخ» یعنی این حصن آن وقت محکم است شامل ولایت باشد و بدون ولایت، استحکامی ندارد و حفظ توحید و شرط قبولی تمام اعمال، ولایت است و بس.

## 29- انکار فضایل علی (علیه السلام) کفر به خداست

ابن عباس می گوید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خداوند تبارک و تعالی به من پنج چیز عطا فرمود و

ص: 224

به علی علیه السلام هم پنج چیز: به من جوامع الکلم (قرآن) و به علی علیه السلام همه علوم عطا کرد. مرا نبی قرار داد و او را وصی. به من کوثر و به او سلسبیل. وحی را بر من و الهام را بر او عطا کرد. مرا به معراج و آسمانها برد و برای او درهای آسمان را باز و حجابها را برایش پاره کرد و کنار زد، تا اینکه او به من نگاه می کرد و من هم به او نگاه می کردم.

ابن عباس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله تا اینها را برای من گفتند شروع کردند به گریه کردند! گفتم: یا رسول الله، پدر و مادرم فدای شما؛ چرا گریه می کنید؟

گفت: ای ابن عباس! اول چیزی که (شب معراج) خداوند به من فرمود این بود که: ای محمد! به پایین نگاه کن و من هم نگاه کردم. در این حین دیدم حجابها پاره و کنار زده شد و درهای آسمان هم باز شد. و علی علیه السلام را دیدم که سرش را به طرف آسمان بلند کرده و با من صحبت می کند و من هم با او صحبت می کردم و خدا هم با من تکلم می کرد.

ابن عباس می گوید، گفتم: ای رسول خدا! در مورد چه چیزی خداوند متعال با شما صحبت می کرد؟

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمودند: خداوند به من فرمود: یا محمد؛ إني جعلت علياً (علیه السلام) وصیک و وزیرک و خلیفتک من بعدک فأعلمه فها هو یسمع کلامک فأعلمته و أنا بین یدی ربی عز و جل. فقال لی: قد قبلت و أطعت. ای محمد! من علیعلیه السلام را وصی، وزیر و جانشین تو قرار دادم و او را از علم خود آگاهی داده ام.

و من در حالی که در پیشگاه قرب الهی بودم، گفتم: خداوند! قبول کردم و اطاعت می نمایم.

پس خداوند هم ملائکه را امر کرد که بر علی علیه السلام درود و سلام فرستند پس ایشان چنین کردند و بر ملائکه هم خطاب شد: و بر شما هم سلام.

و دیدم ملائکه را که به یکدیگر در مورد علی علیه السلام مباحثات می دادند و من به هیچ ملکی از ملائکه آسمان عبور نکردم، مگر اینکه مرا در مورد علی(علیه السلام) تهنیت می گفتند و می

گفتند: یا محمد؛ و الذی بعثک بالحق لقد دخل السرور علی جمیع الملائکه باستخلاف اللّٰه عز و جل لک ابن عمک. ای محمد! قسم به خدایی که تو را به حق مبعوث کرده، ما ملائکه از اینکه خداوند عزوجل، علی علیه السلام را جانشین تو قرار داده است، غرق شادی و سروریم.

و دیدم تمام حمله عرش الهی، سرشان را به طرف زمین پایین انداخته اند. پس گفتم: ای جبرئیل! چرا حمله عرش چنین کرده اند؟

جبرئیل گفت: ای محمد! هیچ ملکی از ملائکه نیست، مگر اینکه با چهره ای باز به علی علیه السلام نگاه می کند بجز حمله عرش، که خداوند متعال در این لحظه به آنها اجازه داد که به علی علیه السلام نگاه کنند و آنها هم الآن چنین می کنند.

پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله در ادامه فرمودند: چون به زمین برگشتم همه وقایع معراج را برای علی علیه السلام تعریف کردم و او هم مرا از همه آن اتفاقات آگاهی داد. پس دانستم که در

هیچ جایگاهی نبودم، مگر اینکه حضرت علی علیه السلام از آن جایگاه اطلاع داشته و همه چیز را می دانسته است.

ابن عباس می گوید: کلام پیامبر صلی الله علیه و آله که به اینجا رسید عرض کردم: یا رسول الله، مرا توصیه ای فرمایید؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علیک بموده علی بن ابی طالب (علیه السلام). و الذی بعثنی بالحق نبیاً لا یقبل الله من عبد حسنه حتی یسأله عن حب علی بن ابی طالب (علیه السلام) و هو تعالی أعلم فإن جاءه بولایتہ قبل عمله علی ما کان منه و إن لم یأت بولایتہ لم یسأله عن شیء ثم أمر به إلى النار. بر توباد به مودت و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام. قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هیچ بنده ای حسنه ای از آن قبول نمی شود تا اینکه درباره دوستی علی علیه السلام از او سؤال می کنند و خداوند تبارک و تعالی هم خود به همه امور آگاه است.

پس اگر دوستی علی علیه السلام را با خود در قیامت بیاورد عملش مقبول خواهد شد و اگر ولایت علی علیه السلام را همراه

خود نداشته باشد، از هیچ چیز از او سؤال نخواهد شد و او را روانه آتش خواهند کرد.

ای ابن عباس! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، آتش بیشترین غضب و شدت خود را بر دشمن و غضب دارنده علی علیه السلام دارد و بر کسی که قائل باشد خداوند تبارک و تعالی دارای فرزند است.

ای ابن عباس! اگر تمام ملانکه مقرب الهی و پیامبران و رسولان بر بغض و دشمنی علی علیه السلام اجتماع کنند، هر آینه خداوند تبارک و تعالی ایشان را با آتش خشم خود عذاب می کرد.

سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که به اینجا می رسد ابن عباس می گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: آیا کسی هم هست که بغض حضرت علی علیه السلام را داشته باشد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا ابن عباس؛ نعم بیغضه قوم یذکرون أنهم من أمتی لم يجعل الله لهم فی الإسلام نصیباً.

یا ابن عباس؛ اِنَّ من علامه بغضهم له تقضيلهم من هو دونه عليه. و الذي بعثني بالحق ما بعث الله نبيا؛ اكرم عليه منى و لا وصيا اكرم عليه من وصيي على (عليه السلام). ای ابن عباس! از امت من کسانی هستند که بغض حضرت علی علیه السلام را دارند که خداوند آنها را از اسلام هیچ بهره ای نداده است.

ای ابن عباس! از نشانه های کسانی که بغض علی علیه السلام را دارند، این است که خود را بالاتر از آن می دانند.

قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، خداوند هیچ پیامبری را گرامی تر از من مبعوث نکرد و هیچ جانشینی گرامی تر از علی بن ابی طالب علیه السلام نیست.

ابن عباس می گوید: همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به دوستی حضرت علی علیه السلام امر کردند، محبت حضرت را همیشه خواهم داشت.

بعد ابن عباس می گوید: زمانی از این ماجرا گذشت تا اینکه موقع وفات پیامبر صلی الله علیه و آله شد، دوباره نزد او رفته

و گفتم: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای شما، اجل شما نزدیک است، آیا مرا به چیزی نصیحت می فرمایید؟

پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابن عباس! با من مخالفت کرده است هرکس علیه السلام را مخالفت کند و در روز قیامت برای چنین شخصی هیچ پشت و پناه و یآوری نخواهد بود.

پس گفتم: یا رسول الله! چرا مردم را امر نمی کنید که مخالفت حضرت علی علیه السلام را نکنند؟

ابن عباس می گوید: تا این را گفتم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شروع کردند به گریه کردن که من هم از گریه ایشان بسیار متأثر شدم.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابن عباس! قسم به خدایی که مرا به حق نبی مبعوث کرد، احدی از کسانی که مخالفت علی علیه السلام را در دنیا کرده اند و منکر حق او بوده اند، از دنیا خارج نمی شود تا اینکه خداوند تبارک و تعالی از

ص: 231



نعمتهایی که دست او بوده همه را تغییر می دهد. (و برایش تبدیل به نعمت می کند. ای ابن عباس! اگر می خواهی خدا را ملاقات کنی در حالی که از تو راضی باشد، پس راه علی بن ابی طالب علیه السلام را طی کن و با او به هر سمتی رفت، حرکت کن. و راضی باش از کسی که علی علیه السلام را پیشوای خود قرار داده و دشمن بدار هر کس که او را دشمن می دارد و دوست بدار هر کس که علی علیه السلام را دوست می دارد.

«یا ابن عباس؛ احذر أن یدخلک شک فیه فإن الشک فی علی (علیه السلام) کفر باللّه تعالی»؛ ای ابن عباس! بترس از اینکه در مورد علی علیه السلام شک کنی که همانا شک در مورد او کفر به خداوند تبارک و تعالی است.

أمالی شیخ طوسی، ص 104؛ الثاقب فی المناقب، ص 142، ح 135؛ بشاره المصطفی، ص 41؛ الفضایل ابن شاذان، ص 5؛ کشف الغمه، ج 1، ص 380؛ کشف الیقین، ص 462؛ تأویل الآیات، ج 1، ص 276، ح 6؛ المحتضر، ص 107؛ بحار، ج 18، ص 370، ح 77؛ مدینه المعاجز، ج 2، ص 9، ج 353.

ص: 232

چندین طریق و اسناد برای این روایت در کتب روایی مهم نقل شده است. ابن حمزه طوسی رحمه الله (معروف به ابن الشیخ، متوفای 560ق)، در کتاب الثاقب فی المناقب، به دو طریق این روایت را نقل کرده است. به طریقی با استناد از معلی بن هلال، از کلبی، از ابی صالح، از ابن عباس؛ و به طریقی دیگر از احمد بن ولید، از پدرش، از سعد، از عبدالله بن هارون، از محمد بن عبدالرحمان، از ابن عباس. و حسن بن سلیمان رحمه الله در کتاب المحتضر و ابن شاذان در الفضایل و... نیز این روایت را با اسنادی دیگر در کتب خود نقل نموده اند.

عمادالدین محمد بن جریر طبری (متوفای 525ق) (به نقل از محمد بن ابی القاسم گوید:

«این روایت دلالت دارد بر اینکه هرکس دیگری را بر علیعلیه السلام مقدم بدارد و یا او را برتر از حضرت بداند، او دشمن علیعلیه السلام است، هرچند که ادعا کند دوستدار

ص: 233

علیه السلام می باشد. و نیز بر این مطلب گواه است که شک در برتری و تقدیم امام علی علیه السلام بر دیگران و اطاعت از آنان، محکوم به کفر است، اگرچه به ظاهر اسلام آورده باشد و بر مطالبی دیگر نیز اشاره دارد که ذکرش در این مجال مناسب نیست». بشاره المصطفی، ص 79.

شهید مطهری(ره) در این زمینه می فرماید:

باید دید ایمان به نبوت و امامت از چه نظر لازم است و چرا باید شرط قبول اعمال باشد؟ به نظر می رسد دخالت ایمان به انبیاء و اولیاء خدا در پذیرش

اعمال از دو جهت است: یکی اینکه معرفت آنان برمی گردد به معرفت خدا. در حقیقت شناختن خدا و شؤون او بدون معرفت اولیاء خدا کامل نمی گردد، به عبارت دیگر اینکه شناختن خدا بطور کامل شناختن مظاهر هدایت و راهنمایی است.

دیگر اینکه شناختن مقام نبوت و امامت از این نظر لازم

ص: 234

است که بدون معرفت آنان، بدست آوردن برنامه کامل و صحیح ممکن نیست

(مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 1، ص، 310).

پس کسی نماز خوانده، زکات داده، حج و عمره بجا آورده ولی معرفت آن کس که خدا اطاعت او را واجب ساخته است را نداشته باشد، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته چرا؟. (چون:

ولایت شرط قبولی اعمال است)

آن هنگام که خدا ابلیس را به سجده آدم امر کرد، ابلیس تکبر نموده از خدا خواست که او را از این فرمان معاف داشته در عوض، عبادتی کند که هیچ کس خدا را آن گونه عبادت نکرده باشد! خداوند در پاسخ او فرمود: عبادت آن است که من فرمان می دهم نه آن که تو می خواهی

(مضمون فوق در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج 63، ص 250).

یعنی عبادت، اطاعت از فرمان خدا است، و تنها به سجده

ص: 235

رفتن و تضرع نمودن عبادت نیست. نماز و دعا به شرطی عبادت است که در اطاعت از فرمان خدا باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم اگر ابلیس پس از نافرمانی و تکبر از اطاعت دستور خدا، به مقدار عمر دنیا بر خدا سجده می کرد، برای او سودی نمی داشت و خدا از او نمی پذیرفت، مگر اینکه او طبق فرمان خدا بر آدم سجده می کرد.

وضعیت این امتی که بعد از پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم نافرمانی کرده گمراه شده است نیز چنین است. بعد از ترک گفتن پیشوایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای آنها منصوب کرد، خداوند هرگز عملی از آنها را نمی پذیرد و نیکیهای آنها را بالا نمی برد، مگر از آن جهت که خدا امر کرده است بیایند و امامی را که خدا به ولایتش امر کرده اطاعت کنند و از بابتی که خدا و رسول برای آنها گشوده اند وارد شوند. (حر عاملی، حسین، وسائل الشیعه، ج 1، باب 29، ح 5).

ص: 236

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمودند: خاندانی در بنی اسرائیل بودند که در پی چهل روز عبادت، هر چه از خدا طلب می کردند، خداوند به آنها مرحمت می فرمود. یکی از آنان به عبادتی چهل روزه پرداخت ولی دعای او پذیرفته نشد.

به نزد حضرت عیسی شکایت کرد. حضرت عیسی علیه السلام تطهیر نموده نماز خواند. آن گاه به درگاه حق دعا کرد.

وحی آمد:

يَا عِيسَى إِنَّ عَبْدِي أَتَانِي مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ إِنَّهُ دَعَانِي وَفِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ فَلَوْ دَعَانِي حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ وَتَنْتَبِرَ أَنَا لَهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ - فَالْتَفَتَ عِيسَى ع فَقَالَ تَدْعُو رَبَّكَ وَفِي قَلْبِكَ شَكٌّ مِنْ نَبِيِّي قَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ قَدْ كَانَ وَاللَّهِ مَا قُلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَذْهَبَ بِعَنِّي فَدَعَا لَهُ عِيسَى ع فَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَصَارَ فِي حَدِّ أَهْلِ بَيْتِهِ كَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَهُوَ يَشْكُ فِينَا.

ای عیسی این بنده ام از غیر آن دری که باید نزد من آید نزد

ص: 237

من آمده، او مرا خوانده در حالی که در نبوت و پیغمبر بودن تو شک دارد بنا بر این اگر به اندازه ای مرا بخواند که گردش قطع و بندهایش از هم بگسلد من دعایش را مستجاب نخواهم کرد.

عیسی به وی رو کرده فرمود: پروردگارت را می خوانی و در دل خود به پیامبرش شک داری؟ گفت: ای روح و کلمه خدا، به خدا سوگند همین طور است که می فرمائی، از خداوند بخواه که این شک را از دل من بزداید. عیسی برای وی دعا کرد و خداوند از وی پذیرفت، و او در حدّ سایر افراد خاندان خویش قرار گرفت. ما خاندان نیز این چنین هستیم، خداوند عمل بنده ای را که در باره ما شک دارد قبول نمی فرماید.

(کلینی، محمد، کافی، ج 2، ص 400).

در عصر حاضر نیز، آن بابی که هیچ عبادتی جز از طریق ولایت او پذیرفته نیست، وجود مقدس امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء است.

در زیارت جامعه، خطاب به این بزرگواران می گوئیم:

ص: 238

و بموالاتکم تقبل الطاعه المفترضه. با ولایت شما است که خداوند عبادات واجب را می پذیرد.

پس کسی که خدا را از غیر این باب، بندگی کند، خدا از او نخواهد پذیرفت. نماز و روزه و حج و زکات تنها با پذیرفتن ولایت قبول است.

امام صادق علیه السلام در نامه ای به مفضل بن عمر مرقوم فرمودند:

کسی که نماز خوانده، زکات بدهد، حج و عمره بجا آورد ولی معرفت آن کس که خدا اطاعت او را واجب ساخته است نداشته باشد، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته، نه زکات داده، نه حج و عمره بجا آورده، نه از جنابت غسل کرده و تطهیر نموده، و نه حرامی را رها کرده و نه حلالی را حلال داشته است. برای او نماز نیست هر چند که رکوع و سجود کند، و برای او زکات و حجی نخواهد بود. تمام این اعمال با شناخت آن فردی انجام می شود که خداوند بزرگ با امر به اطاعت او بر

ص: 239



مردم منت نهاده است. (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار ج 27، ص 175).

مضمون روایات گذشته در مجامیع حدیثی شیعه آن قدر زیاد است که فقهاء شیعه در آغاز کتب فقهی خویش، بابتی تحت عنوان «ابطال العبادة بدون ولایه الائمه علیهم السلام و اعتقاد امامت» گشوده اند. یعنی هر عبادتی که بدون ولایت ائمه و اعتقاد به امامت آنها انجام شده باشد باطل است. محدث بزرگ شیعه، مرحوم شیخ حر عاملی باب 29 جلد اول از کتاب وسائل الشیعه خویش را به این مطلب اختصاص داده و در آن 19 حدیث نقل نموده و محدث نوری در مستدرک الوسائل، 66 حدیث دیگر به این مجموعه در این موضوع افزوده است.

پس از آنجائی که اولین شرط قبولی و کمال حج در هر زمان، شناخت حجت آن زمان است، از این رو در دوران غیبت بر منتظران واجب است نسبت به شناخت حجت خدا

ص: 240

یعنی امام زمان روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداء. اقدام نموده تا حج کامل و مقبول را تجربه نمایند. زیرا بر اساس روایات بسیاری که در کتاب های حدیثی آمده، عبادت و حج بدون ولایت نه تنها حج کامل نبوده، بلکه مورد قبول درگاه حق تعالی نیز نمی باشد. بنا براین در زمان غیبت، پذیرش حجت الهی شرط قبولی اعمال، علاوه بر قبول ولایت است.

## انتظار فرج هم؛ شرط قبولی اعمال است.

### اشاره

برابر بعضی از روایات، انتظار فرج، شرط قبولی اعمال است، از جمله روایات ذیل است .

1- محمد بن ابراهیم النعمانی در کتاب الغیبه روایت کرده است که روزی امام صادق علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ، مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ

ص: 241

(رَسُولُهُ) وَالْأَقْرَابُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَالْوَلَايَةُ لَنَا، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا- يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً- وَالْتَسْلِيمُ لَهُمْ، وَالْوَرَعُ، وَالْاجْتِهَادُ، وَالطَّمَانِينَةُ، وَالْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ. محمد بن ابراهيم النعماني، كتاب الغيبة، ص 200، ح 16. آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای، صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ گفتیم: چرا فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و اله بنده و فرستاده اوست، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان- یعنی خصوص امامان- و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه السلام. (بحار الانوار، 140 / 52 حدیث 50 از غیبه النعمانی)

2- ثقة الاسلام الكليني در كتاب الكافي روايت مي كند كه روزي مردی بر حضرت ابوجعفر امام باقر عليه السلام وارد شد و حضرت صفحه ای در دست داشت؛ حضرت باقر عليه السلام به

ص: 242

هَذِهِ صَحِيفَةُ مُخَاصِمٍ سَأَلَ عَنِ الدِّينِ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ العَمَلُ.

فَقَالَ: رَحِمَكَ اللهُ. هَذَا الَّذِي أريدُ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَتَقَرُّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللهِ وَالْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا  
وَالتَّسْلِيمُ لِمُرِنَا، وَالْوَرَعُ، وَالتَّوَاضُّعُ وَالتَّيَازُّ فَائِمِنَا، فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً، إِذَا شَاءَ اللهُ جَاءَ بِهَا. محمد بن يعقوب الكليني، الكافي، ج 2، ص 22، ح  
.13

این نوشته مناظره کننده ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است. آن مرد عرض کرد: رحمت خداوند بر تو باد  
همین را خواسته ام. پس حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود: گواهی دادن به اینکه خدا یکی است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد،  
و این که محمد بنده و رسول اوست، و این که اقرار کنی به آنچه از سوی خداوند آمده، و ولایت ما خاندان و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم  
به

امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد.

3- شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از «عبدالعظیم حسنی» روایت می کند که: روزی بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالبعلیهم السلام وارد شدم و می خواستم که درباره قائم از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و به من فرمود:

يا ابا القاسم، انَّ القائم مِنَّا هُوَ المَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ انْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ، وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي. كمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، ج 2، ص 377، ح 1.

ای ابوالقاسم! بدرستی که قائم از ماست و او است مهدی که واجب است در

(زمان) غیبتش انتظار کشیده شود و در(زمان) ظهورش اطاعت گردد، و او سومین (امام) از فرزندان من است.

ص: 244

روایات یاد شده و بسیاری روایات دیگر- که در این مجال فرصت طرح آن ها نیست- همگی بر لزوم انتظار حضرت قائم در دوران غیبت دلالت می کند، اما حال باید دید که انتظار- که این همه بر آن تاکید شده و یکی از شرایط اساسی اعتقاد اسلامی شمرده می شود- چه فضیلتی دارد و در کلام معصومین علیهم السلام از چه جایگاهی برخوردار است.

### روایتی درباره ایام غیبت و دعا در آن.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ لِلْغُلَامِ غَيْبَهُ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قَالَ قُلْتُ وَلِمَ قَالَ يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَهُ وَهُوَ الْمُتَنَتِّرُ وَهُوَ الَّذِي يُشَكُّ فِي وِلَادَتِهِ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَاتَ أَبُوهُ بِلَا خَلْفٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ حَمْلٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ إِنَّهُ وُلِدَ قَبْلَ مَوْتِ أَبِيهِ بِسِتِّينَ وَهُوَ الْمُتَنَتِّرُ غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ

ص: 245

الْمُبْطِلُونَ يَا زُرَّارَهُ، قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَّارَهُ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي (كليني، محمد، کافی، ج 1، ص 237).

برای آن جوان پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است، عرض کردم: چرا؟ فرمود: میترسد- و با دست اشاره بشکم خود کرد- (یعنی میترسد شکمش را پاره نکنند) سپس فرمود: ای زراره! اوست که چشم پراهش باشند، و اوست که در ولادتش تردید شود: برخی گویند: پدرش بدون فرزند مرد، و برخی گویند: در شکم مادر بود (که پدرش وفات یافت و سپس هم بدنیا نیامد) و برخی گویند: دو سال پیش از وفات پدرش متولد شد و اوست که در انتظارش باشند ولی خدای عز و جل دوست دارد شیعه را بیازماید.

ص: 246

در زمان (غیبت) است ای زراره که اهل باطل شک می کنند، زراره گوید: من عرض کردم، قربانت، اگر من به آن زمان رسیدم چکار کنم؟ فرمود: ای زراره: اگر به آن زمان رسیدی، با این دعا از خدا بخواه:

«خدایا خودت را به من بشناسان، زیرا اگر تو خودت را به من نشناسانی، من رسالت را نشناسم. خدایا تو پیغمبرت را به من بشناسان، زیرا اگر تو پیغمبرت را به من نشناسانی، من حجت تو را نشناسم. خدایا حجت خود را به من بشناسان، زیرا اگر تو حجتت را به من نشناسانی، از طریق دینم گمراه می شوم».

در روایت فوق امام صادق علیه السلام از جمله وظایف مهم منتظران در دوران غیبت را ذکر دعایی می داند که در آن اشاره به شناخت امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء. شده است. شاید اختصاص پیدا کردن این دعا به دوران غیبت به این جهت باشد که در دوران پنهان زیستی امام، معرفت به او

ص: 247



بخاطر فقدان ظاهری ایشان سخت تر از دوره های دیگر است.

پس این راه سخت را همه ما باید به پیمائیم.

پرسش: عدم قبولی اعمال کسی که به ولایت اعتقاد نداشته باشد با عقل جور در نمی آید. ممکنه یک فرد مسیحی یا ..... باشه یعنی آگه خوبی به کسی بکنه (مانند مخترعین) در دیدگاه خدا نادیده گرفته میشه، بر خلاف عقل و عدالت است؟!.

پاسخ: این سؤال را قبلاً توضیح دادم مضافاً بر آن اگر یک شخص به امامت اعتقاد نداشته باشد را می توان به دو دسته تقسیم کرد.

الف: می داند ولایت و امامتی هست و خداوند گفته باید به آن ایمان داشته باشیم ولی با این همه مخالفت می کند و در برابر خواست خدا می ایستد، در این صورت اعمال عبادی او

ص: 248

و اعمالی که برای خداوند انجام می دهد طبق آیات و احادیث مورد قبول واقع نمی شود:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (هود: 8) کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می دهیم و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد! ولی (آنها در آخرت، جز آتش، سهمی) نخواهند داشت و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، بر باد می رود و آنچه را عمل می کردند، باطل و بی اثر می شود!

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ شُورَا : 20

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می دهیم و بر محصولش می افزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارد!

این گونه آیات شریفه، برای ما نتیجه اعمال ما را روشن

میکنند.

عمل آدمی هر طور که باشد تنها آن نتیجه ای را که منظور آدمی از آن عمل است به او می دهد، اگر منظورش نتیجه ای دنیوی باشد نتیجه اش در دنیا، عائدش می شود.

و اگر نیتش صرفاً برای به دست آوردن رضای خدا باشد، نتیجه اش را هم در دنیا و هم در آخرت خواهد دید.

به همین جهت است که در آیات و روایات اعمال را به صالح و طالح و نیک و بد، تقسیم نموده است.

ب: نمی داند ولایت و امامتی هست و در واقع جاهل غیر مقصر است و یا در محیطی زندگی می کند که ازین گونه تکالیف، به گوشش نخورده و در این مورد، از همه جایی خبرست، در این صورت ازینجهت عقابی متوجه او نخواهد شد.

از نظر اسلام، نفس عمل به تنهایی کافی نیست، بلکه عمل اگر برای خود نمائی و حفظ موقعیت باشد، هر چند بزرگ و با

ص: 250

عظمت باشد، برایش نفعی نخواهد داشت.

ولی به عکس اگر کسی کار کوچکی انجام دهد با اخلاص تمام و انگیزه ای صددرصد انسانی و روحانی، برایش عفو و بخش خداوندی را، در پی خواهد داشت.

دلیل این مسأله علاوه بر حکم عقل، اشاراتی است که در آیات یا روایات آمده است:

آیه فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ: زلزله/8-7. هر کس به اندازه سنگینی ذره ای کار نیک کند آن را می بیند- و هر کس به مقدار ذره ای کار بد کند آن را خواهد دید. به وضوح شامل چنین اشخاص می شود.

در حدیثی از علی بن یقظین از امام کاظم علیه السلامی خوانیم: در بنی اسرائیل مرد باایمانی بود که همسایه کافری داشت. مرد بی ایمان نسبت به همسایه باایمان خود نیک رفتاری می کرد. وقتی از دنیا رفت خدا برای او خانه ای بنا کرد که مانع از گرمای آتش شود... و به او گفته شد: این به

ص:251

سبب نیک رفتاریت نسبت به همسایه مؤمنت می باشد(ر.ک، تفسیر نمونه، ج10 ص344-339 با دخل و تصرف،

حال برای تأیید این اعتقاد به روایات ذیل و تعیین گروه نجات از هفتاد فرقه را توجه نمائید.

## رستگاران از 73 ملت

فرقه ناجیه از 73 فرقه

در باره پیشگوئیهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، روایات زیاد به دست ما رسیده است که با گذشت زمان فرد فرد آنها تحقق یافته و مصداق پیدا کرده و خواهد کرد.

هرکس به منابع و مدارک آنها مراجعه نماید، می داند که این سخنان دریافت شده از درگاه ربوبی، بتدریج محقق شده و با مرور زمان انجام می شود.

ص: 252

برای اطلاع از این جریانها به کتاب (اسلام فراتر از زمان) که در این مورد تألیف گردیده، مراجعه نمایید.

حال به تعدادی از آیات و روایات، که از کتاب (از مباحله تا عاشورا) بخش 2 ص 152 بعد می آورم توجه نمایید.

1 - وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُدَّهُ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ آل عمران : 144 . محمد فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ اگر او بمیرد و یا کشته شود؛ آیا شما به عقب بر می گردید؟! (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر باز گشت خواهید نمود؟! و هرکس به عقب بازگردد، هرگز به خدا ضرری نمی رساند و خداوند بزودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش (نیک) خواهد داد .

2 - وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ ، وَ لَكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ، وَ لَوْ

ص: 253

شَاءَ اللَّهُ مَا افْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ از بقره : 253. این آیه استدلال کرده اند بر اختلاف اصحاب بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعضیها پس از اختلاف ایمان آوردند و بعضی کافر شدند چون شیعه و سنی به اتفاق

این روایات را در کتابهای خود پذیرفته اند که آنحضرت فرمود :

3 - و الذی نفسی بیده لترکبن سنن من کان قبلکم حدو النعل بالنعل و القذہ بالقذہ. قسم به کسی که جان من در دست قدرت اوست، سر گذشت پیشینان را گام به گام و مو به مو، سوار خواهید شد (همه آن سرگذشتها بر شما نیز خواهد گذشت) .

4 - وقال : رسول الله صلی الله علیه و آله کلّ ماکان فی الأمم السالفه فإِنَّه یكون فی هذه الأمة مثله حدو النعل بالنعل و القذہ بالقذہ تمامی آنچه در امتهای گذشته بود مو به مو (مانند گذاشتن اسب پای عقبی را به جای پای جلوئی) در این امت نیز مثل آن پیش

ص: 254

خواهد آمد .

این دو روایت را دانشمندان زیادی از اهل سنت روایت کرده اند مانند ؛ مسند أحمد : 2 / 527 و 4 / 125 ؛ صحیح بخاری : 4 / 144 ( ط دار الفکر )؛ مستدرک حاکم : 1 / 37 و 129 ( ط دار المعرفه )؛ نهیة ابن اثیر : 1 / 357 ص؛ کنز العمال : 1 / 211 و 11 / 253 ؛ شرح نهج البلاغه : 9 / 286 ؛ و همان دو روایت رت در کتابهای شیعه نیز فراوان آورده اند بلکه به صحت آن حکم نموده اند مانند کتاب إعلام الوری : ص 476 ؛ کشف الغمّه : 2 / 545 ؛ مختصر بصائر الدرّجات : ص 205 ؛ تأویل الایات : ص 402 ؛ الصوارم المهرقه : ص 195 .

5- لا تقوم الساعة حتى تأخذ أمتي ما أخذ القرون قبلها شبراً بشبر و ذراعاً بذراع. منار الهدى: ص 497 از صحیح بخاری .

لتركبن لتتبعن سنن من كان قبلكم شبراً بشبر و ذراعاً بذراع صحیح الترمذی: کتاب الفتن باب 18 ؛ منار الهدى: 498 .

رستاخیز برپا نمی شود، تا امت مرا، فراگیرد چیزهائی که امتهارا در قرن های گذشته فرا گرفت، و جب به و جب و ذراع به ذراع (حتماً به شما پیش خواهد آمد و بر شما سوار خواهد

ص: 255



شد جریانهای کسانی که پیش از شما می زیستند و جب به و جب و..

در منابع حدیثی زیاد، این روایت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله با تعابیر متفاوت آورده اند بگونه ای که مورد قبول فریقین (شیعه و سنی) قرار گرفته است .

که آن حضرت فرمود:

6- ستفترق أمتی بعدی ثلاثة و سبعون فرقه، واحده منها ناجیه ثنتان و سبعون فی التَّارِ اَتمم بعد از مرگ من به 73 دسته تقسیم می شود همگی در آتشند و (فقط) یک دسته از آنها رستگارند .

الرسائل العشر شیخ طوسی: ص 127؛ مسئلتان فی التَّص علی علیّ علیه السلام شیخ مفید: 2 / 30؛ الأعلام خیر الدین زرکلی: ص 53؛ کنزالفوائد کراچکی: ص 297؛ بحار الأنوار: 2 / 312؛ تأویل الایات شرف الدین الحسینی: ص 190؛ مبادئ الوصول علامه حلّی: ص 215؛ السقیفه محمد رضا المظفر: ص 32؛

و منابع زیاد از فریقین .

ص: 256

7- قال صلى الله عليه وآله افتترقت اليهود على احدى و سبعين فرقه و افتترقت النصرارى اثنتين و سبعين فرقه و تفرقت أمتى على ثلاث و سبعين فرقه كلهم فى النار الا واحده يهود بر هفتاد و يك فرقه و نصارا هفتاد و دو فرقه تقسيم شدند ، أمت من نیز به هفتاد و سه فرقه تقسيم می شوند ، همه این فرقه ها در آتشند جز يك فرقه .

مستدرک حاکم : 128 / 1 ؛ الفرق بين الفرق ، عبدالقادر بغدادى : ص 7 و 8 صحابه از دیدگاه نهج البلاغه : ص 11 .

البته شناخت این گروه رستگار از هفتاد و سه ملت مسلمان برای ما بسیار حائز اهمیت است ، متأسفانه ناقلان حدیث و شارحان آنها به توضیح این قسمت ، از خود عنایتی نشان نداده اند ، تا آنجا که شیخ محمد عبده پیشوای اهل سنت انگشت حیرت به دندان گرفته می گوید: گروه رستگار تاکنون برای من معلوم نشده ، زیرا تمام فرق اسلامى بر آن ادعا دارند.

صحابه از دیدگاه نهج البلاغه : ص 11 بنقل از تفسیر المنار : 221/ 8- 222 .

ص: 257

روایت فوق کدام گروه را مورد توجه قرار داده است، کسانی را که دنباله رو بنی تیم و یا بنی عدی و بنی امیه و بنی العباس وو.. بودند؟! یا آنهایی که بدون میل به یمن و یسار، صرفاً دامن ذریه صلبی رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفته و سوار بر کشتی های نجات خاندان او شده و از امواج خطرناک دریای ژرف و مخوف، تبلیغات و افکار گمراه کننده فرزندان نوزاد سقیفه، عبور کرده و بدون توجه به فشارهای شکننده جسمی و روحی آنها در طول تاریخ، خود را به ساحل نجات رسانیدند و می رسانند و انشاء الله خواهند رساند .

7- ستفترق أمتی ثلاثه و سبعین، فرقه منها ناجیه و الباقون هالکون، و التاجون الآذین یتمسّ کون بولا یتکم و یقتبسون من علمکم و لا یعملون برأیهم فأولئک ما علیهم من سبیل وسائل الشیعه: 27 / 50 و 18 / 31 ؛ بحار الأنوار: 36 / 336.

قال علیّ علیه السلام هم أنا و شیعتی مناقب آل ابیطالب ابن شهر آشوب: 2 / 270 . الباقین علیهما السلام قالوا نحن هم مناقب آل ابیطالب ابن شهر آشوب: 2 /

ص: 258

به زودی امت من به 73 فرقه متفرق می شود یک فرقه از آنها رستگار است و باقی ها به هلاکت می رسند و رستگاران کسانانی اند که به ولایت شما چنگ بزنند و از علم شما استفاده کنند و به رأی خود عمل نکنند، آنها ایند که (برای سوخته شدن) آنها، راهی نیست؛

در روایت دیگر علی علیه السلام فرمود: آنها یعنی فرقه ناجیه من و شیعیانم هستند، و امام باقر و صادق علیهما السلام فرمودند: ما آن فرقه ناجیه هستیم.

روایتی که متفق علیه فریقین است پیامبر فرمود:

8- اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق نورالبراهین سید نعمه الله جزائی: 1 / 62 و کتابهای فراوان دیگر.

اهل بیت من مانند کشتی نوح است، هر که سوار آن شود نجات یابد و اگر تخلف کند غرق می شود. أمثال این روایات فرقه ناجیه را دقیقاً تعیین نموده است، دیگر برای شیخ محمد

ص: 259

عبده و امثال او اگر منصفانه بررسی کنند ابهامی باقی نخواهد ماند؛ البته توجه داشته باشید این روایت ها مؤید روایات زیاد (ولایت امیر مؤمنان علیه السلام شرط قبولی اعمال است) می باشد اگر کسی این دو قسمت از روایات را، کنار هم گذاشته با دقت و منصفانه، مطالعه نماید، هیچ تردیدی برایش باقی نمی ماند آنهایی که دامن اهل بیت رسول خدا را گرفتند، بدون شبهه رستگار شدند.

خدایا به احترام این مقربین درگاهت ما را در دنیا و آخرت از اینها جدا نفرما آمین یارب العالمین.

والصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ لَا سَيِّمًا عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَحِجَّتِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ  
روحي و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء آمين يارب العالمين.

## اشعاری چند در باره مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام

شعر از سید محمد حسین شهریار

علی آن شیر خدا شاه عرب ألفتی داشت با این دل شب

شب ز اسرار علی آگاه استدل شب محرم سرالله است

شب علی دید به نزدیکی دید گرچه او نیز به تاریکی دید

شب شفته است مناجات علی جوشش چشمه عشق ازلی

شاه را دید به نوشینی خواب روی بر سینه دیوار خراب

قلعه بانی که به قصر أفلاک سر دهد ناله زندانی خاک

ص: 261

اشگباری که چو شمع بیزار میفشاند زر و می گرید زار  
دردمندی که چو لب بگشاید در و دیوار به زینهار آید  
کلماتی چو دُر آویزه گوش مسجد کوفه هنوزش مدهوش  
فجر تا سینه آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت  
روزه داری که به مهر اسحار بشکنند نان جوین افطار  
ناشناسی که به تاریکی شب می برد شام یتیمان عرب  
پادشاهی که به شب برقع پوش می کشد بار گدایان بردوش

ص: 262

تا نشد پردگی آن سرّ جلی نشد افشاکه علی بود علی  
شاهبازی که بیال و پر راز می کند در ابدیت پرواز  
شهبازی که بپرق شمشیر در دل شب بشکافد دل شیر  
عشقبازی که هم آغوش خطر خفت در خوابگه پیغمبر  
آن دم صبح قیامت تأثیر حلقه دَرُشد از او دامنگیر  
دست در دامن مولا زد دَرُ که علی بگذر و از ما مگذر  
شال شه و اشد و دامن بگرو زینش دست به دامن که مرو

ص: 263



شال می بست و ندائی مبهم کمر بند شهادت ببندد محکم

پیشوائی که زشوق دیدار می کند قاتل خود را بیدار

ماه محراب عبودیت حق سر به محراب عبادت منشق

می زند پس لب او کاسه شیر می کند چشم اشارت به اسیر

چه اسیری که همان قاتل اوست توخدائی مگر ای دشمن دوست

در جهانی همه شور و همه شرها علی بشر کیف بشر

کفن از گریه غسال گریست پیرهن از رخ وصال گریست

ص: 264

## مناجات

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدارا که به ما سوی فکندی همه سایه همارا

دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من بخدا قسم خدارا

بخدا که در دو عالم اثر از فنا ماند چو علی گرفته باشد سر چشمه بقارا

مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ به شرار قهر سوزد همه جان ما سوی را

ص: 265

---

1- (1) دیوان شهریار: ص 604. در (ساعت 3/5 - 11/5 / 1362 هجری شمسی؛ در منزل دوست عزیز آقای حاج اصغر رشیدی نظامی در فلکه صادقیه تهران نسخه برداری شد)

برو ای گدای مسکین درِ خانهٔ علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گذارا

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من من چو اسیر تو ست اکنون به اسیر کن مدارا

به جز از علی که آرد پسر ابوالعجائب که علم کند به عالم شهدای کربلا را

چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان چو علی که می تواند که به سر برد وفارا

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

بدو چشم خونفشانم هله ای نسیم رحمت که زکوی او غباری بمن آر توتیارا

به امید آنکه شاید برسد بخاکپایت چه پیامها سپردم همه سوز دل صبارا

ص: 266

چوتوئی قضایگردان بدعای مستمندان که زجان دوست بگردان ره آفت قضا را

چه زخم چونای هر دم زنوای شوق اودم که لسان غیب خوشتر بنوازد این نو را

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنائی بنوازد آشنا را

زنوای مرغ یا حق بشنوکه در دل شب غم دل بدوست گفتن چه خوشست شهریارا

[\(1\)](#)

### گزیده ای از اشعار ولایت در معراج

از کتاب «امام علی (علیه السلام) در آینه معراج» نوشته علیرضا زکی زاده رنانی

ص: 267

---

1- (1) دیوان شهریار : ص 676 .

گفتگو داریم در معراج باز چونکه باشد مباحثش جای نیاز  
منکر آن کرده تکذیب رسول زاهل حق آن کس نمی گردد قبول  
ز اعتقادات است معراج نبی کرد مهمانی خدا او را شبی  
خواست بنماید جمال احمدی بر ملایک آن جلال سرمدی  
حق نماید بر حبیبش بس عجیب و ز جلال کبریایی بس غریب  
تا که در برگشت، ختم انبیاء کرده آنها را به امت رهنما  
جمله افزیند بر ایمان و دین از جلال و فضل ختم المرسلین

ص: 268

نه چنانست که خدا در آسمان یا زمین باشد چوجسمی در مکان

پس توسبحان الذی أسرى بخوان سرّ من آیاتنا را هم بدان

سیر دادش حق درعالمهای خود آگهش فرمود از بود و نبود

مقصد از معراج، تعریف علیست امرِ تأکید ولایت از ولی است

حق تعالی با زبان مرتضی هم سخن شد با حبیبش مصطفی

از همه اسرار آگاهش نمود آنچه را در شأن غیر او نبود

بس سفارش کرد در فضل علی از جلال و از کمال آن ولی

ص: 269

آگهی دادش ز ناموس خدا آنچه بر زهرا دهد امت روا  
دید آن حضرت بهشت و نار را مزد خوبان، کیفر بدکار را  
سیر فرمود از زمین کربلا دید در آن مقتل شاه هدا  
بر گرفت از تربت اعلای او از مزار و مرقد والای او  
آن امانت را به امّ السّلمه داد بر گرفت آنرا و در شیشه نهاد  
گفت بانو، ای رسول کردگار این چه خاک و تربتست در روزگار  
آگهی دادش رسول از ماجرا تا که باشد آن نشان کربلا

ص: 270

بود این مطلب که تا عزم عراق کرد مولانا حسین (علیه السلام) با اشتیاق

ام سلمه می نمود در آن نظر می گرفت هر روز زان تربت خیر

تا که روزی دید آن گردیده خون زان مصیبت گشت حالش واژگون

با خبر شد از شهید نینوا که حسینش کشته گشته از جفا

از غمش شد دیده گریان دل بجوش روز و شب گردید زاه غم در خروش

تا که آمد آن خبر از کربلا در مدینه بانگ غوغا شد به پا

ص: 271



زان مصیبت هم (مقدم) (1) زد به سر تا مزار شاه دین گیرد به بر

در شبِ معراج خلوتگاه دوست خلوت حق باحبیبش خوش نکوست

تا بقاب قوسین اوآدنی رسید نور ایزد بر همه عالم دمید

یک صدای دلربا آمد بگوش که از آن مستان همه آیند بهوش

زنده می گردد از آن دلهای پاک گر که آید یک صدا بر اهل خاک

ص: 272

---

1- (1) . سید محمد تقی مقدم

آشنا آمد به گوش مصطفیٰ وه چه صوتی چون صدای مرتضیٰ  
گفت یارب این تویی گویی سخن یا که می باشد علی در انجمن  
نیست مانندش صدایی دلنشین در همه عالم صدایی به ز این  
حق تعالی گفت این نه از منست از برای من نه جسم و نه تن است

ص: 273

چونکه یا احمد حبیب تو علیست بر زبان او کلام حق جلیست  
دوست تر کس را نداری از علی بر صدای او سخن آمد جلی  
نی توان کردن به من کس را قیاس من ننگجم در عقول و در حواس  
چونکه برگشتی دوباره بر زمین گشتی همراه باز با جبل المتین  
می رسانی بر علی از من سلام چون ولی الله می باشد مدام  
پس علی باشد امیرالمؤمنین در سما همراه خیر المرسلین  
در زمین همواره یار و یاورش هم برادر، زوج پاک دخترش  
دوستدار اوست هر نیکو سرشت حب او باشد مسانید بهشت  
دشمن او جای دارد در سقر گرچه باطاعت رود عمرش به سر

آنچه آورده مقدّم در قلم از مضامین حدیث آمد رقم

(1)

مصطفی شاه ملک امکانی اولین موج بحر یزدانی

در شب قرب واجب از دامان چون برافشانند گرد امکانی

سم رخشش حجاب نه گردون کرد منشق ز گرم جولانی

این عجب بین ک آئشب اشیا را داد جسمش عروج روحانی

هست یعنی حقیقت هر شیء ظلّ آن جسم پاک نورانی

ص: 275

---

1- (1) . سید محمد تقی مقدّم.

تابقوسین وقاب، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گشت عارج بجسم ربانی

سرحد آن کمال شنو کاینک من ترا گویم ار سخندانی

تا بواجب چون دوره پرگار کن تصور تو دور امکانی

جامع دوره را نبوت دان بر نبوت دو وجه ارزانی

وجه ادنی ظهور اوست بر او در رسالت بنص قرآنی

وجه اعلی بطون اوست که هست آن ولایت بصدق عرفانی

والی آن ولایت است علی وجه یزدان ولی سبحانی

ص: 276

هستی ممکنات سر تا سرفرع جسم نبی است تا دانی  
چونکه اول بسیط در خود بود منبسط شد بخویش در ثانی  
چون شدش دوره تجلی طی هشت پا در حریم سلطانی  
عکس وجه ولایتش در دم یافت آنجا چنانکه می دانی  
اندر آن بزم الغرض چون حق کرده بُد دعوتش به مهمانی  
خوانی آندم زغیب شد حاضر از نعیم سرای سبحانی  
دستی از آستین غیب برون آمد او را برسم همخوانی

ص: 277

دید دستی که داد با او دست بهر پیمان به امر یزدانی

پیش از ایجاد عالم و آدم بود کاخ وجود را بانی

با پیمبر علی اعلی گفت در ثنای علی عمرانی

که حقیقت به ملک هستی شاه نیست غیر از علی ولی الله

«صفی عیشاه»

کند ثابت حدیث قدسی این فرخنده معنا را که یزدان در عبودیت ربوبیت دهد ما را

ز آدم تا به خاتم چون امیرالمؤمنین حیدر طریق بندگی نسپرده کس معبود یکتا را

اگر کنه عبودیت ربوبیت بود یاران برای من کنید از بهر حق حل این معما را

ص: 278

به قرآن آیه میمون سبحان الذی أُسری نماید شمه بی از فضلش آگه مرد دانا را

خدا فرموده تا بنمایمیش آیات خود بر دم سوی معراج از روی زمین سلطان بطحا را

امیرالمؤمنین فرموده در تفسیر این آیه نباشد آیتی اکبر ز من ایزد تعالی را

مرحوم صغیر اصفهانی

شبی بعبادت روز شباب عیش آور شبی به سیرت صبح وصال جان پرور

شبی زبسکه زمین روشن از فروغ نجوم و برگ لاله عیان از درون سنگ شرر

رسول امی مشکوی ام هانی را نموده از رخ و لب رشک جنت کوثر

ص: 279



که جبرئیل امین و خجسته پیک خدای به امر ایزد دادار حلقه زد بر در  
ز بانگ حلقه سر حلقه انام ز شوق بسان حلقه ندانست پای را از سر  
خطاب کرد به جبرئیل کای امین خدای بگو پیام چه داری ز حضرت داور  
جواب دادش جبرئیل کای پیمبر پاک تو خود پیام دهی و تو خود پیام آور  
سخن ز دل بزبان و زبان بدل گذرد در این میانه زبان منهی است فرمان بر  
اگر چه آینه خالی بود ز صورت شخص بود بواسطه شخص، شخص را مظهر  
بُراز شکوفه برون آید و شکوفه ز شاخ گمان خلق چنان کز شکوفه خیزد بر

ص: 280

ثمر نهفته اصل است و آشکار ز فرع کنون تو اصلی و من فرع و سر و حی ثمر  
گرت هوس که زمن بشنوی حکایت خویش درون آینه حق نمای من بنگر  
ولی چو آینه من محیط ذات تو نیست حکایتش ز تو ناقص نماید و ابتر  
من و ملایک سکان آسمان و زمین تمام مظهر ذات تویم ای سرور  
کنون مجال سخن نیست بر نشین به براق کز انتظار تو بس دیده است در معبر  
همی برآمد و چون برق بر براق و نخست به بیت مقدس چون پیک و هم کرد گذر  
وزان بمسجد اقصی چمید و شد زکرم خجسته روح رسل را بسوی حق رهبر

ص: 281

فروید پایه و بخشید مایه داد فروغ به هر فرشته بر آسمان به هر اختر

بسدره ماند ز ره جبرئیل ز آنگونه که باز ماند از پیک عقل پیک نظر

رسول گفتش که ای طایر حظیره قدس سبب چه بود که کردی بشاخ سدره مقرر

جواب دادش که ای محرم حریم وصال من ار فراتر پرم بسوزدم شهپر

تویی که داری در کاخ لی مع الله جای تویی که داری از تاج لا بسر افسر

تو نیز هستی خویش اندر این محل بگذر بسیج بزم بقا کن وزین فنا بگذر

براق عقل رها کن بران به رفرف عشق که عقل را نبود با فروغ عشق اثر

ص: 282

به پشت رفف بر شد نبی ز پشت براق چنانکه مرغ ز شاخ نگون به شاخ زبر  
ز سدره شد به مقامی که بود بیگانه در آن مقام تن از جان و جانس از پیکر  
صعود کرد به اوجی کزان نبود هبوط رجوع یافت به ملکِ کزان نبود سفر  
از سدره صدره برتر چمید از پی آنک ز سدره آید و از جیب لا بر آرد سر  
دو قوس دایره در ملتقای نقطه او سر زد و سو بهم آورد چون خط پرگر  
به عالمی شد ک آنجا نه اسم بود و نه رسم بمحفلی شد ک آنجا نه خواب بود و نه خور  
وجود شاهد و مشهود اتحاد گرفت چو اتحاد فروغ بصر بذات بصر

شنیده ام که نبی آنشب از ورای حجاب بگوشش آمد آواز حیدر صفدر

«قآنی»

ص: 284

## منايع كتاب:

1- قرآن كريم.

2- نهج البلاغه.

(الف)

3- الاربعون حديثاً، منتجب الدين بن بابويه،

4- الأربعين في إمامه الأئمه الطاهرين: شيخ محمد طاهر قمي، يك مجلد، تحقيق، السيد مهدي رجائي، الناشر: المحقق، 1418 ق.

5- الأربعين حديثاً في إثبات إمامه اميرالمؤمنين (عليه السلام): شيخ سليمان بن عبدالله الماحوزي البحراني، ، يك مجلد، تحقيق السيد مهدي رجائي، ناشر: المحقق، 1417 ق.

6- الإحتجاج: ابو منصور احمد بن علي طبرسي، يك جلد، نشر مرتضى، مشهد مقدس، 1403 ق.

7- الاصابه في تميز الصحابه: أحمد بن علي بن حجر

ص: 285

العسقلاني، ، دار الكتب العلميه بيروت.

8-الأمالى: شيخ صدوق، يك جلد، انتشارات كتابخانه اسلاميه، 1362 شمسى.

9-الأمالى: شيخ طوسى، ، يك جلد، انتشارات دارالثقافه قم، 1414 ق.

10-الأمالى: شيخ مفيد، يك جلد، انتشارات كنگره جهانى شيخ مفيد قم، 1413 ق.

11-الامام على (عليه السلام): حاج حسين شاكرى، چاپ اول 1421 ق، ناشر: مؤلف.

12-الامام على (عليه السلام): أحمد رحمانى همدانى، يك مجلد،

13-الإحتجاج: ابو منصور احمد بن على طبرسى، يك جلد، نشر مرتضى، مشهد مقدس، 1403 ق.

14-الاصابه فى تميز الصحابه: أحمد بن على بن حجر العسقلانى، ، دار الكتب العلميه بيروت.

15-الأمالى: شيخ صدوق، يك جلد، انتشارات كتابخانه اسلاميه،

ص:286

16-الأمالی: شيخ طوسی، ، یک جلد، انتشارات دارالثقافه قم، 1414 ق.

17-الأمالی: شيخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شيخ مفید قم، 1413 ق.

المنیر للطباعه و النشر تهران، الطبعة الاولى، 1417ق.

18-الامام الثاني عشر: سيد محمد سعيد موسوی آل صاحب العبا، یک جلد، انتشارات مكتبة نينوى الحديثيه كربلا.

19-الامام الحسين (عليه السلام) في احاديث الفريقين من قبل الولاده الى بعد الشهاده: سيد علي موحد ابطحي اصفهاني، چاپ اول، 1418ق، ناشر: مؤلف.

20-البدايه و النهايه، ابن كثير دمشقي، بيروت، مكتبة المعارف،

21-البدايه و النهايه، متقى هندی،

22-البيان في تفسير القرآن، ابوالقاسم خويي، .

23-التاريخ الكبير: محمد بن اسماعيل بن ابراهيم البخاري، نه

ص:287



مجلد، الناشر: المكتبة الاسلاميه ديار بكر.

24-التحصين: سيد على بن موسى بن طاوس، يك جلد، مؤسسه دارالكتاب، قم، 1413 ق.

25-التسهيل / تاليف كلبى

26-التمهيد فى علوم القرآن، محمد هادى معرفت.

27-الثاقب فى المناقب؛

28-الثقات: محمد بن حبان التميمى، نه مجلد، نشر مؤسسه الكتب الثقافيه الهند، الطبعة الاولى 1393 ق.

29-الجرح و التعديل، الرازى، شيخ الاسلام، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1371.

30-الجواهر السنيه فى الاحاديث القدسيه: محمد بن الحسن بن على بن الحسين الحر العاملى، منشورات مكتبه المفيد، قم ايران.

31-الخرائج و الجرائح، قطب الدين راوندى، سه جلد، مؤسسه امام مهدي (عج)، قم، 1409 ق.

32-الخصال، شيخ صدوق، دو جلد در يك مجلد، انتشارات

ص: 288

جامعه مدرسین، قم، 1403 ق.

33- السیره النبویه، ابن کثیر قرشی دمشقی، ابوالفداء اسماعیل، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه،

34- الشهب الثواقب فی رجم شیاطین النواصب: شیخ محمد آل عبدالجبار، یک جلد، انتشارات الهادی قم، 1418 ق.

35- الصراط المستقیم: علی بن یونس نباطی بیاضی، سه جلد در یک مجلد، چاپ کتابخانه حیدریه نجف، 1384 ق.

36- الصواعق المحرقه ابن حجر مکی،

37- الضعفاء الکبیر: العقیلی، چهار مجلد، تحقیق الدكتور عبدالمعطی أمين قلعجی، نشر دار الکتب العلمیه

38- الطبقات الکبری: محمد بن سعد، هشت مجلد، نشر دار صادر، بیروت.

39- الطرائف: سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، چاپخانه خیام قم، 1400 ق.

40- العقلیه و الفواطم: حاج حسین شاکری، یک جلد، ناشر:

ص: 289

- 41- العلل المتناهيه فى احاديث الواهيه: ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن، بيروت، دارالكتب العلميه،
- 42- العمده: ابن بطريق يحيى بن حسن حى، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، 1407ق.
- 43- العقائد الاسلاميه: على كورانى عاملى، چهار جلد، چاپ اول، مركز المصطفى للدراسات الاسلاميه.
- 44- الغدير، علامه امينى، يازده مجلد، نشر دار الكتب العربى بيروت، 1379 ق.
- 45- الغيبه: شيخ طوسى، يك جلد، مؤسسه معارف اسلامى، قم، 1411ق.
- 46- الغيبه، محمد بن ابراهيم النعمانى،
- 47- الفايق: زمخشرى،
- 48- الفصول المهمه: تاليف ابن صباغ مالكى
- 49- الفضائل: شاذان بن جبرئيل قمى، يك جلد، انتشارات

رضی، قم، 1363 شمسی.

50- الفهرست: أبی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق شیخ جواد القیومی، مؤسسه نشر

51-46- الفقاهه، الطبعة الاولى، 1417 ق.

52- القدسیات: نوشته یکی از علماء اهل سنت).

53- الکافی: ثقة الاسلام کلینی، هشت جلد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1365 شمسی.

54- الکنی و الألقاب: شیخ عباس قمی، سه مجلد.

55- المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین: محمد بن حبان البستی، سه مجلد، تحقیق محمود ابراهیم زاید.

56- المهدی المنتظر (علیه السلام)، حاج حسین شاکری، دو جلد، چاپ اول، 1421 ق، ناشر: مؤلف.

57- الکامل فی ضعف الرجال، عبدالله بن عدی،

58- المُستَدْرَک علی الصّحیحین: محمد بن عبدالله، معروف به حاکم نیشابوری درگذشته به سال 405 ه.ق. حاکم نیشابوری، این

ص: 291

کتاب را برای آن تألیف کرده تا بگوید، احادیث صحیح دیگری هم بوده است که بخاری و مسلم نیاورده اند، ولی باید آنها را ذکر می کردند. به هر ترتیب، کتاب مورد استفاده ما، با تحقیق مصطفی عبد القادر عطا در سال 1411 ه.ق بوسیله دار الکتب العلمیه بیروت در 4 جلد چاپ شده است.

59-المصنف: کوفی، ابن ابی شیبہ، تحقیق سعید محمد اللحام، بی جا، دارالفکر،

60-المعیار والموازنه، اسکافی معتزلی، ابو جعفر محمد بن عبداللہ، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی،

61-المصنف: ابن ہمام صنعانی، عبدالرزاق، تحقیق، حبیب الرحمن الاعظمی،

62-المعجم: الکبیر، علاء الدین علی بن بلبان الفارسی.

63-المعجم: الکبیر طبرانی. بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی،

64-المعجم الاوسط، بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی،

65-المعجم: الصغیر، بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی،

- 66- الأنوار العلويه و أسرار المرتضويه: شيخ جعفر نقدي، يك مجلد، المطبعه الحيدريه النجف، الطبعه الثانيه، 1381 ق.
- 67- العوالم الامام الحسين (عليه السلام): الشيخ عبدالله البحراني، ، تحقيق مدرسه الامام المهدي (عليه السلام)، المطبعه امير، قم، الطبعه الاولى، 1407ق.
- 68- المراجعات، السيد عبدالحسين شرف الدين، يك مجلد، تحقيق حسين الراضي، نشر جمعيه الاسلاميه، الطبعه الثانيه 1402ق.
- 69- المحتضر: الشيخ الجليل حسن بن سليمان الحلبي، الطبعه الاولى، منشورات المطبعه الحيدريه في النجف، 1370ق.
- 70- المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم: محمد فؤاد عبدالباقي، مؤسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، طبع اول، 1420ق.
- 71- المناقب: الموفق بن أحمد بن محمد الخوارزمي، مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم المقدسه، الطبعه الثانيه 1411ق.
- 72- اليقين: سيد على بن موسى بن طاوس، يك جلد، مؤسسه دارالكتاب، قم، 1413ق.

73- الايضاح: فضل بن شاذان الأزدي النيسابوري، يك مجلد، تحقيق سيد جلال الدين الحسيني الأرموي؟

74- آيات ولايت در قرآن: آيه الله مكارم شيرازي

75- آيات الولاية: در فضائل اميرالمومنين علي علي السلام، سيد كاظم ارفع انتشارات فيض كاشاني

76- آموزش علوم قرآن: محمدهادي معرفت، ترجمه ابو محمد وكيلى

77- ابو تراب سايت تخصصى اميد مؤمنان عليه السلام.

78- اثبات الحجج الغائب:

79- احكام القرآن: رازي جصاص، ابى بكر احمد بن على، بيروت، دارالكتب العلميه،

80- اختيار معرفه الرجال المعروف برجال الكشى: شيخ طوسى، دو مجلد، نشر مؤسسه آل البيت(عليهما السلام)، 1404 ق.

81- إرشاد القلوب: حسن بن ابى الحسن ديلمى، دو جلد در يك مجلد، انتشارات شريف رضى 1412 ه.ق

82- از مباحله تا عاشوراء: محمد امينى گلستانى.

ص: 294

83- اسباب النزول: تالیف واحدی نیشابوری چاپ دار العلمیہ بیروت

84- اسد الغابہ: ابن الاثیر.

85- اسرار الفاطمیہ: شیخ محمد فاضل مسعودی، چاپ اول، 1402 ق، مؤسسہ زائر فی الروضہ.

86- اشک شفق.

87- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.

88- أعلام الدین: حسن بن ابی الحسن دیلمی، یک جلد، مؤسسہ آل البیت (علیہ السلام)، قم، 1408 ق.

89- الزام الناصب فی اثبات الحجہ الغائب: شیخ علی یزدی حائری، دو جلد در یک مجلد، تحقیق سید علی عاشور؟!

90- امام شناسی: علامہ مجلسی، پرتوی از غدیر، آیت مهدی حائری بنیاد فرهنگی امام مهدی (علیہ السلام) تهران

91- امام علی (علیہ السلام) در آینه معراج نوشته علیرضا زکی زاده رنانی

92- انتظار باید و نبایدها: ابراهیم شفیعی سروستانی، (1343)، تهران: موعود عصر (عج)، چاپ ششم، 1386. و بخش قرآن تبیان،

ص: 295



93- انساب الاشراف، احمد بن یحیی بن جابر البلاذری،

94- انوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد(س):

شیخ غالب سیلاوی، چاپ اول، 1421 ق، ناشر: مؤلف.

95- ایضاح الاشتباه: علامه حلی، ، یک مجلد، تحقیق شیخ محمد حسون، مؤسسه نشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین قم، الطبعة الاولى، 1411 ق.

(ب)

96- بحار الأنوار: علامه مجلسی، 110 جلد، مؤسسه الوفاء بیروت لبنان، 1404 ق.

97- بشاره المصطفی: عماد الدین طبری، یک جلد، چاپ کتابخانه حیدریه نجف، 1383 ق.

98- بصائر الدرجات: محمد بن حسن بن فروخ صفار، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، 1404 ق.

99- بناء المقالة الفاطمیه: سید احمد بن موسی بن طاوس، یک جلد، مؤسسه آل البيت(عليهما السلام) قم، 1411 ق.

100 -بشاره المصطفى صلى الله عليه وآله لشيعه المرتضى: أبى جعفر محمد بن ابى القاسم محمد بن على الطبرى (از علمای قرن 6).

(پ)

101 -پرتوی از اسرار نماز: محسن قرائتی

(ت)

102 -تأویل الآيات الظاهره: سید شرف الدین حسینی استرآبادی، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1409 ق.

103 -تاریخ الخلفاء: سیوطی: -

104-تاریخ قرآن کریم، محمدباقر حجتی،

105 -تاریخ قرآن، محمد هادی معرفت، .

106 -تاریخ بغداد، الخطیب البغدادی، ابی بکر احمد بن علی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت،

107 -تاریخ سماء الثقات، عمر بن شاهین.

108 -تاریخ بغداد أو مدینه السلام: أبى بکر أحمد بن على الخطیب البغدادی، چهارده مجلد، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، الطبعة الاولى، 1417 ق.

ص: 297

109- تاریخ مدینه دمشق: اَبی القاسم علی بن الحسن ابن هبّه اللّه بن عبداللّه الشافعی المعروف بابن عساکر، دراسه وتحقیق علی شیری، دار الفکر، بیروت لبنان، 1415ق.

110- تحبیر التیسیر، ابن جزری، ؛

111- ترتیب کتاب العین،.

112- ترجمه الامام علیّ ابن ایطالب من تاریخ الدمشق: چاپ بیروت

113- ترجمه تفسیر المیزان

114- ترجمه المنجد: احمد سیاح، انتشارات اسلام، چاپ نوزدهم، 1377 شمسی.

115- تحفه الاحوذی فی شرح سنن ترمذی: مبارکفوری، ابی العلاء محمد عبدالرحمن ابن عبدالرحیم، بیروت،

116- تذکره الحفاظ حافظ شمس الدین ذهبی،

117- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن: معروف به «تفسیر طبری» نوشته ابو جعفر محمد بن جریر طبری درگذشته به سال 310 ه.ق.

این کتاب از مهمترین کتابهای تفسیر در جهان اسلام است، که

ص: 298

نزد پیروان مکتب خلفا از اعتبار و اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. نسخه مورد استفاده ما در 30 جلد (12 مجلد) در سال 1406 ه.ق توسط دار المعرفه (بیروت) افست شده است.

118- تفسیر الکشاف: تالیف جار الله محمود بن عمر، معروف به زمخشری در گذشته به سال 538 ه.ق. کتاب مذکور از تفسیرهای مهم و مقبول نزد دانشمندان عامه است. نسخه مورد استفاده ما بوسیله دارالمعرفه بیروت در 4 جلد به چاپ رسیده است.

119- تفسیر الکبیر: نوشته فخر الدین محمد بن عمر رازی در گذشته به سال 606 ه.ق در هرات. نام اصلی این تفسیر مفاتیح الغیب است که به تفسیر کبیر مشهور شده است. این کتاب، از مهم ترین و معروفترین تفسیرهای جهان اسلام است. فخر رازی با نوشتن این تفسیر نزد پیروان مکتب خلفا، به امام مفسران شهرت یافته است. این کتاب به وسیله مرکز نشر مکتب اعلام اسلامی در 32 جلد در تهران چاپ شده است.

120- الدر المنثور فی التفسیر المأثور: نوشته جلال الدین سیوطی در گذشته به سال 911 ه.ق. این کتاب نیز، مهم ترین تفسیر روایی

علمای عامّه به شمار می رود، که بوسیله دار الفکر بیروت در سال 1403 ه.ق در 8 مجلد چاپ شده است.

121- تفسیر ابو الفتوح رازی

122- تفسیر غرائب قرآن: تالیف نظام الدین نیشابوری چاپ دار الکتب علمیّه بیروت

123- تفسیر فتح البیان: تالیف صدیق حسن قنوجی چاپ دار الکتب علمیّه بیروت

124- تفسیر انوار التنزیل: تالیف قاضی ناصر الدین بیضاوی چاپ دار الصادر بیروت

125- تفسیر کشف و البیان: تالیف ثعلبی چاپ دار احیاء التراث العربی بیروت

126- تفسیر نمونه: جمعی از نویسندگان، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی

127- تفسیر فرات، 33- فرات بن ابراهیم کوفی، یک جلد، مؤسسه چاپ و نشر، 1410 ق.

128- تفسیر الأصفی، 34- ملا محسن فیض کاشانی، دو جلد،

ص: 300

مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، الطبعة الاولى، 1418ق.

129 - تفسیر صافی، مشهد، انتشارات دارالمرتضی، چاپ اول.

130 - تفسیر برهان: سید هاشم حسینی بحرانی، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، 1415 ق.

131 - تفسیر القرآن الکریم: اَبی حمزه ثابت بن دینار الثمالی، جمعه و تألیفه عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین راجعه و قدم له سماحه العلامة الشیخ محمد هادی معرفه.

132 - تفسیر اثنی عشری: حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، انتشارات میقات، چاپ اول، 1364 شمسی.

133 - تفسیر شریف لاهیجی: بهاء الدین محمد شیخ علی شریف لاهیجی، مؤسسه مطبوعات اعلمی، 1363 شمسی.

134 - تفسیر القمی: علی بن ابراهیم، دو مجلد، تصحیح سید طیب الجزائری، نشر مؤسسه دار الکتاب قم، الطبعة الثالثة، 1404 ق.

135 - تفسیر العیاشی: محمد بن مسعود عیاشی، دو جلد، چاپخانه علمیه تهران، 1380 ق.

136 - تفسیر گازر: ابوالمحاسن الحسین بن حسن جرجانی،

ص: 301

- 137 - تفسیر نور الثقلین: الشیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، مؤسسه اسماعیلیان، قم الطبعة الرابعة، 1412 ق.
- 138 - تفسیر المیزان: استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ پنجم، 1376 شمسی.
- 139 - تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین: ملا فتح الله کاشانی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، 1344 شمسی.
- 140 - تهذیب التهذیب: عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، بی جا، دارالفکر،
- 141 - تهذیب الکمال: تحقیق أبو الحجاج یوسف المزی، الدكتور بشار عواد معروف، سی و پنج مجلد، الناشر: مؤسسه الرساله، الطبعة الرابعة، 1406 ق.
- 142 - تقریب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دو مجلد، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، الطبعة الثانية، 1415 ق.

143 - تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين: شرف الاسلام بن سعيد المحسن بن كرامه، تحقيق سيد تحسين آل شبيب، نشر مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، 1420ق.

(ث)

144 - ثم اهتديت: محمد تيجاني سماوي، يك جلد، مؤسسه فجر لندن.

(ج)

145 - جامع ترمذى: محمد بن عيسى ترمذى،

146 - جواهر المطالب فى مناقب الامام على (عليه السلام): دمشقى شافعى، محمد بن احمد، قم، مجمع احياء الثقافه الاسلاميه،

147 - الجرح و التعديل. رازى،

(ح)

148 - حاشيه الصّاوى بر تفسير جلالين: تاليف الصاوى چاپ دارالتجاريّه الكبرى مصر

149 - حاشيه شهاب على تفسير البيضاوى: تاليف قاضى شهاب الدين خفاجى

150 - حليه الابرار فى أحوال محمد و آله الأطهار: سيد هاشم

ص: 303



بحرانی، مؤسسہ المعارف الاسلامیہ، الطبعہ الاولى، 1411 ق.

151 - حلیہ الاولیاء، ابی نعیم.

(خ)

152 - خلاصہ الأقوال فی معرفہ الرجال: علامہ حلی، المطبعہ الحیدریہ النجف، الطبعہ الثانیہ، 1381 ق.

153 - خصال شیخ صدوق، جامعہ مدرسین،

154 - خصائص نسائی،

155 - خصائص الوحی المبین، ؛

(د)

156 - دلائل الصّدق: الامام المظفّر شیخ محمدالحسن.

157 - دلائل الإمامہ: محمد بن جریر طبری، یک جلد، دار الذخائر للمطبوعات، قم

158 - دیوان مقدم: سید محمد تقی مقدم، چاپ پنجم، 1376 شمسی، انتشارات مقدم، مشهد.

159 - درسنامہ علوم قرآنی: حسین جوان آراستہ،

(ذ)

ص:304

160 -ذخائر العقبي: تاليف محب الدين أحمد بن عبدالله الطبرى شافعى، الناشر: مكتبه القدسى، يك مجلد، الطبعه 1356ق.

(ر)

161 -رجال ابن داود، تقى الدين ابن داود الحلى، المطبعه الحيدريه النجف، 1392ق.

162 -رجال الطوسى: أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى، يك مجلد، مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المقدسه، 1415ق.

163 -رجال النجاشى: فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى الشيخ أبى العباس أحمد بن على النجاشى الكوفى مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المقدسه، الطبعه الخامسه، 1416ق.

164 -رسم الخط مصحف: غانم قدورى الحمد، ترجمه يعقوب جعفرى،.

165 -روضه الواعظين: محمد بن حسن فتال نيشابورى، يك جلد، انتشارات رضى، قم.

ص:305

(س)

167- سُنَن ابن ماجه قزوینی: ابو عبدالله محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی، درگذشته به سال 275 ه.ق. این کتاب از مجموعه کتابهای فقهی مورد قبول نزد دانشمندان مکتب خلفا است. کتاب مورد استفاده ما با تحقیق محمد فواد عبد الباقی در سال 1395 ه.ق بوسیله دار احیاء التراث العربی بیروت در دو مجلد چاپ شده است.

168- سُنَن ترمذی: نوشته محمد بن عیسی درگذشته به سال 297 ه.ق. این کتاب هم از کتابهای مورد اعتماد علمای عامّه است که با تحقیق و تعلیق ابراهیم عطوه عوض از استادان دانشگاه الازهر بوسیله دار احیاء التراث العربی بیروت در 5 مجلد چاپ شده است.

169- سُنَن نسائی: نوشته ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب نسائی درگذشته به سال 303 ه.ق. این کتاب نیز از کتابهای معتبر علمای عامّه در فقه است. نسخه مورد استفاده ما به شرح دانشمند معروف آنها «جلال الدین سیوطی» است که «سندی» نیز بر آن حاشیه دارد. این کتاب در 8 جلد (4 مجلد) به وسیله دار احیاء التراث العربی بیروت به

ص: 306

چاپ رسیده است.

170- سنن ابی داوود: ابی داوود سلیمان بن اشعث سجستانی،

171- سیر أعلام النبلاء: ذهبی، بیست و سه مجلد، تحقیق شعیب الارنؤوط حسین الاسد، نشر مؤسسه الرساله بیروت، الطبعه التاسعه 1413 ق.

(ش)

172- شرح تجرید الاعتقاد: علامه حلّی، جامعه مدرسین قم،

173- شرح سنن نسائی: سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، قاهره، مکتبه ابنتیمیه،

174- شرح مسلم: یحیی الدین نووی.

175- شواهد التنزیل: حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، دو جلد تحقیق شیخ محمدباقر محمودی،

176- شرح أسماء الحسنی: ملا هادی سبزواری

177- شرح جوشن کبیر: الإمام علی: أحمد رحمانی همدانی.

178- شجره طوبی: الشیخ محمد مهدی الحائری، منشورات المکتبه الحیدریه فی النجف، الطبعه الخامسه، 1385 ق.

ص: 307

179 -شرح احقاق الحق وازهاق الباطل: آيت الله العظمى مرعشى نجفى رحمه الله، سى و دو جلد، منشورات مكتبه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، قم ايران.

180 -شرح الأخبار فى فضائل أئمه الأطهار: قاضى نعمان مغربى، تحقيق سيد محمد الحسينى الجلالى، مؤسسه النشر الاسلامى، التابعه لجماعه المدرسين قم.

181 -شرح نهج البلاغه: ابن ابى الحديد المعتزلى، دار احياء الكتب العربيه عيسى البابى الحلبي وشركاه، الطبعة الاولى، 1378ق.

182 -شرح أصول الكافى: مولى محمد صالح المازندراني، دوازده مجلد؟

183 -شيخ البطحاء ابوطالب (عليه السلام): حاج حسين شاكري، يك جلد، ناشر: مؤلف.

(صلى الله عليه و آله)

184 -صحيح بخارى، امام ابو عبد الله محمد بن اسماعيل، وفات به سال 256 ه.ق. تصحيح و ترتيب شيخ صالح بن عبدالعزيز بن ابراهيم آل الشيخ، الرياض، اين كتاب، معروف ترين و معتبر ترين كتاب

ص:308

حدیثی علمای عامّه به شمار می رود. آن را «صحیح» نامیدند، زیرا معتقدند تمام احادیث کتاب از لحاظ سند و دلالت، صحیح هستند ناشر دیگر کتاب، داراحیاء التراث العربی است که 25 جلد را در 9 مجلد به چاپ رسانده است.

185- صحیح مسلم، امام ابوالحسین مسلم بن حجاج سجستانی، نیشابوری، درگذشته به سال 261 ه.ق این کتاب پس از صحیح بخاری، معتبرترین و مهم ترین کتاب حدیث در میان اهل سنت است، و تمام احادیث آن را صحیح می دانند.

186- صحیح مسلم بشرح النووی، نووی دمشقی، یحیی بن شرف، در 18 جلد دار احیاء التراث العربی بیروت در 9 مجلد چاپ گردیده است.

(ط)

187 - طرائف المقال، الامام علی (علیه السلام): احمد رحمانی همدانی،

(علیه السلام)

188 - علی (علیه السلام) در مکتب اهل سنت نوشته : محمد باقر موسوی همدانی

ص: 309

189-علوم القرآن عند المفسرين،

190-علل الشرائع، شيخ صدوق يك جلد، انتشارات مكتبه الداوري، قم.

191 -عيون أخبار الرضا(عليه السلام): دو جلد در يك مجلد، انتشارات جهان، 1378 ق.

192 -عقائد الاسلاميه:.

193 -عون المعبود عظيم آبادي: محمد شمس الدين حق، بيروت، دارالكتب العلميه،

(غ)

194 -غايه المرام و حجه الخصام في تعيين الامام من طريق الخاص و العام: سيد هاشم بحراني، هفت جلد.

(ف)

195 -فتح القدير: تاليف شوکانی

196-فتح الباری عسقلانی: احمد بن علی بن حجر، شرح صحيح بخاری، بيروت، دارالمعرفه بی تا

197-فرائد السمطين: جوينی،

ص:310

198- فضائل سیده النساء: عمر بن شاهین،

199- فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت:

سید مرتضی فیروزآبادی/ مترجم محمدباقر ساعدی، ج 1، ص: 289

200- فیض القدير شرح الجامعه الصغیر: مناوی، محمد عبدالرئوف، تحقیق احمد عبدالسلام، بیروت

(ق)

201- قاموس قرآن: سید علی اکبر قرشی، هفت جلد در سه مجلد، انتشارات دارالکتب اسلامیة، چاپ ششم، 1371 شمسی.

202- قصص الأنبياء جزائری

203- قاموس الصحیفه السجّادیه صاحب ریاض السالکین این کتاب اخیرا بوسیله جناب حجه الاسلام حاجی سید ابو الفضل حسینی بسبک جالب و زیبا در شرح لغات صحیفه سجّادیه تألیف شده و تعلیقات او اضافاتی نیز از نظر نقل حدیث و مطالب سودمند با استفاده از منابع ارزنده در آن منظور گردیده است مطالعه این کتاب نفیس برای محققین و اهل علم توصیه میشود.

(ک)

ص: 311



204 - کتاب الثقات: تمیمی بستی، محمدبن حبان احمد ابی حاتم، حیدرآباد دکن، مؤسسه الکتب الثقافیه،

205 - کتاب السنه: ابو عبدالله محمدبن یزید ابن ماجه.

206 - کتاب الموطا: امام انس بن مالک،

207 - کتاب «دلائل الصّدق» مرحوم علامه شیخ حسن مظفر (ره)

208 - کَنْزُ الْعَمَلِ فِي سُنَنِ الْأَقْوَالِ وَالْأَفْعَالِ: نوشته علامه علی متقی هندی درگذشته به سال 975 ه.ق. از کتابهای حدیثی مورد اعتماد و مجموعه ای گرانقدر از احادیث کتابهای اهل سنت است.

کتابی که ما از آن استفاده کرده ایم، در 16 جلد توسط مؤسسه الرساله (بیروت) در سال 1405 ه.ق چاپ شده است.

209 - کفایه الخصام:

210 - کفایه الطالب: تالیف کنجی شافعی الکرخی چاپ نجف اشرف

211 - کفایه الأثر: علی بن محمد خزاز قمی، یک جلد، انتشارات بیدار، قم، 1401 ق.

212 - کمال الدین: شیخ صدوق، دو جلد در یک مجلد، دار الکتب

ص: 312

213 -كشف الغمه: على بن عيسى إربلي، دو جلد، چاپ مكتبه بنى هاشمى، تبريز، 1381ق.

214 -كشف الغطاء عن مبهمات شريعه الغراء: الشيخ جعفر كاشف الغطاء، دو مجلد، نشر مهدوى اصفهان.

215 2 -كشف اليقين: علامه حلى حسن بن يوسف، يك جلد، مؤسسه چاپ و انتشارات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1411ق.

216 -كمال الدين: ابوجعفر محمد بن على بن الحسين شيخ صدوق، دو جلد در يك مجلد، دار الكتب الإسلاميه، قم، 1395ق.

217 -كنز الفوائد: ابى الفتح محمد بن على الكراجكى، مكتبه المصطفى، قم، الطبعة الثانيه، 1410ق.

218 -كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال: على الممتقى بن حسام الدين الهندى، مؤسسه الرساله بيروت، 1409ق.

(ج)

219 -لباب النقول: تاليف سيوطى در حاشيه تفسير جلالين

220- لسان المیزان: ابن حجر عسقلانی، هفت مجلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات بیروت، الطبعة الثانية، 1390 ق.

(م)

221- ماه منقبه فی فضایل و مناقب أمير المؤمنين والائمة من ولده)عليهما السلام: محمد بن أحمد بن الحسن بن شاذان القمي، (، مدرسه الامام المهدي(عليه السلام)، الطبعة الاولى، 1407ق.

222- مدینه المعاجز، بحرانی.

223- مجموعه آثار استاد شهید مطهری،

224- مجمع الزوائد و منبع الفوائد: هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی جا،

225- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عندالمفسرین،

226- مُسند احمد بن حنبل: نوشته احمد بن محمد بن حنبل درگذشته به سال 241ه.ق. احمد بن حنبل، رئیس مذهب حنبلی از مذاهب چهارگانه مکتب خلفا است. او خود شاگرد محمد بن ادریس شافعی رئیس مذهب شافعی بوده است. کتاب او هم از کتابهای مهم حدیث و از منابع معتبر نزد علمای عامّه است. نسخه مورد استفاده ما

ص: 314

با ضبط و تعلیق و فهرست صدقی محمد جمیل العطار بوسیله دار الفکر بیروت در سال 1414 (چاپ سوم) چاپ شده است.

227- مسند ابی داوود: طیالسی، ابن ابی داوود، بیروت، دارالحدیث،

228- مسند ابن جعد، جوهری: علی بن جعد بن عبید، تحقیق ابی القاسم عبدالله بن محمد بغوی، بیروت.

229- مسند ابی یعلی: احمد بن علی بن مثنی تمیمی، الموصلی.

طبرانی،

230- معرفه الثقات: عجلی، حافظ احمد بن عبدالله، مدینه المنوره، مکتبه الدار.

231- مقتل الحسین: سید عبدالرزاق المقرّم.

232- موده القریبی: شافعی همدانی، چاپ لاهور؛

233- مناقب: ابن مردویه.

234- مناقب علیّ ابن ابی طالب: تالیف ابن مغازلی شافعی

235- مستدرک سفینه البحار: حاج شیخ علی النمازی الشاهرودی، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.

ص: 315

236 - مستدرک الوسائل: محدث نوری، هجده جلد، مؤسسه آل البيت(عليهما السلام)، قم، 1408ق.

237 - مختصر بصائر الدرجات: حسن بن سليمان الحلبي، الطبعة الاولى، منشورات المطبعة الحيدرية في النجف، 1370ق.

238 - مدينه معاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج على البشر:

السيد هاشم بن سليمان البحراني، مؤسسه المعارف الاسلاميه، الطبعة الاولى، 1413ق.

239 - مناقب السبعون،

240 - موعود عصر (عج): چاپ ششم، 1386.

241 - منهاج الكرامه في معرفه الامامه: علامه حلي، يك جلد، مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشوراء، قم.

242 - ما نزل من القرآن في شأن فاطمه(س): سيد محمد علي حلو، دو جلد، چاپ اول 1421، ناشر: مؤلف.

243 - مكارم الأخلاق: رضی الدين حسن بن فضل طبرسی، يك جلد، انتشارات شريف رضی، قم، 1412ق.

244 - مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم: سيّد محمد تقی موسوی

ص: 316

اصفهانى. (م1348ه.ق) چاپ دوّم 1398ق.

245- ميرزا محمد تقى اصفهانى، دو جلد، مؤسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، 1421ق.

246- معالم العلماء: ابن شهر آشوب، المطبعه قم.

247- معرفه الثقات: أحمد بن عبدالله العجلى، دو مجلد، نشر مكتبه الدار بالمدينه المنوره، الطبعه الاولى، 1405ق.

248- معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه: سيد أبوالقاسم الموسوى الخوئى، بيست و چهار مجلد، الطبعه الخامسه، 1413ق.

249- معراج پیامبر (صلى الله عليه و آله): عليرضا زكى زاده رنانى، يك جلد، انتشارات موعود اسلام، چاپ دوم، 1384 شمسى.

250- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: على بن أبى بكر هيشمى، مكتبه القدسى بالقاهره دار الكتب العلميه بيروت لبنان.

251- مجمع البيان فى تفسير القرآن: فضل بن حسن طبرسى، مؤسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، طبع اول، 1415ق.

252- مجمع النورين و ملتقى البحرين: أبوالحسن المرندى، يك مجلد.

ص:317

253 - مسند الامام الرضا (عليه السلام): شيخ عزيز الله عطاردى، ، دو مجلد، مؤسسه نشر و طبع آستان قدس الرضوى، 1406ق.

254 - من لا يحضره الفقيه: شيخ صدوق، چهار جلد، انتشارات جامعه مدرسین، قم، 1413ق.

255 - مناقب آل أبى طالب (عليه السلام): ابن شهر آشوب مازندرانی، چهار جلد، مؤسسه انتشارات علامه، قم، 1379ق.

256 - ميزان الحكمة: محمد محمدى رى شهرى، پانزده جلد با ترجمه، انتشارات دارالحديث، ویرایش سوم، 1377 شمسی.

257 - ميزان الاعتدال: ذهبى، چهار مجلد، تحقيق على محمد البجاوى، نشر دار المعرفه بيروت، الطبعة الاولى، 1382ق.

(ن)

258 - نظم درر السمطين: محمد بن يوسف الزرندي الحنفي، يك مجلد، الطبعة الاولى، 1377ق.

259 - نفحات الازهار فى خلاصه عبقات الانوار: سيد على حسيني ميلانى، سى جلد، چاپ اول، 1414ق، ناشر: مؤلف.

260 - نقد الرجال: سيد مصطفى تفرشى، پنج مجلد، مؤسسه آل

ص: 318

البيت)عليهما السلام( لإحياء التراث، الطبعة الاولى، 1418ق.

261- نهج الايمان: زين الدين على بن يوسف بن جبر، يك جلد، انتشارات مجتمع امام هادى(عليه السلام) مشهد، چاپ اول، 1401 ق.

262- نهج البلاغه امام على بن ابى طالب(عليه السلام): يك جلد، انتشارات دارالهجره، قم.

263- نوادر المعجزات، محمد بن جرير الطبرى الشيعى، مؤسسه الامام المهدي(عليه السلام)، قم، الطبعة الاولى، 1410ق.

264- نزول قرآن و رؤياى هفت حرف: سيد رضا مؤدب،

265- نصب الرايه لاحاديث الهدايه: زينعلى، جمال الدين، تحقيق عبدالفتاح، بيروت، دار احياء التراث العربى،

266- نظم المتناثر فى الحديث: كتانى، محمد بن جعفر، تحقيق شرف حجازى، مصر، دارالكتب السلفيه،

267- نحو انقاذ التاريخ الاسلامى: مالكى، حسن بن فرحان، بى جا، مؤسسه اليمامه الصحيفه، ص 142.

268- نهج الحق، و كشف الصدق: علامه حلى.

269- نور الابصار: شبلنجى.

ص: 319



(ه)

270 - هجرالدم: يوسف بن المبرد،

(و)

271 - وسائل الشيعه: شيخ حر عاملی، بیست و نه جلد، مؤسسه آل البيت)عليهما السلام(، قم، 1409 ق.

(ی)

272 - ينابيع الموده لذوی القربى: نوشته شيخ سليمان ابن شيخ ابراهيم قندوزی بلخی معروف بخواجه کلان، در گذشته به سال 1294 ه. ق. او از دانشمندان مذهب حنفی و از بزرگان فرقه نقشبندیه صوفیه بوده است. کتاب وی در مناقب اهل بیت علیهم السلام تألیف شده و از منابع حدیثی معتبر نزد پیروان مکتب خلفاست. کتاب مورد استفاده مادر 4 جلد توسط دار الأسوه للطباعه و النشر - قم در سال 1416 ه. ق. به چاپ رسیده است.

ص: 320

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

